

هیأت

سال دهم، شماره ۹۹، رجب ۱۴۳۵
اردیبهشت ۹۳، قیمت: ۲۰,۰۰۰ ریال

- شمشیر دشمن را تیز نکنید
- اباحه گری فرهنگی و وظیفه‌ی نیروهای انقلاب اسلامی
- مهارت‌های دعا خوانی
- در کشاکش کوچه‌های مدینه
- انسانم آرزوست



سجده

رسول الله

حضرت امیر المؤمنین امام علی (صلوات الله علیه) فرمودند:

فبعث الله محمداً (صلى الله عليه وآله) بالحق ليخرج عباده من عبادة الاوثان الى عبادته و من طاعة الشيطان الى طاعته.
خداوند، محمد (صلى الله عليه وآله) را به حق برانگیخت تا بندگان را از پرستش بتان به عبادت او در آورد و از پیروی شیطان به فرمان برداری او سوق دهد.

نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷

قبل از پرداختن به موضوع نام‌گذاری سال و وظایف هیات‌ها یک توضیح لازم است آورده شود، در صفحه ۱۸ و ۱۹ شماره ۹۸ نشریه هیات از بیانات محوربندی شده مقام معظم رهبری حضرت آیت الله والعظمی امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در مقام دعا و خیرخواهی برای هیات آورده شده بود که «خدا سایه شما را از سر این ملت و کشور و ما کم نکند»

درج این جمله بدین معنا نبود که هیات رزمندگان اسلام شانی فراتر از مقام ولایت و زعامت ولی امر مسلمین برای خود قائل است بلکه حاکی از توجه و عنایت معظم له به کارکرد هیاتهای مذهبی یعنی اشاعه و ترویج معارف الهی و اهل بیت (ع) است.

با ذکر این توضیح توجه خوانندگان عزیز را به یادداشت این شماره جلب می‌نماییم.

پیام نوروزی مقام معظم رهبری و نام‌گذاری سال ۹۲ به عنوان اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی پیام‌های بسیار مهمی را در بردارد که در این یادداشت منحصراً به موضوع فرهنگ و نقش هیات‌ها در آن اشاره می‌شود.

تاکید معظم له بر فعالیت‌های جهادی در عرصه فرهنگ یک مفروض دارد و آنهم اینست که مادر وضعیت جنگ و جهاد هستیم، باید گفت متأسفانه باور مدیران فرهنگی کشور این نیست که مادر چنین موقعیتی قرار داریم. لذا در عرصه عمل در حوزه فرهنگ جهادی عمل نمی‌شود.

سوال اساسی این است که اگر اعتقاد و باور به جنگ و جهاد بود آیا به حاشیه‌ها می‌پرداختیم؟ یا وسط میدان جنگ آذوقه جنگی و تدارکات به رزمندگان می‌رساندیم؟ و یا در شب بمباران چراغ خانه را برای دشمن روشن نمی‌کردیم؟

اجرای کار فرهنگی با گیر کردن در پیچ و خم‌های روابط خشک اداری و نظام کهنه و دیوان سالار و ناکارآمد موجود قابل انجام نمی‌باشد. در این بین فعالیت هیات رزمندگان اسلام نمی‌بایست دستخوش آفت نظام اداری و سازمانی شود. «به نظر من مراکز شماها حسینیه‌هاست. شما مرکز اداری نمی‌خواهید، حسینیه، هیات، مسجد، مراکز شما اینها است»*

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در شرفیابی شورای مرکزی هیات رزمندگان اسلام فرمایشات ارزنده‌ای در خصوص جهاد و مجاهدت بیان داشتند. کانه رهنمودهای ایشان در این دیدار مقدمه نامگذاری برای سال ۹۳ بود. به فرازهایی از این فرمایشات توجه فرمائید: «مجاهدت مجموعه‌ای از انواع مبارزه‌هاست، جنگ نظامی، جنگ فکری، جنگ روحی، جنگ اجتماعی، مجموعه اینها اسمش مجاهدت است، مجاهدت شامل همه‌ی اینها هم هست. آن کسانی که اهل مجاهدت در راه خدایند یکی از خصوصیات مجاهدت و معنای جهاد اینست که دشمن در مقابل انسان باشد.»*

با این تعبیر معظم له در عرصه فرهنگی دشمن در مقابل ماست. پس باید با مدیریت و روحیه جهادی فعالیت هیات را که شاکله‌ای کاملاً فرهنگی دارد سمت و سو داد و به پیش برد. «طبیعت کار هیات اینست که مردم با عشق و شور و اشک بیانند طرف مجلس امام حسین (ع) اینست که اثر می‌کند، اینست که از درونش این انقلاب می‌جوشد، یا لاقلاً مزرعه خوبی برای رشد فضائل انقلابی و معارف انقلابی می‌شود.»*

«این می‌تواند یک چشمه‌ی خورشید و چشمه‌ی نوری باشد برای اشعاع در مغزها و در فکرها و در دل‌های مخاطبین که بتواند اینها را از لحاظ معارف انسانی و دینی بالا ببرد.»*

«هیچ رسانه‌ای واقعاً قادر نیست اینجور معارف الهی را با جسم و جان و فکر و روح و احساس و عقل و مانند اینها آمیخته کند، لذا کار مهمی است، کار بزرگی است و امیدواریم که ان شاء الله خدای متعال بهتان توفیق بدهد و شما را ماجور بدارد که بتواند به بهترین وجهی ان شاء الله این کار را پیش ببرد.»*

با این حساب تکلیف سنگین است، سال ۹۳ هیات‌های مذهبی باید با روحیه جهادی فعالیت‌های خود را سازمان دهند و در این بین نقش شاعران آئینی از ویژگی و اهمیت خاصی برخوردار است. شعر خوب با مضامین انقلابی و جهادی میتواند به نهادینه شدن فرهنگ اسلامی و انقلابی کمک قابل توجهی نماید. همچنین در منابر هیات با تشویق و ترغیب مخاطبین و جامعه در جهت کمک به تحقق شعار سال در حوزه اقتصاد و فرهنگ اقدام نمود.

امروز خرید کالای ایرانی، مصرف درست، عدم اسراف، پرهیز از تجمل‌گرایی و اصلاح الگو مصرف یک ضرورت است یکی از رسالت‌های نهادینه کردن آن در جامعه از وظایف هیات‌ها می‌تواند باشد.

تلاش هیات‌ها در حوزه فرهنگ عمدتاً می‌بایست بر حفظ، ترویج و ارتقاء سطح دینی و مذهبی مردم تمرکز داشته باشد زیرا جامعه‌ای که دین و باورهای انقلابی و مذهبی در آن نهادینه شده باشد آسیب پذیر نخواهد بود و در جهت آرمانهای الهی لحظه‌ای از پای نخواهد نشست.

والعاقبة للمتقين

*بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای شورای مرکزی هیات رزمندگان اسلام (۹۲/۸/۲۰)



سرمقاله

بازتاب‌های منطقه‌ای پیروزی در سوریه



■ سعداله زارعی | وحشت ملموس از قوت گرفتن احتمال پیروزی

نهایی بشار اسد در بحران سه سال اخیر سوریه در طیفی از کشورهای و دولت‌ها به چشم می‌خورد. عملیات سال گذشته در مناطق القصیر تا القلمون که به شکست کامل تروریست‌ها و جبهه‌ی حامی آنان انجامید، این پیام را منعکس کرده که تا پیروزی نهایی بشار اسد زمان زیادی باقی نمانده است. روزهای پایانی فروردین ۹۳ در حالی سپری شد که خبرگزاری‌ها نوشتند: «آخرین روستای القمون در استان ریف به تصرف ارتش سوریه درآمد. پیروزی اسد در این صحنه پیامدهای سنگینی برای جریان متحد مخالف بشار اسد پدید می‌آورد، چرا که همه می‌دانند که از یک سو دولت سوریه از قدرت فوق‌العاده‌ای برخوردار نبوده و از سوی دیگر آمریکا، اروپا، بسیاری از رژیم‌های عربی، دولت ترکیه و رژیم صهیونیستی همه توان خود را برای خارج کردن سوریه از جبهه مقاومت پای کار آوردند و در این راه از توسل به هیچ اقدامی خلاف حقوق و عرف بین‌الملل هم چشم‌پوشیدند. آمریکایی‌ها کنوانسیون‌های حقوقی مانع از ارسال سلاح‌های نیمه سنگینی به مخالفان یک دولت را زیر پا گذاشتند. آمریکا ممنوعیت مصادره اموال یک دولت تا پیش از صدور رأی دادگاه بین‌المللی را در لاهه نادیده گرفتند و در واقع به سخیف‌ترین اقدامات شامل ارسال تجهیزات ممنوعه شیمیایی و تشویق تروریست‌ها به استفاده از آن روی آوردند تا دولت دمشق را برکنار کنند. این موضوع یک افتضاح تاریخی و بی‌سابقه به حساب می‌آید. شکست در یک چنین معامله‌ای ناقوس مرگ ابر قدرتی آمریکا را به صدا در می‌آورد. آمریکایی‌ها یک بار در تابستان سال گذشته تلاش

اوغلو وزیر خارجه ترکیه به هیچ هدفی دست نیافت اما این موضوعی نبود که پیش‌بینی آن سخت باشد. در همان موقع همه پیش‌بینی‌ها از عدم امکان موفقیت اجلاس ژنو ۲ حکایت می‌کردند.

در کنار این مسئله یک مجموعه خبرهایی منتشر شدند که بر این تحلیل نقطه پایان گذاشت. یک خبر که رسانه‌های اروپایی از جمله هفته‌نامه انگلیسی ایندپندنت آن را منعکس کردند بیان گر آن بود که دولت‌های آمریکا، انگلیس، ترکیه و یک کشور عربی سلاح شیمیایی را از اروپا به ترکیه و از این کشور به شمال سوریه رسانده و به گروه تروریستی «النصره» اجازه داده‌اند که از این تجهیزات که مشتمل بر گاز «سارین» بود، علیه نیروهای دولت سوریه استفاده نمایند.

پس از آن جبهه النصره از این سلاح در یکی از روستاهای منطقه غربی حلب استفاده کرد که متعاقب آن دستکم دو نفر از مردم کشته شده و حدود ۱۰۰ نفر نیز زخمی و مسموم شده‌اند. استفاده از این تجهیزات و نقش آفرینی دولت‌های غربی یک مقوله است و افشای این خبر توسط چندین رسانه غربی که حامی تروریست‌ها بودند، یک مسئله مهم دیگر است. یک خبر دیگر این بود که آمریکایی‌ها به رژیم صهیونیستی فشار آورده‌اند که به سوریه و مناطق متعلق به حزب الله حمله نمایند.

در این بین اگر چه این رژیم از توسل به جنگ گسترده علیه سوریه یا حزب الله خودداری کرده ولی در این فاصله دست کم دو بار به منطقه‌ای در بعلبک که به حزب الله تعلق داشته، حمله نظامی هوایی کرده است. یک خبر مکمل دیگر نیز بیانگر آن بود که عربستان سعودی یک ابتکار نظامی علیه

کردند تا پس از متهم کردن دولت سوریه به استفاده از سلاح شیمیایی به این کشور حمله کنند. همه شواهد و قرائن هم از قطعی بودن حمله خیر می‌دادند اما در نهایت و در دقایق آخر مهلت تعیین شده، از اقدام به حمله نظامی منصرف گردیدند. یک بار دیگر آمریکا در آستانه نشست ژنو ۲ در هفته اول بهمن ماه گذشته اعلام کردند که زمان راه حل غیر سیاسی فرارسیده است! بسیاری از تحلیلگران با اشاره به اینکه آمریکایی‌ها همه توان خود را مصروف به نتیجه رساندن نشست ژنو ۲ سوریه کرده بودند، معتقد بودند سخنان وزیر خارجه آمریکا برای آن است که دولت سوریه را وادار به پذیرش مشارکت مخالفان در قدرت نماید. در آن زمان گفته می‌شد تهدید جان کری علیه دمشق برای جبران شکست میدانی تروریست‌ها صورت گرفته است.

اجلاس ژنو ۲ به شکست انجامید و بقول داوود



پیروزی در سوریه، موقعیت دولت‌های وابسته به آمریکا در منطقه را به طور جدی متزلزل می‌گرداند.
همین حالا شرایط در کشورهای منطقه علیه دولت‌های عربستان و ترکیه جریان دارد. نفرت ناشی از اقدامات سبوعانه این کشورها علیه یک کشور اسلام‌دوستانه و عربی مسلمانان جدا احساس به فضای اقدامات متقابل می‌شود



خوشا به حال آنان که پروازشان اسیر هیچ قفسی نشد، و هیچ بالی اسیر پروازشان نساخت... خوشا به حال آنان که از رهایی رهیدند و بال و بال جانشان نشد. خوشا به حال آنان که... خوشا به حال ما، اگر شهید شویم.



بکارگیری همه توان ها و ظرفیت ها به نتیجه ای در سوریه دست پیدا کند، جرأت ملت ها برای خشکاندن ریشه های نامشروع غرب در منطقه فزونی می گیرد و لذا بسیاری از تحلیل گران معتقدند پیروزی جبهه مقاومت در جنگ علیه تروریسم مورد حمایت غرب موج جدیدی از انقلابات عربی را در منطقه پدید می آورد. چنین رخدادی اقدامات انحرافی سه سال اخیر غرب که با مشارکت برخی دولت های منطقه پدید آمده است را به بن بست می کشاند با این وصف هیچ بعید نیست حتی در کشور هایی که در موج اول شاهد تغییراتی بوده اند، تغییرات جدیدی که این بار مناسبات خارجی این دولت ها را متحول گرداند، پدید آید. در موج جدید طبعاً سرنوشت انقلابات بحرین و یمن که در میانه راه رها شده اند را نیز تا حد زیادی مشخص می نماید. شکست این جبهه در سوریه سبب می شود تا هویت های انقلابی اصیل موضوعیت جدیدی پیدا کنند. پیروزی جبهه مقاومت در این صحنه به معنای اعلام رسمی شکست بدیل های خشن و سکولاری نظیر آنچه توسط وهابی های عربستان و حزب عدالت و توسعه ترکیه نیز خواهد بود، کما اینکه اشکالات جریانات نه چندان خاصی نظیر اخوان المسلمین را به تصویر می کشد. به این زمان چند ماه دیگر بیشتر باقی نمانده است.

بخش عمده ای از این نیروها را از میان بردارد و صورت مسئله بفرنج امنیتی خود را پاک گرداند. پیروزی در سوریه، موقعیت دولت های وابسته به آمریکا در منطقه را بطور جدی متزلزل می گرداند. همین حالا شرایط در کشورهای منطقه علیه دولت های عربستان و ترکیه جریان دارد. نفرت ناشی از اقدامات سبوعانه این کشورها علیه یک کشور اسلامی و عربی مسلماً از حد احساس به فضای اقدام منتقل می شود. از سوی دیگر پیروزی جبهه مقاومت در این ماجرا به این جبهه تهاجمی موقعیت تازه ای می بخشد. وقتی مشخص شود که غرب نتوانسته علیرغم

سوریه را در دستور کار قرار داده است. یک مقام امنیتی عربستان (متعب بن عبدالله عبدالعزيز) اعلام کرد که کشورهای شورای همکاری خلیج فارس تأسیس و تجهیز یک ارتش ۱۰۰ هزار نفری برای ایفای نقش موثر در کشورهای عربی را در دستور قرار داده اند.

متعب گفت که نیمی از نیروها و سه چهارم هزینه های این ارتش را عربستان تقبل کرده و مکانهایی را برای آموزش و استقرار این ارتش ۱۰۰ هزار نفری را در نظر گرفته است. تشکیل چنین نیرویی البته با واقعیت تطبیق نمی کند ولی طرح این موضوع حائز اهمیت می باشد. نگرانی از پیروزی نهایی سوریه و حزب الله در جنگ بزرگی که جنگجویان زیادی از ۷۴ کشور در آن علیه سوریه جنگیده اند وحشت زیادی را در میان دولت های آمریکا، انگلیس، فرانسه، عربستان، ترکیه و... پدید آورده است.

**نگرانان از پیروزی نهایی سوریه
و حزب الله در جنگ بزرگه که
جنگجویان زیادی از ۷۴ کشور
در آن علیه سوریه جنگیده اند
وحشت زیادی را در میان دولت
های آمریکا، انگلیس، فرانسه،
عربستان، ترکیه و... پدید آورده
است**

پادشاه عربستان سعودی چند ماه پیش در پاسخ به سؤال وزیر خارجه آمریکا که از آسیب پذیر شدن عربستان پس از شکست تروریست ها در سوریه پرسیده بود گفت نباید نیروهای اعزام شده زنده باز گردند و مانعی گذاریم آنان زنده بمانند. جدای از اینکه تشدید درگیری ها بین داعش و جبهه النصره می تواند در این راستا تحلیل شود اما در عین حال می توانیم بگوئیم عربستان قادر نیست





ماهنامه فرهنگی-مذهبی
 هیأت رزمندگان اسلام
 سال دهم، شماره ۹۹،
 رجب ۱۴۳۴
 اردیبهشت ۹۳
 قیمت: ۳۰,۰۰۰ ریال

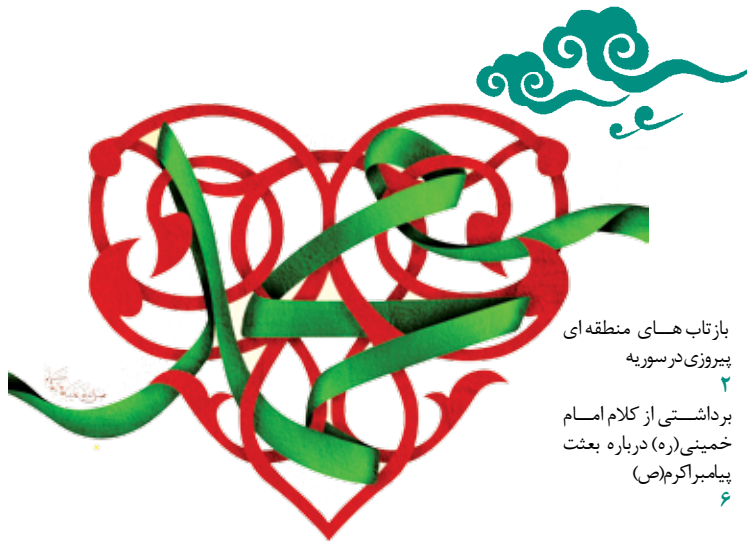
صاحب امتیاز:
 هیأت رزمندگان اسلام
 رئیس شورای سیاست گذاری:
 حجت الاسلام والمسلمین
 اسماعیل سعادت نژاد
 مدیر مسئول:
 محمد صادق آهنگران
 سردبیر:
 محمد قهرمانی
 مدیر اجرایی:
 احسان اکبری
 صفحه آرا و گرافیکست:
 احسان حسینی

همکاران این شماره:
 حجت الاسلام علی مهدیان
 حجت الاسلام علی سرلک
 علی قاسمی، مسعوده فرامانی
 جمشید قنبرپور

بایسپاس فراوان از:
 دکتر سعیداله زارعی
 حمید مقدم فر

نشانی:
 تهران، میدان فاطمی، نبش خیابان
 فلسطین و زرتشت، جنب بانک صادرات،
 پلاک ۵۵۴، واحد ۵
 تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۶۰۳۳۰
 نمابر: ۰۲۱-۸۹۷۸۰۳۱۳
 سامانه پیام کوتاه: ۰۹۵۱۶۲۰۰۰
 صندوق پستی: ۱۱۱-۱۵۷۱۵

نشانی الکترونیکی:
heyat@e-heyat.com
www.e-heyat.com



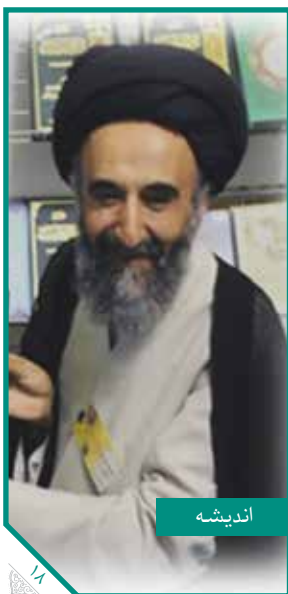
حکومت جهانی نقطه شروع الی
 بی‌پهلیت
 ۲۲

مهارت های دعا خوانی
 ۲۶

از یادگان جمشیدیه تا تسویه گروهکها
 ۲۸

بازتاب های منطقه ای
 پیروزی در سوریه
 ۲

برداشتی از کلام امام
 خمینی (ره) درباره بعثت
 پیامبر اکرم (ص)
 ۶



اندیشه



گفت و گو



اندیشه

ابحاه گری فرهنگی
 و وظیفه‌ی نیروهای انقلاب اسلامی
 ۱۶

کمالات و کرامات امام هادی (ع)
 ۱۸



شمشیر دشمن را تیز نکنید
 ۸

انسانم آرزوست
 ۱۲

تشریح برنامه‌های هیأت رزمندگان
 اسلام در سال ۹۳
 ۱۴



فراخوان شعر

تشکیل یک هیات با سه عنصر اصلی منبر، شعر و مداحی میسر است که شعر خوب، قوی و خوش مضمون شاید عنصر اصلی برپایی هیات است و ترکیب و تاثیر آن با صدای خوش به تعبیر مقام معظم رهبری (مدظله العالی) از چندین جلسه سخنرانی بیشتر است. متاسفانه اشعار چاپ شده در نشریه فاقد شاخص هایی است که در یک هیات انقلابی با سابقه رزمندگی فعالیت می نماید. تلاش ها جهت درج اشعار متناسب با سمت و سوی هیات رزمندگان اسلام تاکنون کم نتیجه بوده است. لذا از کلیه خوانندگان و شاعران آئینی دعوت بعمل می آید متناسب با مناسبت های ملی و مذهبی اشعار خود را که با استفاده از مضامین انقلابی و دینی و با توجه به شرایط روز مسائل کشور، دنیای اسلام و بین الملل سروده اند جهت چاپ در نشریه ارسال فرمایند.

چگونگی مطالبه گری
مردم از اقتصاد مقاومتی
۳۴

مداحان گل های گلستان
سیلشهنلیند
۳۶



آینده مملکت را زنان تعیین
می کنند
۶۱

مداحان سعی وافر در ادای
تکلیف دارند
۶۲

مداحی ها از سبک تاثیر گذار دوران
دفاع مقدس خارج شده است
۵۸

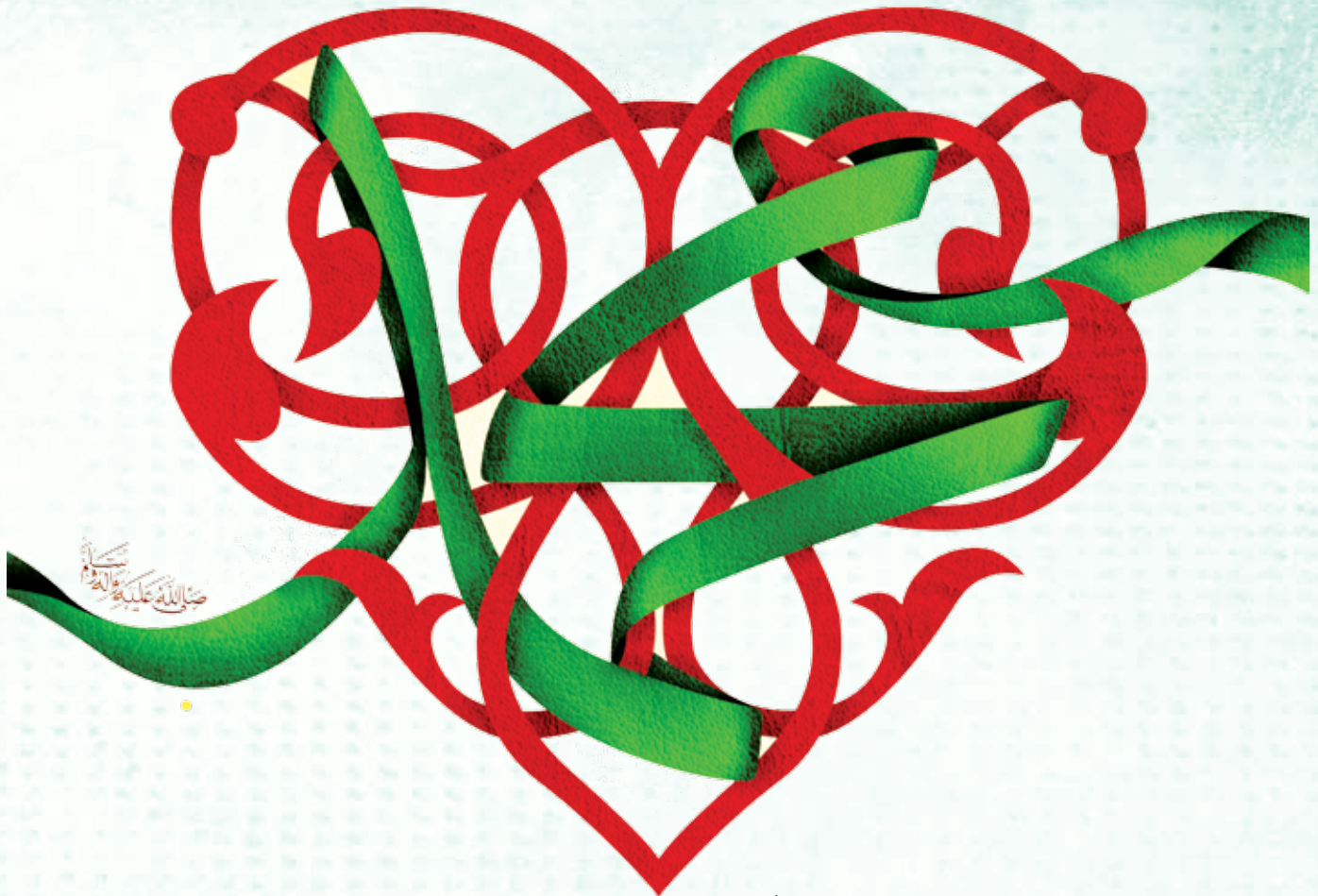
واعظ همواره در پیشبرد برنامه های
فرهنگی هیأت نقش اساسی و تعیین
کننده دارد
۶۰



درکشاکش کوچه های مدینه
۴۰

زینب (س) وصی الامام
۴۴

واقعه جنگ خندق
۴۶



برداشتی از کلام امام خمینی (ره) درباره بعثت پیامبر اکرم (ص)

بعثت پیامبر اکرم (ص) بی گمان نقطه عطفی نه در محدوده شبه جزیره عربستان و برای مسلمانان که در تاریخ بشریت محسوب می شود که خط سیر کمال و تعالی انسان را روشن نمود. آغاز رسالت پیامبر خاتم و نزول قرآن کریم به معنای تبیین تمام اهداف پیامبران و کتاب های آسمانی، و اجرای آن اهداف به طور کامل بود که این امر بر دوش کاملترین انسان ها یعنی پیامبر اسلام نهاده شده بود. لذا بعثت تنها طبیعه تشعشع اسلام نبود بلکه سر آغاز تبلور شخصیت عظیم پیامبر نیز بود. بعثت یعنی تثبیت توحید ناب در تمام ابعادش، تثبیت وحی الهی و نبوت. بعثت یعنی برقراری عدالت فردی و اجتماعی، و پیکار با هرگونه ظلم، تبعیض و بهره کشی های ظالمانه. بعثت یعنی برافراشتن پرچم حق در همه نقاط جهان، و واژگون سازی پرچم های باطل. بعثت یعنی همان عروة الوثقی نجات و پیروزی که به تعبیر قرآن در دو چیز خلاصه می شود: تکفیر طاغوت و ایمان به خدای بزرگ. این حادثه عظیم جایگاه برجسته ای در بیانات امام راحل داشته و ایشان ضمن تبیین این رویداد مهم توجه به غایت و اهداف آن را برای همگان بسیار مهم می دانستند. «و امروز سالروز این بعثت بزرگ است و این نعمت عظیم الهی است، توجه کنید که بعثت برای چه بوده، انگیزه بعثت چه بوده است و اگر کسی تخلف کند از انگیزه بعثت چه خواهد شد. انگیزه بعثت تزکیه نفوس بوده است و تزکیه نفوس به این است که خودخواهیها برود از بین، خودبینیها برود از بین، ریاست طلبیها برود از بین، دنیا طلبیها برود از بین، و به جای همه، خدای تبارک و تعالی و هوای برای خدا بنشینند. انگیزه بعثت این است که حکومت خدا در دل های بشر حکومت کند تا اینکه در جامعه های بشر هم حکومت کند. تا تزکیه در رده های بالا حاصل نشود و تصفیه در رده های بالا حاصل نشود، این مملکت و همه ممالکی که هستند اصلاح نخواهند شد.» (صحیفه امام، جلد ۱۴، ص ۳۹۳)

ماهیت بعثت

حضرت امام یکی از نکات برجسته در حادثه عظیم بعثت را شخصیت بی نظیر رسول اکرم می دانند: «صلوات و سلام خداوند بر رسول خدا پیامبر عظیم الشان که یک تنه قیام فرمود در مقابل بت

بازبانهای الکن ما از آن ذکری کرد؛ و به قدری ابعاد آن زیاد است و جهات معنوی و مادی او زیاد است که گمان ندارم بتوان حول و بر او هم صحبت کرد.» (همان، جلد ۱۷، ص ۴۳۰)

امام خمینی بعثت را فراتر از یک اتفاق صرف تاریخی دانسته و بیان می دارند: «مسئله مبعث و ماهیت آن و برکات آن چیزی نیست که بتوان



شهدا خیلی دلم گرفته دلم از آسمان زمینان گرفته یکشب از آسمان صدایم کنید.

پرستان و مستکبرین، و پرچم توحید را به نفع مستضعفین به اهتزاز در آورد، و از قلت عده و عدد نهرا سید، و با عده قلیل بدون ساز و برگ جنگی کافی و با نیروی ایمان و قوت تصمیم بر سرکشان و ستمکاران تاخت، و ندای توحید را در کمتر از نیم قرن بر بزرگترین معموره جهان به گوش جهانیان رساند.» (همان، جلد ۱۰، ص ۳۳۸)

اهمیت بعثت

مسئله مهم دیگری که در فرمایشات حضرت امام حول موضوع بعثت وجود دارد توجه به اهمیت و جهات اثر گذاری این رویداد بزرگ است بر این اساس امام بعثت را رویدادی بی نظیر در سراسر تاریخ بشریت دانسته، می فرماید: «روز بعثت رسول اکرم در سرتاسر دهر؛ «مَنْ الْأَزَلُ الی الابد»، روزی شریفتر از آن نیست؛ برای اینکه حادثه‌های بزرگتر از این حادثه اتفاق نیفتاده. حوادث بسیار بزرگ در دنیا اتفاق افتاده است؛ بعثت انبیای بزرگ، انبیای اولوالعزم و بسیاری از حوادث بسیار بزرگ، لکن حادثه‌ای بزرگتر از بعثت رسول اکرم نشده است و تصور هم ندارد که بشود؛ زیرا که، بزرگتر از رسول اکرم در عالم وجود نیست غیر از ذات مقدس حق تعالی و حادثه‌ای بزرگتر از بعثت او هم نیست؛ بعثتی که بعثت «رسول ختمی» است و بزرگترین شخصیت‌های عالم امکان و بزرگترین قوانین الهی. و این حادثه در یک همچو روزی اتفاق افتاده است و این روز را بزرگ کرده است و شریف. و همچو روزی ما دیگر در ازل و ابد نداریم و نخواهیم داشت.» (همان، جلد ۱۲، ۴۱۹)

«و روز بعثت روزی است که خدای تبارک و تعالی، موجود کاملی که از او کاملتر نیست و نمی شود باشد مأمور کرد که تکمیل کند موجودات را، انسانها را که ابتدائاً یک موجود ضعیف ناقص هست، لکن قابل این است که ترقی کند، انسان را مرقی کند. ابعاد انسان، ابعاد همه عالم است و اسلام برای تربیت انسان در همه ابعاد است. برداشتهای مختلفی که از اسلام شده است به حسب نظرهای مختلفی که صاحب نظرها داشتند و بینشی که داشتند، بسیار اختلاف هست و هیچ کدامش نرسیده است به حدی که اسلام را بشناسد یا انسان را بشناسد یا رسول اکرم را بشناسد یا عالم را

بشناسد، همه‌شان در یک سطح محدود هستند. چه بسا اشخاصی که خیال می کنند که پیغمبر اکرم که آمده است، یا سایر انبیایی که خدای تبارک و تعالی فرستاده است، برای این است که مردم را از این ظلمها و بی عدالتیها و امثال این نجات بدهد و مأموریت همین است که عدالت ایجاد کند در اجتماع و در افراد و مأموریت به همین قدر بیشتر نیست. چه بسا اشخاصی که اقتصاد را یک مسئله با اهمیتی تلقی می کنند، مأموریت انبیا را محدود به این بکنند، که اینها آمده‌اند مردم را به یک شکم سیر و یک زندگی رفاه برسانند و همین است مأموریت انبیا. و چه بسا اشخاصی که به حسب دید عرفانی که دارند، بعثت انبیا را محدود می کنند به اینکه برای بسط معارف الهی

است و غیر از این بعثت چیزی نیست. و همین طور فلاسفه یک طور فکر می کنند. فقهای اسلام، ... ملتها یک طور فکر می کنند، روشنفکرها یک طور فکر می کنند و مؤمنین هم هر کدام به یک نحو فکری دارند و همه قاصرند از رسیدن به

آنچه که هست. این روایتی که وارد شده است: **مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ** «۱»، این به ما می فهماند که انسان آن طور موجودی است که اگر شناخته بشود، شناسایی خدا با این است؛ نسبت به هیچ موجودی این مطلب صادق نیست. رب انسان را کسی نمی تواند بشناسد الا اینکه خودش را بشناسد و خودشناسایی که دنبالش خداشناسی است حاصل نمی شود مگر برای کُل اولیای خدا. و گمان نباید بشود که اسلام آمده است برای اینکه، این دنیا را اداره بکنند، یا آمده است فقط برای اینکه مردم را متوجه به آخرت بکنند، یا آمده است که مردم را آشنای به معارف الهیه بکنند. محدود کردن، هر چه باشد خلاف واقعیت است. انسان غیر محدود است و مربی انسان غیر محدود است و نسخه تربیت انسان که قرآن است غیر محدود است؛ نه محدود به عالم طبیعت و ماده است، نه محدود به عالم غیب است، نشه محدود به عالم مجرد است، همه چیز است.» (همان، جلد ۱۲، ۴۲۱ و ۴۲۲)



کوشش انبیا و ائمه بعثت در تمام قرن‌ها؛ تربیت این موجود (انسان) است



هدف از بعثت پیامبر (ص)

اما مسئله اساسی این است که جهات اهمیت این حادثه چیست، امام هدف و غایتی که بعثت پیامبر به وجود آورده و انگیزه ای را که دنبال می کرده است به عنوان موضوعی اساسی برای تفکر مطرح می کنند. «بعثت برای این است که مردم را تزکیه کند. مقدم بر تعلیم حکمت و تعلیم کتاب. تزکیه را ذکر فرموده است که آیات را بر آنها بخواند تا اینکه آنها تزکیه بشوند. و تعلیم بکنند آنها را، کتاب را بر آنها و حکمت را بر آنها عرضه بدارد و تعلیم کند آنها را. در سوره «جمعه» سر بعثت رسول اکرم را ذکر می فرماید، که سر بعثت رسول اکرم تزکیه امت است و تعلیم و تربیت امت. آن هم تعلیم تمام قشرهای تعلیم که کتاب و حکمت تمام قشرهای تعلیمات را واجد است.» (همان، جلد ۹، ص ۳۳۵)

امام در جایی دیگر هدف بعثت را با تعبیری دیگر، اینچنین مطرح می کنند: «کوشش انبیا و ائمه بعثت در تمام قرن‌ها؛ تربیت این موجود است.» (همان، جلد ۱۴، ۷)

«پس انگیزه بعثت نزول وحی است و نزول قرآن است و انگیزه تلاوت قرآن بر بشر این است که تزکیه پیدا بکنند و نفوس مصفا بشوند از این ظلماتی که در آنها موجود است، تا اینکه بعد از اینکه مصفا شدند ارواح و اذهان آنها، قابل این بشود که کتاب و حکمت را بفهمند.» (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۲۸۸)

امام خمینی بعثت رسول خدا برای این می دانستند: «که راه رفع ظلم را به مردم بفهماند، راه اینکه مردم بتوانند با قدرت های بزرگ مقابله کنند به مردم بفهماند. بعثت برای این است که اخلاق مردم را، نفوس مردم را، ارواح مردم را و اجسام مردم را، تمام اینها را از ظلمت ها نجات بدهد، ظلمات را بکلی کنار بزند و به جای او نور بنشانند، ظلمت جهل را کنار بزند و به جای او نور علم بیاورد، ظلمت ظلم را به کنار بزند و به جای او عدالت بگذارد، نور عدالت را به جای او بگذارد و راه او را به ما فهمانده است. فهمانده است که تمام مردم، تمام مسلمین برادر هستند و باید با هم وحدت داشته باشند، تفرق نداشته باشند.» (همان، ج ۱۷، ص ۴۳۴ و ۴۳۵)



بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت علیهم السلام
در سالروز ولادت حضرت فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) ۱۳۹۳/۰۲/۰۱

شمشیر دشمن را تیز نکنید

معنا که ما قادر باشیم نسخه‌ی دوم آن رفتارها را از خودمان بروز بدهیم، این نیست؛ اما میتوان دنباله‌رو بود. امیرالمؤمنین فرمود: **أَلَا وَاتَّكُم لَا تَقْدِرُونَ عَلَىٰ ذَلِكِ وَلَكِن أَعْيُونِي بَوْرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَعَقْفَةٍ وَسُدَادٍ؛** (۲) بعد از آنکه شیوه‌ی زندگی خود را - که در آن مقام والا، با آن همه امکانات، با آن چنان زهدی زندگی میکند - بیان کرد، فرمود: شما نمیتوانید مثل من رفتار کنید؛ اما میتوانید به من کمک کنید؛ با چه چیزی؟ «بَوْرَعٍ»، با ورع خودتان، با پرهیز خودتان از گناه، با اجتهاد و کوشش و تلاش خودتان؛ اینها وظیفه‌ی من و شماست. هدفها را برای ما ترسیم کردند، هم هدفهای فردی و شخصی را، هم هدفهای اجتماعی و سیاسی و کلی را. در هدف شخصی،

خیلی مغتنم است. و خدا را شکر، این جلسه‌ی هم به برکت انوار فاطمی (سلام الله الزاکیات علیها) سالهای متمادی است که برقرار است و بهره‌مند میکند ما را، فضای کار ما را، فضای زندگی ما را، بلکه فضای کشور را. (۱)
قطعاً ذهن محدود بشری نمیتواند ابعاد شخصیت‌های آسمانی و افلاکی از قبیل فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) را محاسبه و اندازه‌گیری کند؛ [این] در شعر دوستانی که خواندند بود، عقلمها توان این را ندارند که این ابعاد معنوی را تقویم کنند، تقدیر کنند، اندازه‌گیری کنند؛ لکن میشود از رفتارها الگو گرفت. مقامات معنوی، یک مسئله است؛ رفتارهایی که جلوی چشم ما است، یک مسئله‌ی [دیگر] است. نه به این

عید سعید ولادت سیدهدی طاهره‌ی معصومه (سلام الله علیها) و ولادت رهبر بزرگ و عظیم‌القدر انقلاب بر همه‌ی شما برادران عزیز، بلبلان گوینده و غزل خوان بوستان محبت اهل بیت و ولایت خاندان پیغمبر مبارک باد.
خدا را شکر میکنیم؛ این یکی از نعمتهای بزرگ خدا در حق ما است که منبع الهام برای جامعه‌ی اسلامی و شیعی، با ولادتها، با زندگی‌نامه‌ها، با دوران شهادتها، بی‌درپی و به‌طور متواتر به جامعه‌ی ما الهام میدهد؛ این را خیلی باید قدر دانست. در ولادت امیرالمؤمنین، ولادت پیغمبر، ولادت امام حسن، ولادت امام حسین، ولادت فاطمه‌ی زهرا، یاد این ستارگان فروزان و این علمهای رهنمای انسان، در دلها زنده میشود؛ این



می آرمت از لایه لای جان به دفتر، تا در سرود
من بمانی جاودانه، می جویمت در آسمان در
برگ در آب، می پرستم از قله های بی نشانه

رسیدن به اوج مقام کرامت انسانی هدف والای ما است؛ همه هم وعده داده شده اند که بتوانند این پرواز بلند و بی حد را انجام بدهند؛ توانایی شما جوانها از ماها هم بیشتر است. این اهداف شخصی است.

اهداف بزرگ اجتماعی، ایجاد حیات طیبه‌ی اسلامی و جامعه‌ی اسلامی (است)؛ جامعه‌ای که افراد خود را فرصت بدهد که بتوانند به سوی این هدف حرکت کنند: جامعه‌ی آباد، جامعه‌ی آزاد، جامعه‌ی مستقل، جامعه‌ی دارای اخلاق والا، جامعه‌ی متحد، یکپارچه، جامعه‌ی متقی و پرهیزگار؛ اینها اهداف جامعه‌ی اسلامی است. دنیایی که مقدمه‌ی آخرت است، دنیایی که انسان را ناگزیر به بهشت میرساند، ایجاد یک چنین دنیایی هدف کلان اجتماعی و سیاسی اسلام است؛ اینها را در مقابل ما ترسیم کردند. راه آن چیست؟ چه جور میشود به این هدفها رسید؟ همین طور که فرمود: «اعیتونی» - فرمایش، فرمایش امیرالمؤمنین است - به من کمک کنید؛ یعنی آنچه را که امیرالمؤمنین در زندگی خود و تلاش و جهاد خود، همه را در این راه مصرف کرد، و آن عبارت است از ایجاد چنین دنیایی برای بشریت در طول تاریخ؛ کمک کنید به من که این هدف انجام بگیرد. چه جور «بورع»، با ورع؛ «و اجتهاد»، با کوشش، با تلاش، تبلی ممنوع است، بیکارگی ممنوع است، خسته شدن ممنوع است، مأیوس شدن ممنوع است. این حرکت عظیم وقتی انجام بگیرد، آن وقت شما دل مبارک فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) را شاد میکنید، دل امیرالمؤمنین را شاد میکنند؛ چون آنها برای همین هدف آن همه تلاش کردند، آن همه مجاهدت به خرج دادند.

عزیزان من، جوانان عزیز! امروز این فرصت برای ما ملت ایران فراهم است؛ دیروز فراهم نبود، دیروز سخت بود؛ امروز در دوران جمهوری اسلامی این فرصت برای احاد جامعه هست که حرکت کنند، درست حرکت کنند، درست زندگی کنند، مؤمنانه زندگی کنند، با عفت زندگی کنند؛ نه اینکه راه گناه بسته است، آنه، راه گناه همیشه باز است، اما راه خوب زیستن، مؤمن زیستن، عقیف زیستن هم در زیر سایه‌ی اسلام باز است. البته این جور زندگی کردن لذتهای خود را دارد، سختی‌های خود را هم دارد. کَذَلِکَ جَعَلْنَا لِكُلِّ

نَبِیٍّ عَدُوًّا شَیْطِیْنَ الْاِنْسِ وَ الْجِنِّ یُوحِی بَعْضُهُمْ اِلَی بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا؛ (۳) همیشه در قبال خط پیغمبران، دشمنان بودند؛ دشمنان، چه کسانی هستند؟ شیاطین انس، شیاطین جن. در مقابل این صف بظاهر عریض و طویل شیاطین، صف پولادین و استوار مؤمنان قرار میگیرد. ملت ایران این را تجربه کرد و معلوم شد که میتوان بر دشمن پیروز شد، همچنان که بحمدالله ملت ایران تا امروز پیش رفته. باید تلاش کنیم، درس زندگی صدیقه‌ی طاهره، فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) این است برای ما: تلاش، اجتهاد، کوشش، پاک زندگی کردن؛ همچنان که آن بزرگوار یکپارچه معنویت و نور و صفا بود: الطَّهْرَةُ الطَّاهِرَةُ الرَّضِیَّةُ الرَّضِیَّةُ النَّقِیَّةُ النَّقِیَّةُ [الرَّضِیَّةُ وَ الرَّکِیَّةُ]؛ (۴) پاکی و راستگی و تقوا و نورانیت آن بزرگوار، همان چیزی است که در طول تاریخ تشیع بر معارف ما سایه افکن بوده است.

آنچه من در این جلسه مناسب است عرض بکنم - بیش از مطالب دیگر - مربوط میشود به مسئولیت سنگینی که امروز جامعه‌ی مداحان بر عهده دارد و بر دوش دارد. برادران عزیز! این سنت مداحی شیوه‌ی مداحی و ستایشگری خاندان پیغمبر

- که افتخار بزرگی است - در بین جامعه‌ی ما خوشبختانه رواج پیدا کرده است، ریشه دار شده است، قبلها بود، اما محدود بود؛ امروز این سفره، گسترده شده است؛ این میدان، باز شده است. افراد زیادی - هزاران نفر - امروز در سرتاسر کشور با استفاده از ذوق و هنر و انواع و اقسام شیوه‌های بیانی، در این عرصه مشغول فعالیتند؛ خوب، این میشود یک فرصت. هر فرصتی همراه است با یک مسئولیت؛ وقتی شما نتوانید با کسانی مخاطبه بکنید، مسئولیتتان در یک حد است؛ وقتی توانستید مخاطبه کنید، طبعاً فراتر از حد شخصی و به اندازه‌ی حوزه‌ی توان تخاطب، (۵) مسئولیت گسترش پیدا میکند. شما که میتوانید با مردم حرف بزنید، با هنر شعر و صدا و آهنگ میتوانید با مردم مخاطبه کنید، این مسئولیت آور است. همه‌ی این فرصتها و امکانات، همراه خود

دارای یک مسئولیتی هستند؛ این مسئولیت را باید خوب بتوانید ادا کنید. اگر جامعه‌ی مداح کشور آنچنان که شایسته‌ی این رتبت و این مقام است بتواند مسئولیت خود را ادا کند، تحوّل در سطح کشور اتفاق می افتد.

من مکرر عرض کردم، گاهی یک قطعه‌ی شعر که شما در یک مجلسی میخوانید، آن را خوب ادا میکنید، وقتی یک قطعه‌ی پر مغز خوش مضمون آموزش دهنده و آموزنده‌ای است، گاهی از یک سخنرانی دو ساعته، سه ساعته‌ی ما تأثیر آن بیشتر است؛ گاهی این جور است؛ خوب، این خیلی فرصت خوبی است. اگر این هزاران عنصر ستایش گر و مداح و خواننده‌ی مذهبی که در سراسر کشور، در مجالس، در محافل، با مردم مخاطبه میکنند و میخوانند، حدود و ضوابط این کار بزرگ را درست رعایت بکنند، شما ببینید چه اتفاقی می افتد. دشمنان ما از صدها وسیله، با صدها زبان، با انواع و اقسام کارها، در صدد تخریب اعتقاد، تخریب عمل، تخریب مسیر هستند؛ در نظام جمهوری اسلامی در درجه‌ی اول، و در دنیای اسلام در درجه‌ی بعد. خیلی از احاد مردم میفهمند، می بینند،

میدانند کارهایی را که دشمن دارد میکند، کانال‌های تلویزیونی، شبکه‌های رادیویی، انواع و اقسام شیوه‌های ارتباطی جدید الکترونیکی و غیره؛ یک چیزهایی هم هست که ما بیشتر اطلاع پیدا میکنیم، احاد مردم نمیدانند چه کارهای پیچیده‌ای دارد در کشور ما انجام میگیرد برای انحراف افکار احاد مردم ما، برای تغییر مسیر حرکت این ملت، برای به زانو در آوردن اسلام، برای الگو نشدن جامعه‌ی شیعه و معارف شیعه در دنیای اسلام، [خیلی] کارها دارد میشود.

در مقابل این تلاشی که دشمن میکند، مالمکانات منحصر به فردی داریم. بله، از راه اینترنت هم میشود جواب آنها را داد، از راه‌های مشابه آنها هم میشود مقابله کرد - البته حجم کار آنها بر مراتب بیشتر است - اما ما وسیله‌هایی داریم که این وسیله‌ها منحصر به فرد است؛ یکی از آنها همین



**در جلسات نباید
کینه‌ورزی‌های مذهبی
را زیاد کرد؛ این را چقدر
باید تکرار کرد؟ بارها تکرار
کرده ایم؛ بعضی حاضر
نیستند (گوش کنند)**





را از شما دور خواهد کرد و امید هدایت او را به صفر خواهد رساند. راه این کار این نیست. امروز شما می بینید، دنیای تشیع مورد مهاجمه است؛ کسانی که اسم شیعه و سنی به گوششان نخورده بوده است - ایادی استکبار - حالا در تبلیغات رسمی شان مدام تکیه میکنند که بله، ایران شیعه، گروه شیعه در عراق، گروه شیعه در فلان کشور! مدام روی مسئله شیعه و سنی تکیه میکنند؛ چرا؟ چون این را وسیله خوبی پیدا کرده اند برای ایجاد نقار (۷) بین مسلمانان. خوب، بله، ما افتخارمان به این است که شیعه علوی هستیم، ما افتخارمان به این است که معرفت به مقام ولایت پیدا کرده ایم؛ امام بزرگوار ما پرچم ولایت امیرالمؤمنین را سر دست گرفت، لکن این وسیله ای شد برای اینکه دنیای اسلام - شیعه و غیر شیعه - احساس افتخار کنند به اسلامیت؛ حالا کاری بکنیم که این احساس افتخار، این احساس علاقه مندی دنیای اسلام نسبت به جامعه شیعه و افتخار شیعه، تبدیل بشود به دشمنی و بغض و کینه؟ این همان چیزی است که دشمن میخواهد؛ نباید بگذاریم. این یک نکته ی بسیار مهم است؛ این را مراقب باشید؛ اینها را شما بیش از دیگران باید مراقب باشید. کاری نکنیم که دشمن را در مقصودی که دارد، موفق بکند؛ شمشیر دشمن را تیز بکند. بزرگان ما، علمای ما، مراجع ما، شخصیت های بزرگ دنیای اسلام همیشه ما را توصیه کردند به همین معنا. این یک نکته است؛ نکته ی بسیار اساسی است.

نکته ی دوم: در محیط های مراسم مذهبی، مراقب باشید هیچ کاری که از حدود ضوابط شرع ممکن

داده ایم؛ اگر خدای نکرده جلسات ما، جلسات وحدت شکن باشد، این فرصت را از دست داده ایم؛ اگر کیفیت حرف زدن ما یا مضمون حرف های ما جوری باشد که دشمنان ما را در هدفهایشان موفق بکند، ما این نعمت الهی را - بَدَلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كَفْرًا - (۶) تبدیل کرده ایم به نعمت؛ این را باید مواظب بود، باید مراقب بود. بارها ما گفته ایم، برای آدم های آگاه و مطلع از اوضاع جهان و جهان اسلام هم این مثل روز روشن است که امروز اختلافات مذهبی در میان مسلمانان، یک وسیله و برگه ای است در دست دشمنان ما. یک شمشیر در دست دشمنان ما، همین اختلافات مذهبی است. علنی کردن اختلافات، صریح کردن مخالفت های اعتقادی، به زبان آوردن مطالبی که کینه ها را برمی افروزد، یکی از وسایلی است که دشمن ما از آن بیشترین استفاده را دارد میکند. حالا [اگر] ما جوری عمل بکنیم که این مقصود دشمن برآورده بشود، این «بَدَلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كَفْرًا» است. در جلسات نباید کینه ورزی های مذهبی را زیاد کرد؛ این را چقدر باید تکرار کرد؟ بارها تکرار کرده ایم؛ بعضی حاضر نیستند آگوش کنند. شما اگر بخواهید آن کسی را که موافق مذهب شما نیست و عقیده ی حق شما را قبول ندارد هدایت کنید، چه کار میکنید؟ اول شروع میکنید به مقدسات او بدگویی کردن و دشنام دادن؟ اینکه بگلی او

شما هستید، یکی از آنها همین جامعه ی مذاخند. این مخاطبه ی چهره به چهره و روبه رو و استفاده ی از ابزار هنر برای انتقال مفاهیم به مخاطبین در شکل انبوه آن - یعنی بحث دو نفر و سه نفر و ده نفر مداح نیست؛ هزاران نفر در سطح کشور این کار را میکنند - یکی از وسایل منحصر به فردی است که ما داریم، آنها ندارند. این منبرها یکی از آن وسایل منحصر به فرد است؛ این مجالس روضه خوانی همین جور؛ این هیئات مذهبی همین جور. اگر محتسوا و مضمون منبرهای ما، مذاحی های ما، هیئتهای ما، نوحه خوانی های ما، محتوا و مضمون شایسته ای باشد، هیچ وسیله ای نمیتواند با آنها مواجهه و مقابله بکند، یعنی کاملاً منحصر به فرد است؛ ببینید، فرصت، این است؛ این فرصت را نباید ضایع کرد؛ این امکان را نباید از دست داد.

بدتر از از دست دادن این فرصت، این است که ما آن را در راه بد مصرف کنیم. اگر جلسه ی مذهبی ما و خوانندگی و مذاحی ما یا منبر ما به این نتیجه منتهی بشود از پای منبر، بی اعتقاد به آینده و ناامید از آینده بلند شوند، ما این فرصت را هدر داده ایم و کفران کرده ایم این نعمت را؛ اگر از پای منبر ما یا مذاحی ما مردم در حالی بلند شوند که هیچ گونه آگاهی نسبت به وضع خودشان و وظایف خودشان پیدا نکرده باشند، ما این فرصت را از دست

**امروز اختلافات مذهب
در میان مسلمانان، یک
وسيله و برگه ای است در
دست دشمنان ما. یک
شمشیر در دست دشمنان
ما، همین اختلافات
مذهب است**

شهدا ما جز گناه چیزی دیگری در کوله باریمان نداریم،
شهدا ما شرمند امام‌زمانیم، از قول ما به آقا بگید ما
دوست داریم، به مولایمان بگید جنگی که با شیطان
داریم جنگی سختی است شما ما را کمک کنید.



بود. در گذشته مدّاحها مجبور بودند شعر را حفظ کنند؛ امروز شماها این سنت را هم به هم زده‌اید؛ خودتان را راحت کرده‌اید، کاغذ در می‌آورید؛ خب، شعرهای خوب را میشود نوشت و خواند و این امکان بحمدالله هست. یکی از بزرگ‌ترین نعمتهای خدا این است که امروز در اختیار ما است.

و جامعه‌ی مدّاح، با این توان وسیع، با این امکان بزرگ، به اعتقاد بنده یکی از نعمتهای الهی است برای کشور ما و برای مردم ما؛ و شعری که شعر میگویند و این مدّاحان را آماده میکنند برای اینکه بتوانند این مسئولیت را انجام دهند، حقاً و انصافاً کار بزرگی انجام میدهند. از خدای متعال توفیق همه‌ی شما عزیزان را، مخصوصاً جوانها را - که میدان کاری وسیعی در مقابل دارید - خواهیم و امیدواریم ان شاءالله همه‌ی شما ماجور و منظور نظر حضرت بقیةالله اعظم (ارواحنا فداه) باشید.

والسّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

- ۱) این جلسات از سال ۱۳۶۳ برگزار می‌شود.
- ۲) نهج البلاغه، نامه‌ی ۴۵
- ۳) سوره‌ی انعام، بخشی از آیه‌ی ۱۱۲
- ۴) کامل الزیارات، ص ۳۱۰
- ۵) طرف صحبت قرار دادن
- ۶) سوره‌ی ابراهیم، بخشی از آیه‌ی ۲۸
- ۷) کینه



سعی کنیم آنچه را
به عنوان مضمون و
محتوای شعر خودمان
میگجانیم، هر
کلمه‌ی آن آموزنده
باشد



از امتیازات ما است؛ این را باید پر محتوا کرد، پر مضمون کرد. به این چیزها اگر ان شاءالله توجه بشود، جامعه‌ی مدّاح یکی از اثرگذارترین پیشروان اصلاح در نظام فکری و عملی جامعه‌ی ایران خواهد بود، و این میتواند تحقق پیدا کند، کما اینکه الان هم در هر جایی که انسان مشاهده میکند که مدّاح بامسئولیتی، متعهدی، شعر درست را، شعر خوب را، با شیوه‌ی درست اجرا میکند، واقعاً اثر میگذارد، مخاطبین خودش را بیدار میکند، آگاه میکند؛ و این از آن کارهایی است که هیچ صدقه‌ی جاریه‌ای معلوم نیست به این اندازه بتواند ارزش پیدا کند در پیشبرد جامعه؛ پیش خدای متعال کمتر کاری است که این همه بتواند انسان برای آن ارزش گذاری بکند؛ خیلی کار مهمی است. شما بحمدالله این نعمت را دارید؛ صدای خوش، توانایی اجرای خوب، با آهنگ خوب؛ اگر چنانچه این را همراه کنید با

همین خصوصیات که اشاره شد، به نظر میرسد که یکی از کارهای بزرگ در پیشبرد اهداف نظام اسلامی و جمهوری اسلامی تحقق پیدا خواهد کرد. خوشبختانه امروز، شعر خوب هم کم نداریم؛ شعرای خوب، شاعران دینی و آیینی، شعری که درباره‌ی مسائل گوناگون شعر میگویند و شعرهای خوب میگویند، که امروز هم بحمدالله از بعضی از اینها بهره‌مند شدیم، استفاده کردیم و خیلی خوب

است بیرون برود، رخ ندهد؛ این را مراقبت کنید. محیط مدّاحی و خوانندگی دینی، یک محیط پاک و مطهری است؛ نگذاریم آلودگی‌هایی که متأسفانه در دنیای هنر در بین مردمان بی‌قید و بی‌مبالات رواج پیدا کرده است، به محیط هنر اسلامی و مذهبی در محیطهای مذهبی رسوخ کند و نفوذ کند؛ این را مراقب باشید. محیط، محیط پاکیزه، طیب، طاهر، [همراه با] عفت؛ این جور محیطی باید باشد محیطی که ما در آنجا معارف اسلامی را میخوانیم با زبان شعر بیان کنیم.

سعی کنیم آنچه را به عنوان مضمون و محتوا در شعر خودمان میگجانیم، هر کلمه‌ی آن آموزنده باشد. فرق نمیکنند؛ گاهی مصیبت است، گاهی مدح است؛ همه‌ی اینها میتواند جوری انتخاب بشود که آموزنده باشد. در دوران شور انقلاب و هیجان انقلاب، در محرمی که آخرین محرم دوران طاغوت بود و محرمی بود که بلافاصله بعد از محرم و صفر، پیروزی انقلاب اتفاق افتاد، هیئات مذهبی در شهرهای مختلف، نوحه‌هایی را میخواندند که هر یک از این نوحه‌ها به قدر یک خطابه‌ی بلند و بلیغ، مردم را روشن میکرد و آگاه میکرد و بصیرت میداد. باید همیشه همین جور باشد؛ نوحه‌ها را [پر محتوا کنید]. این کاری که نوحه‌خوان انجام میدهد، کار بسیار جذاب و جالبی است. این سنت نوحه‌خوانی و رفتارهایی که در نوحه‌خوانی انجام میگردد، کارهای بسیار مهمی است؛ اینها استثنائی جامعه‌ی شیعه است، یعنی مخصوص ما است؛ در جاهای دیگر، به این شکل در مراسم مذهبی وجود ندارد؛ این



مقاله‌ای خواندنی به مناسبت عید بزرگ مبعث پیامبر عظیم‌الشأن اسلام
حضرت محمد (ص)

انسانم آرزوست



حجت الاسلام
علی سرلک

بعثت برخاستن مردی از جنس خودمان است^۱ که سکوت و رخوت مرگ آفرین مرداب را بشکند و نوای دل نواز و حیات بخش خدا را به گوش جان برساند^۲ و انسان را به تعبیر آن آسمانشناس خاک نشین^۳ (ابوتراب علیه السلام) از بدترین سرزمین‌ها و بدترین بینش‌ها^۴ به چوپانی خورشید بکشاند و رمه و گله‌اش را ماه و ستارگان و آفتاب قرار دهد^۵. آن نگار بسی قرینه که به غمزه به قیمت به جان خریدن هزاران غیض و غضب و اخم و شتم و اشتلم جاهلان تا به حال، مسئله آموز نه! صد مدرس میلیاردها نفر شده است^۶، یک هدف بیشتر نداشته و ندارد و آن اینکه همه را زنده کند و از گمراهی و بی‌راهی نجات دهد^۷ - تأکید می‌کنم همه را^۸ - و ره‌سپار لقاء خدا کند و سودای عاشقی را در دل و جان همه زنده کند. بعد از آمدن او هیچ کس حق ندارد بگوید: نمی‌شود، نمی‌توان. حالا دیگر راه ملکوت هموار شده است و حیات بشر رو به سمت حقیقت جهت داده شده است. دیگر نه پنجره‌های آسمان که درهای ملکوت گشوده شده است. او برای برداشتن غل و زنجیرها، بندها و اسارت‌ها^۹ از هر نوع و در هر اندازه‌های آن قدر حرص^{۱۰} می‌خورد و خود را به مشقت^{۱۱} می‌افکند تا تمام آن چه مانع و سر راه است را از میان بردارد، بر جانمی ماند و می‌چرخد تا دردها را به درمان برساند^{۱۲} ساکت و ساکن نمی‌ماند بیقرار و پر تلاش است برای این کار تا آن جا که خدا بر جانش می‌ترسد^{۱۳}. آه که چه رنج فراوانی می‌برد! نه برای هیچ، که یک نفر هم در این میان بشنود و راه بیفتد گویا همه زنده شده و جان گرفته‌اند^{۱۴}. او بر انگیخته شد تا حجاب‌های ضخیم خود بینی و خود محوری را بردارد و عمارت دل‌ها را در شهر

ایمان به سمت نور بنا بگذارد و از هر چه ظلم و ظلمت است انسان‌ها را خارج کند^{۱۵}. مبعث رستاخیز انسانیت است و محشر حقیقت‌طلبی و دمیدن در این صور ربانی^{۱۶}، منادی بزرگی را می‌خواهد که جز به خدا دعوت نکند^{۱۷} و جز از او نهراسد^{۱۸} و جز به او امید نداشته باشد^{۱۹} و در این راه چون شکستن و درگیر شدن و اذیت فراوان است^{۲۰} آدمی نرم می‌خواهد^{۲۱} و هم چشمی اشکبار و سجاده‌ای جاری در سحرها^{۲۲} باید دل به یار داد تا سر به کار شود آن هم چنین کاری که هر کجایش قدم می‌گذاری و به هر کس بر می‌خوری می‌بینی که از مرز خودش هم عبور نکرده و درونش بتکده‌ای بر پا کرده که به پرستش خود سرگرم است^{۲۳}.

گاه آن قدر تاریک و ظلمت زده که از نور یاد خدانیز به هم می‌ریزد^{۲۴} و ظلم آشام و ظلمت پناه است این خفاش شوم دل نور گریزش و البته این همه زخم‌های کاری و عفونت‌های عمیق چنین بیمار دلانی^{۲۵} موضوع پرستاری چنان پیامبری شفیق و گرانمایه اند که می‌سوزد و غصه می‌خورد و شکیبایی می‌ورزد و هیچ طلب و مزدی را نیز نمی‌خواهد^{۲۶}. خدایا هزاران سپاس که ما از امت او برگزیده‌ای و هزاران بار منت پذیر چنین نسبت شکوهمند و افتخار آمیزی هستیم^{۲۷}.

اما این همه رادستمایه پرستشی سخت و گاه بی‌پاسخ می‌کنم که اگر این اقیانوس بی‌کرانه آمده است تا مرا از حصار مرداب خودم رها کند و این آسمان سخاوت از جبل‌النور آمده است. تادر شعاع ارادتش حتی برای^{۲۸} لحظه‌ای تصویر آسمان را در جام دلم جشن بگیرم و این مهربانی بی‌ظنیر فخر و

شرف پدر^{۲۹} بودن خویش را ارزانیم نموده پس باید پاسخی به این پرسش داشته باشیم که: شیر را بچه همی ماند به او تو به پیغمبر چه می‌مانی بگو؟! حقیقت تلخی است این که آثار این نسبت و افتخار را نمی‌توان به وضوح در شیوه زندگی و روش گذرانمان، دید و نشان داد و لذت برد. شاید این بلای خانمان سوز غفلت از مقصد و پرداختن به جنبه صرفا مادی و عادی خویش و بنای جدی برای تغییر عالم به مزاج و سلیقه و پسند انسان خود محور و میدان دادن به آثار و لوازم زیستی مبتنی به درک سطحی از ظاهر دنیا^{۳۰} و در یک کلام در زیر آوار روزمرگی‌هایی که از ویران شدن



- حضرت رسول (ص) در روز شنبه ۸- وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ - ۱۰۷ انبیا
- ۹- وَيُضِعُّ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَسْلَالَ التَّيَّ كَانَتْ عَلَيْهِمْ - ۱۵۷ آل عمران
- ۱۰- لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ - ۱۲۸ توبه
- ۱۱- طه مَا أَرْسَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى - طه ۱
- ۱۲- طيب دوار طيبه - نهج البلاغه دستي، خطبه ۱۰۸
- ۱۳- فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِن لَّمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا - ۶ كهف
- ۱۴- وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَاتَمًا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا - ۳۲ مائده
- ۱۵- اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ - ۲۵۷ بقره
- ۱۶- رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ - ۱۹۳ آل عمران
- ۱۷- وَدَاعِبًا إِلَى اللَّهِ بِآذِنِهِ وَسِرَاجًا مُّبِينًا - ۴۶ احزاب
- ۱۸- الَّذِينَ يَلْبِغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا - ۳۹ احزاب
- ۱۹- وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أَنِيبُ - ۸۸ هود
- ۲۰- مَا أَوْذَى نَبِيٌّ مِّثْلَ مَا أَوْذَيْتَ - پیامبر اکرم (ص) بحار، ۳۹ ص ۵۶
- ۲۱- فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَفْتَضُوا مِنْ حَوْلِكَ - ۱۵۹ آل عمران
- ۲۲- فَمِ اللَّيْلِ إِلَّا قَلِيلًا - ۲ مزمل
- ۲۳- وَأَفْرَيْتَ مِنْ اتِّخَذَ اللَّهُ هَوَاهُ - ۲۳ الجاثية
- ۲۴- إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ - ۴۵ زمر
- ۲۵- أَفِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا - ۵۰ نور
- ۲۶- لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا... - ۲۳ شورا
- ۲۷- الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ - ۴۲ الاعراف
- ۲۸- إِنَّكَ لَمَعْلَى حُلِيِّ عَظِيمٍ - ۲۹ قلم
- ۲۹- يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَآبَاؤُا هَذِهِ الْأَمَّةُ - بحار الانوار ج ۳، ص ۵ و ۲۷۵
- ۳۰- يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ - ۷ روم
- ۳۱- مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْفَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ - بقره ۱۷
- ۳۲- كَسَجْرَةَ حَبِيبَتِهِ اجْتَنَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ - ۲۶ ابراهيم
- ۳۳- إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَن لِّيْبٌ - ۷۰ علق
- ۳۴- لَيْنَ آخِرَتِنِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لِأَخْتِنِكَ ذَرِيَّتِي إِلَّا قَلِيلًا - ۶۲ اسراء
- ۳۵- فَبِعِزَّتِكَ لَأُفَوِّتِيَهُمْ أَجْمَعِينَ - ۸۲ صاد
- ۳۶- يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَتِي اللَّهِ - ۷۵ زمر
- ۳۷- لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ - ۱۲۱ احزاب

خود بنیاد او، حجاب پندار و خیال خام بی نیازی ما را ضخیم تر کرده است و این همه بی باکی و سفاکی را به پای همین خطای محاسباتی اش باید گذاشت^{۳۳} و دست آخر اینکه اگر در روزگار ما انسانیت و شرافت زیر چرخ های سنگین و بی رحم ارباب ی مہار گسیخته غفلت از پیام و سخن رسول، به نابودی گریبیده است نباید احیای قلب خویش را به اجرای این و آن به وظیفه و مسئولیتشان منوط کرد و نیز نباید پنداشت کار گزاران دستگاه ظلمت و کارمندان سازمان ابلیس از طرح و نقشه برای گمراه کردنمان^{۳۴} دست برمی دارند، سوگند ابلیس برای بی راهه کشاندنمان جدی^{۳۵} است و اگر نگوئیم جای ناامیدی^{۳۶} ولی حتما جای نگرانی دارد.

تنها می ماند این راه که از سر جان و با تمام توان برای ایجاد و شباهت با او بکوشیم و الگو^{۳۷} بودنش را باور کنیم تا لار زندگی را بی فروغ نگاه او سوت و کور بدانیم و عمارت جان را بی یمن یاد او ویران ببینیم در زندگی شخصی و خانوادگی و کاری خود بکوشیم که با او شباهت پیدا کنیم و باور کنیم تنها آنان که اخلاق را «با همه وسعت مفهومی و گستره مصداقی اش» به عنوان مرام نامه زندگی خود پذیرفته اند به هدف بعثت او جامه عمل پوشانده اند و راه و راهنمایی او را انتخاب کرده اند. که فرمود: انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق اواز دیو و دد ملول است و انسانش آرزوست. همین!

پی نوشت

- ۱- لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ - ۱۲۸ توبه
- ۲- رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا - ۱۹۳ آل عمران
- ۳- فَلَا تَأْكُلْ مِنَ الْمَالِ الْغَنِيِّ عَلَيْهِ فَهَيْسَ - ۳۱ نهج البلاغه
- ۴- بعث محمدًا یا معشر العرب و انتم فی شر دین و شر الدار - خطبه ۲۶ نهج البلاغه
- ۵- کناره اابل و صرنا رعاہ الشمس - بحار الأنوار ج ۷۹ ص ۳۵۱
- ۶- نگار من که به مکتب نرفت و خط ننوشت به غمزه مسئله آموز صد مدرس شد - حافظ
- ۷- الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الشِّرْكِ وَالضَّلَالِ - زیارت

عمارت ایمان به غیب و شکستن ستون های بندگی، گرفتار شدن ما را به چنین روز و روزگاری رسانده اند که از اعماق قلب و با همه تمنای توایم صادقانه بخواهیم که:

اللهم اجعل محبانا محیی محمد و آل محمد و ممانت ممانت محمد و آل محمد. (فرازی از زیارت عاشورا)

دیگر باید برای ما آفتابی شود که غروب حقیقت در دنیای غرب و آویختن چراغ های شارژی برای رقص نور های کاذب^{۳۸} از شاخه های شجره خبیثه و بی ریشه کفر و طغیان^{۳۹}، انسان را از پیامبر رحمت و حکمت و عدالت دور کرده است و عقلی ایزاری و



تشریح برنامه‌های هیأت رزمندگان اسلام در سال ۹۳

مدیر ستاد مرکزی هیأت رزمندگان اسلام مهمترین برنامه‌های سال ۹۳ این هیأت و برگزاری بیستمین همایش سراسری سالانه هیأت رزمندگان اسلام را تشریح کرد.

علی اکبر مداحی مدیر ستاد مرکزی هیأت رزمندگان اسلام روز دوشنبه اول اردیبهشت در نشست خبری پیرامون تشریح مهمترین برنامه‌های سال ۹۳ این هیأت و برگزاری بیستمین همایش سراسری سالانه هیأت رزمندگان اسلام افزود: برنامه‌ریزی‌های ما بر مبنای رهنمودهای مقام معظم رهبری صورت گرفته و برنامه همایش سالانه هیأت رزمندگان اسلام نیز بر محور و موضوعات بیانات و رهنمودهای ایشان برگزار خواهد شد.

وی با اشاره به بخشی از بیانات مقام معظم رهبری که در دیدار با هیئت امنا و مسئولان هیأت رزمندگان اسلام در سال گذشته مطرح کرده بودند گفت: بر اساس فرمایشات ایشان هیئت

رزمندگان اسلام برنامه‌ریزی کرده و تلاش کرده جنبه مردمی خود را حفظ کند و سیاستش این بوده که در جناح‌بندی‌های سیاسی وارد نشود. اما اینکه هیأت سیاسی نباشد درست نیست چرا که به فرموده ایشان هیئتی که سیاسی نباشد هیئت سکولار است و ما نمی‌توانیم به مسائل روز و اتفاقاتی که در اطرافمان می‌افتد بی‌تفاوت باشیم. بنابراین هیأت رزمندگان اسلام بر اساس توصیه مقام معظم رهبری هیأت سکولار نبوده و نیست. مداحی همچنین به دیدار اخیر مداحان و ذاکرین اهل بیت (ع) با مقام معظم رهبری اشاره کرد و گفت: ایشان فرمودند که این منبرها و روضه‌خوانی‌ها از وسایل منحصر به فردی است که ما در اختیار داریم و هیچ رسانه‌ای به اندازه هیأت و مجلس امام حسین (ع) قادر نیست معارف الهی را با جسم، فکر، روح، جان، احساس و عقل انسان آمیخته کند. بنابراین این تنها وسیله‌ای است که ما داریم و دشمن از آن محروم است لذا باید به نحو احسن و بر اساس دستورات مقام معظم رهبری از

این فرصت و وسیله استفاده کنیم. مدیر ستاد مرکزی هیأت رزمندگان اسلام در ادامه به مهمترین برنامه‌های سال جدید این هیأت اشاره کرد و افزود: یکی از مهمترین برنامه‌ها تشکیل هیئت علمی در هیئت رزمندگان با حضور ۷ تن از سخنرانان طراز اول کشور است که تاکنون ۳ جلسه در این باره برگزار شده است و قرار است گفتمان امام و مقام معظم رهبری و دغدغه‌های انقلاب را در زمینه هیأت‌ها تدوین کنند. وی ادامه داد: فعال کردن بخش آموزش هیأت با توجه به محتوای منابر و مداحی‌ها و بالا بردن توان کیفی مدیران، راه‌اندازی کمیته شعر آیینی با توجه به دغدغه‌های رهبری و انقلاب و تهیه مضامین اشعار مناسب برای مداحی‌ها، تکمیل و گسترش مجالسی همچون همایش شیر خوارگان، ۳ ساله‌های حسینی، مراسم روز شهادت حضرت قاسم (ع) و روز تولد حضرت علی اکبر (ع)، برگزاری دعای عرفه و اعتکاف رجبیه و رمضانیه نیز از جمله برنامه‌های هیئت



کاش که من هم ز شهیدان شوم، مثل شهید اسوه
ی ایمان شوم، دزهره بریدم هم جان خود، یک
نفس کوچک جانان شوم

رزمندگان در سال جدید است.

مداحی با بیان اینکه گسترش آموزش مداحان و راه اندازی مجمع الذاکرین در سراسر کشور را از دیگر برنامه های هیأت رزمندگان بر شمرده و گفت: در تهران ۲ هزار مداح خواهر آموزش دیده اند و ۵ مجمع الذاکرین برای آنها راه اندازی شده است که تلاش می کنیم این موضوع در تمامی شعب هیأت رزمندگان در سراسر کشور ایجاد شود. همچنین به دنبال فعال کردن اتاق های فکر در مرکز و سایر استان ها برای جذب مشارکت های فکری هستیم. بیستیمین همایش سراسری هیأت رزمندگان از هفدهم تا نوزدهم اردیبهشت در مشهد برگزار می شود

وی در ادامه با تشریح برنامه های بیستیمین همایش سراسری سالانه هیأت رزمندگان اسلام تصریح کرد: امسال حدود ۸۵۰ هیأت رزمندگان اسلام از سراسر کشور در ۳ تجمع و همایش شرکت می کنند که روزهای هفدهم، هجدهم و نوزدهم اردیبهشت ماه با حضور مدیران و مسئولان هیأت امنای همایش سراسری در مشهد مقدس برگزار می شود. همچنین روزهای سوم تا پنجم اردیبهشت ماه نیز گردهمایی واحد خواهران هیأت رزمندگان اسلام در مجتمع ولایت قم برگزار خواهد شد.

مدیر ستاد مرکزی هیأت رزمندگان اسلام افزود: در آبان ماه سال جاری واحد نوجوانان و جوانان عاشورایی و گردهمایی مسئولان خادمین هیأت رزمندگان اسلام در خوزستان برگزار خواهد شد که در مجموع حدود ۸۵۰ هیأت از سراسر کشور در این همایش ها حضور خواهند داشت.

مداحی همچنین به مهمترین اهداف این همایش اشاره کرد و گفت: تبیین نقش هیأت ها در حفظ و ترویج روحیه انقلابی و جهادی، چگونگی زنده نگه داشتن قیام عاشورا، نقش هیأت ها در تعمیق گفتمان انقلاب و رهبری و نشر اسلام سیاسی، چگونگی ترویج معارف دینی و قرآنی در جامعه توسط هیأت ها، بررسی تحولات جهان اسلام و نقش جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در آن، بررسی توطئه استکبار در تشدید اختلافات مذهبی و تبیین اخلاق هیأت داری از مهمترین اهداف این همایش خواهد بود.

وی خاطر نشان کرد: با توجه به دغدغه های مقام معظم رهبری مبنی بر اینکه نباید این جلسات عزاداری و مداحی وحدت شکن باشد، باید به

این مسئله توجه داشته باشیم چرا که زمینه این اختلافات گاه در هیأت ها موجود است که برخی افراد به بهانه های واهی آن را تشدید می کنند و دشمن نیز از آن سوء استفاده می کند که باید در این جهت تلاش کنیم و در این همایش ها مداحان و مسئولان هیأت ها را توجیه کنیم.

مداحی درباره سخنرانان این همایش در موضوعات و محورهای همایش نیز یادآور شد: شخصیت هایی همچون حجت الاسلام و المسلمین صدیقی، ماندگاری، محمدی سیرت، رحیم پوراذغدی، پناهیان و سردار نجات در طول برگزاری همایش در موضوعات یاد شده سخنرانی خواهند کرد. همچنین چند کمیسیون تخصصی و کارشناسی در حاشیه همایش در نظر گرفته شده است.

مدیر ستاد مرکزی هیأت رزمندگان اسلام همچنین گفت: تجلیل از خدمتگزاران هیأت های نمونه در بین ۸۵۰ هیأت رزمندگان اسلام و تشکیل کمیسیون های با موضوعات آسیب شناسی، وضعیت کنونی هیأت ها و مراقبت از محتوای منابر و مداحی ها، ایجاد ساز و کار مناسب برای جذب کمک های مردمی در هیأت ها، اهمیت قیام عاشورا و نقش هیأت ها در زنده نگه داشتن آن، تعمیق گفتمان

انقلاب اسلامی و نقش هیأت ها در تحقق شعار سال از دیگر برنامه های این همایش است.

وی از برپایی پایگاه های صلواتی و موبک های عزاداری در مسیر پیاده روی عزاداران در روز اربعین امسال خبر داد و گفت: سال گذشته نیز این کار در پیاده روی اربعین در کربلا انجام شد که امسال تلاش می کنیم تعداد این پایگاه ها را افزایش دهیم و در روزهای هفدهم و هجدهم ماه صفر دو دسته بزرگ عزاداری با حضور ایرانی های مقیم کربلا و عراق برگزار کنیم.

مداحی همچنین با تاکید بر اینکه اگر ما بتوانیم مجالس نمونه و شاخص را به خوبی معرفی کنیم مطمئنا مردم به سمت آنها سوق پیدا خواهند کرد و گفت: اگر ماجشن های ۹ ربیع را باشکوه برگزار کنیم هیأت ها به این سمت کشیده می شوند. متأسفانه تعداد محدودی از هیأت ها که در مسیر گفتمان

مقام معظم رهبری و انقلاب نیستند برخی حرکت ها انجام می دهند که اختلافات را تشدید می کند و باید مسئولان و نهادهای مربوط با آنها برخورد کنند چرا که کار آنها خلاف تدبیر مقام معظم رهبری است و ضربه زنده به وحدت اسلامی است.

وی ادامه داد: ما باید کار اثباتی انجام دهیم و روش های خوب و نمونه را جایگزین آن کنیم. البته دستگاه هایی همچون سازمان تبلیغات اسلامی نیز باید با جریانات، هیأت ها و مداحانی که خارج از این خط حرکت می کنند برخورد کند.

در ادامه این نشست زهرا ساکت مسئول واحد خواهران هیأت رزمندگان اسلام با بیان اینکه حدود ۲۵۰ شعبه واحد خواهران هیأت رزمندگان در سراسر کشور فعال است گفت: واحد خواهران هیأت رزمندگان در راستای ترویج فرهنگ اهل بیت (ع) راه اندازی شده و در مناسبت هایی

همچون ولادت و شهادت حضرت زهرا (س)، حضرت زینب (س)، حضرت معصومه (س) و حضرت ام البنین (س) و برگزاری همایش ۳ ساله های حسینی، شیر خوارگان حسینی و مراسم سالروز ازدواج حضرت علی (ع) و حضرت زهرا (س) برنامه اجرا می کند.

وی افزود: برنامه های هفتگی و ماهانه همچون پرسش و پاسخ به سوالات نیز در واحد خواهران هیأت رزمندگان اجرا می شود و اتاق فکر در ستاد مرکزی و استان ها فعال شده است.

ساکت با اشاره به اینکه حدود ۱۰۰ خادم در هر هیأت به صورت افتخاری فعالیت می کنند گفت: تاکنون دو دوره آموزشی برای مسئولان و مدیران هیأت رزمندگان برگزار شده که مباحثی همچون تهدید نسل، ولایت فقیه، مدیریت هیأت داری، زنان عاشورایی، شبهات و خرافات، اخلاق هیأت داری و بحث مهدویت در آنها مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

وی در پایان یادآور شد: دیدار با آیت الله مکارم شیرازی و تجلیل از هفت هیأت برگزیده خواهران و برگزاری مسابقه کتابخوانی از کتاب انسان ۲۵۰ ساله از دیگر برنامه های واحد خواهران هیأت رزمندگان در سال جاری است.



یکه از مهمترین برنامه ها تشکیل هیئت علمه در هیئت رزمندگان با حضور ۲ تن از سخنرانان طراز اول کشور است



طریق ترور، جنگ‌های داخلی با بهانه قومیت‌گرایی، کودتا و از همه مهم‌تر جنگ تحمیلی مواجه شده بودند، براندازی انقلاب اسلامی را از طریق «تهاجم فرهنگی» علیه ارزش‌های انقلاب اسلامی در دستور کار خود قرار دادند حقیقتی که دیده بان هوشیار انقلاب اسلامی به موقع آن را تشخیص و همگان را بدان متوجه کردند:

در حال حاضر، یک جبهه‌بندی عظیم فرهنگی که با سیاست و صنعت و پول و انواع و اقسام پشتوانه‌ها همراه است، مثل سیلی راه افتاده تا با ما بجنگد. جنگ هم جنگ نظامی نیست. بسیج عمومی هم در آن جا هیچ تأثیری ندارد. آثارش هم به گونه‌ای است که تا به خود ببیایم، گرفتار شده‌ایم.

دولت‌ها و رشد اباحه‌گری در عرصه‌ی فرهنگ

مسئله کم‌رنگ شدن ارزش‌ها و بی‌توجهی به آنها و زمینه‌سازی برای گسترش اباحه‌گری در عرصه‌ی فرهنگ‌ها منظر سیاست‌های داخلی نیز قابل بررسی است. به کارگیری تمام عیار سیاست‌های توسعه‌ی غربی در ایران اسلامی پس از دوران دفاع مقدس بدون در نظر گرفتن پیامدهای محتوم آن که تحمیل فرهنگ مصرف‌گرایی و لابی‌گری در زندگی فردی و اجتماعی است، موجب شد تا ارزش‌های دینی و انقلابی در جامعه کم‌رنگ شود. هدف قرار دادن توسعه، توجه به مقوله فرهنگ عمومی، اعتقادات دینی و انقلابی را به مسأله‌های حاشیه‌ای تبدیل کرد که یکی از آثار آن رواج تجمل‌گرایی در جامعه و ظهور اشرافیت در بین مسئولان و کارگزاران نظام در دهه‌ی هفتاد بود که مقام معظم رهبری خطر آن را در همان هنگام گوشزد کردند:

این گرایش به تجمل‌گرایی که مدت‌ها بود در جامعه‌ی ما یواش یواش کم شده بود، یاد اوایل انقلاب مثلاً خانم‌ها به تجملات و زور و زور و زورها اعتنایی نمی‌کردند، متأسفانه باز این چیزها - آن‌طور که شنیده می‌شود - در جامعه‌ی ما دارد رشد می‌کند.

بی‌توجهی به الگوی بومی برای پیشرفت و پناه بردن به الگوهای توسعه غربی لاجرم پیامدهای محتومی دارد که با مرموری بر عملکردهای دولت‌های گذشته می‌توان برخی از این پیامدها و آثار آن را در بخش فرهنگ ملاحظه کرد. در جدول زیر تلاش شده است عملکرد دولت‌ها پس از دوران دفاع مقدس با ذکر مصادیقی تنها به عنوان نمونه و یادآوری ارائه شود.



حمیدرضا مقدم فر

اباحه‌گری فرهنگی و وظیفه‌ی نیروهای انقلاب اسلامی

ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی

بر خلاف آنچه برخی تحلیل‌گران غربی در خصوص ریشه‌ها و زمینه‌های پیدایش انقلاب اسلامی بیان می‌کنند و آن را نتیجه‌ی اجرای توسعه ناهمگون توسط رژیم پهلوی و یا خصوصاً نابرابری‌های اقتصادی سال‌های پایانی رژیم شاه می‌دانند، ریشه‌های انقلاب اسلامی را باید در ماهیت فرهنگی آن جستجو کرد. حاکمیت بخشیدن به اسلام و ارزش‌های دینی در شوون مختلف جامعه از انگیزه‌های اساسی مردم مسلمان ایران در پیروی و همراهی از امام خمینی (ره) و انقلابیون مسلمان و از مهم‌ترین زمینه‌هایی است که باید در در تحلیل ماهیت و چرایی وقوع انقلاب اسلامی به آن توجه کرد. در حقیقت انقلاب اسلامی رجوع به حاکمیت الله در همه‌ی زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بود. سال‌های ابتدایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به ویژه دوران دفاع مقدس

اوج ظهور این خاستگاه فرهنگی بود که مظاهر آن در سبک زندگی، اخلاق، رفتار مردم و رواج خصائصی همچون دیگر خواهی، عزت نفس، روحیه‌ی قناعت، ایثار و جهادگری در صحنه‌ی فرهنگ عمومی به راحتی قابل مشاهده بود.

توسعه و هجوم به ارزش‌ها

پایان دوران دفاع مقدس و آغاز سیاست‌های توسعه در عرصه‌ی فرهنگی اقتصادی جامعه را می‌توان سرآغاز روند سست شدن ارزش‌ها و هجوم به ارزش‌های دینی در ایران پس از انقلاب دانست.

از سویی با هدف قرار گرفتن توسعه‌ی اقتصادی، توجه به فرهنگ که شالوده‌ی اصلی انقلاب اسلامی بود تحت الشعاع قرار گرفت و فرهنگ تبدیل به موضوعی حاشیه‌ای شد. از سوی دیگر دشمنان نیز با ناکامی‌هایی که در براندازی انقلاب اسلامی از



نام دولت سیاست کلی
برخی مصادیق
دولت سازندگی
توسعه اقتصادی
شروع توسعهی کشور و آغاز ظهور نشانه‌های
اباحه‌گری فرهنگی
سخنان رئیس دولت در مورد گفتگوی علمی بین
دختران و پسران دانشجو
دوچرخه‌سواری دختران
بی توجهی به کانون های اصیل و ریشه دار
فرهنگی از جمله مساجد و ایجاد کانون های موازی
مانند فرهنگسراهای شهرداری با رویکردهای
لیبرالی در عرصه فرهنگی
دولت اصلاحات
توسعه سیاسی
گسترش و تکثیر فضای اباحه‌گری فرهنگی در
محافل فرهنگی و فضای عمومی جامعه
سیاست تسامح و تساهل وزارت ارشاد
زیر سؤال بردن و حمله به ارزش های دینی و
انقلابی در عرصه فرهنگ و به ویژه در مطبوعات،
شارلاتانیسم رسانه‌ای
اعطای جوایز فرهنگی به عناصر معاند و معارض با
نظام اسلامی و باز کردن پای آنها به عرصه فرهنگی
کشور
دولت نهم و دهم
عدالت اقتصادی
تمرکز دولت بر اقتصاد و عدم توجه جدی به بخش
فرهنگ
و تضعیف نهادهای فرهنگی
مظلومیت بخش فرهنگ
بی توجهی به دغدغه‌های فرهنگی مقام معظم
رهبری و مراجع معظم تقلید
حاکمیت نگاه جریان انحرافی در عرصه
فرهنگ (زیر سؤال بردن حجاب برتر، حضور زنان
در ورزشگاه‌ها، باستان‌گرایی و ترویج ناسیونالیسم
و ...)

تغییر فاز دشمنی دشمنان امر جنگ سخت به جنگ نرم

در حقیقت دشمنان پس از به نتیجه نرسیدن در
جنگ سخت و راه حل نظامی در مقابل با نظام
اسلامی، تهاجم فرهنگی و جنگ نرم را در دستور
کار خویش قرار دادند. آن‌ها تلاش کردند با تهمی
نمودن انقلاب اسلامی از درونمایه‌های فرهنگ
اسلامی، آنرا از ماهیت حقیقی خویش جدا نموده
و بدین ترتیب اسلام انقلابی را که در قامت رقیبی

تمدن ساز پا به عرصه‌ی حیات اجتماعی و سیاسی
بشر در دوران جدید گذاشته بود مغلوب کنند.
فرهنگ غنی اسلامی که ماهیت اصلی انقلاب
اسلامی را تشکیل می‌داد، با به حاشیه رفتن فرهنگ
و اصل قرار گرفتن توسعه‌ی غربی پس از دوران دفاع
مقدس، عرصه‌ی هجوم اردوگاه استکبار شد. البته
دشمنان در این زمینه از ابزارهای مختلف و گوناگون
بهره جستند. از صنایع فرهنگی همچون سینما،
کارتون، اسباب‌بازی، بازی‌های رایانه‌ای و... گرفته
تا به کارگیری ابزارهای رسانه‌ای شامل ماهواره‌ها،
شبکه‌های مجازی و ...

مصادیق و ابزارهای ترویج اباحه‌گری

مصادیق رواج بی تفاوتی و اباحه‌گری در جامعه
را می‌توان در سه دسته‌ی فرهنگی - اجتماعی،
سیاسی و اقتصادی بررسی کرد که در جدول زیر
به برخی از آنها اشاره شده است.

عرصه برخی مصادیق
فرهنگی - اجتماعی
رواج بی تفاوتی در خصوص
وضعیت حجاب در جامعه و بین
مسئولین
حضور زنان بدون حجب و حیا
در جامعه
تفرددگرایی، میل به زندگی
مجردی و افزایش سن ازدواج
رواج گرایش به اعتیاد و مصرف
روانگردان‌ها
سیاسی

رواج بی تفاوتی در خصوص استکبارستیزی و
مقابله با نظام ظالمانه سلطه
کمرنگ شدن وجهه ظلم‌ستیزی انقلاب اسلامی
و بی تفاوتی در خصوص سرنوشت فلسطین،
نهضت بیداری اسلامی و بی توجهی به عقبه‌های
استراتژیک نظام اسلامی

اقتصادی

از بین رفتن حساسیت جامعه در خصوص حلال و
حرام در کسب درآمد
توجه به منافع شخصی و عدم توجه به منافع عمومی
میل شدید به مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی
همچنین زمینه‌ها و ابزارهای گسترش فرهنگ
اباحه‌گری را می‌توان در عرصه‌های زیر مورد

بررسی قرار داد:
۱. برنامه‌های رادیو و تلویزیون
۲. برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان
۳. شبکه‌های مجازی
۴. نحوه‌ی ارائه‌ی سرویس در مراکز خدماتی
۵. سخنان و عملکرد مسئولان
۶. فیلم، سینما و تئاتر
۷. رفتار هنرمندان، بازیگران، ورزشکاران
۸. نحوه‌ی برگزاری محافل فرهنگی هنری
۹. توجه به اموری از قبیل ورزش و سرگرمی و
اختصاص بخش عمده‌ی زندگی مردم به آن
۱۰. دانشگاه‌ها، علوم انسانی

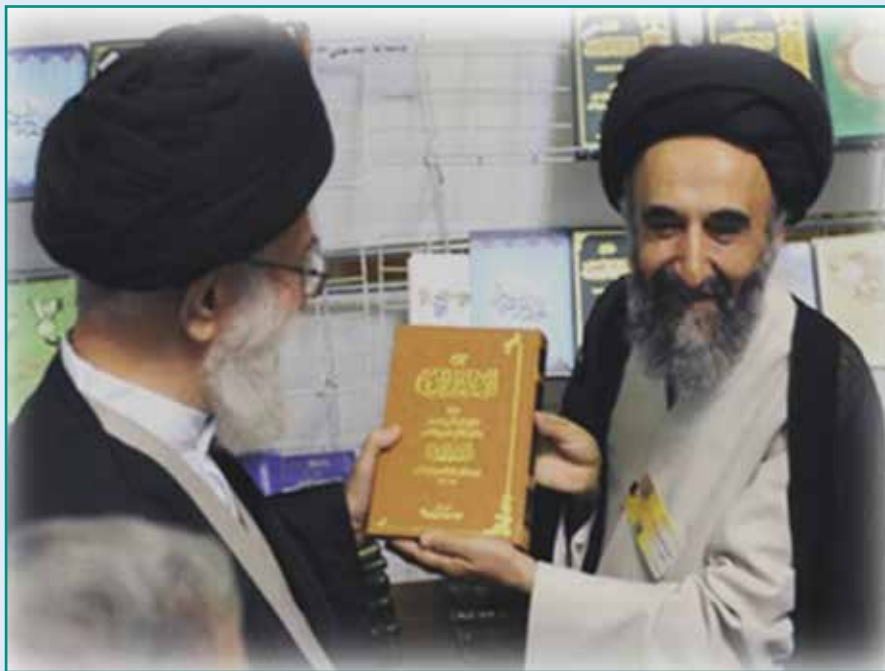
وظیفه‌ی نیروهای معتقد به انقلاب اسلامی
مهم‌ترین راهبرد در مقابل با اباحه‌گری بازگشت
به هویت انقلاب اسلامی و سبک زندگی انقلابی
در مقابل امواج سهمگین توسعه و تبعات آن است
که مردم را به شهروندان مطیع
دهکده‌ی جهانی ذیل قوانین
بین‌المللی تبدیل می‌کند. اما
می‌توان در چند سطح به این
وظیفه پرداخت:

عرصه
اقتصادی
ضرورت‌ها
■ گسترش سبک زندگی دینی،
ترویج قناعت و نجات جامعه از
رقابت در جمع زخارف دنیوی و
سبک زندگی مصرفی و مسرفانه
که راه‌آورد توسعه است.

■ ترویج فعالیت اقتصادی بعنوان جهاد اقتصادی
و با اهتمام به وضعیت عموم جامعه در مقابل نگاه
منفعت‌جویانه‌ی شخصی و گروهی در فعالیت اقتصادی

فرهنگی اجتماعی
■ ترویج الگوهای انقلابی
■ مقابله با روحیه فردگرایی
■ ترویج روحیه امر به معروف و نهی از منکر

سیاسی
■ تقویت روحیه عمل جهادی و مدیریت جهادی
در مسئولان
■ برجسته‌سازی خدمت‌صادقانه و بی‌منت به مردم
■ مبارزه با تجمل‌گرایی و زندگی اشرافی مسئولان
■ تقویت روحیه‌ی انقلابی در نسل جدید



مصاحبه با حضرت حجت الاسلام والمسلمین سید هادی رفیعی پور علوی

کمالات و کرامات امام هادی (ع)

در تقویم درج گردیده است به همین مناسبت گفتگویی از راه دور با ارسال سئوالات و دریافت پاسخ‌های علمی و روشن از جانب ایشان شدیم. با آرزوی سلامتی و توفیق روزافزون برای وی توجه خوانندگان را به این گفتگو جلب می‌نمائیم.

پژوهشگران موسسه به زبانهای فارسی و عربی به چاپ رسانده است که مورد تایید و تقدیر رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی)، مراجع، علما، محققین، اساتید و فضایی حوزه و دانشگاه قرار گرفته است. ولادت (به روایتی) و شهادت امام هادی علیه السلام به ترتیب در دوم و سوم رجب

حضرت حجت الاسلام و المسلمین سید هادی رفیعی پور علوی موسس، مدیر و مسئول تحقیقات موسسه امام هادی علیه السلام در قم می‌باشند. جناب ایشان تألیفات و تحقیقات بسیاری در زمینه فقه، حدیث، ادعیه، زیارت، مهدویت، معارف اسلامی و ... با همکاری

سوم رجب ۲۵۴ می‌باشد و در ماه جمادی الثانیه سنه ۲۵۴ نیز گفته شده، طول عمر مبارک حضرت نزدیک ۴۲ سال می‌باشد و اگر تولد حضرت را سال ۲۱۴ بدانیم مدت عمر حضرت ۴۰ سال می‌شود. هشت سال و چند ماه از سن مبارک حضرت گذشته بود که به مقام امامت رسیدند. بنابر قول محدث قمی و جمعی دیگر متوکل آن حضرت را از مدینه در سال ۲۴۳ به سامره طلبید که اقامت حضرت در سامره حدود ۱۱ سال

روز ۲۷ و شب آخر ذی الحجه هم گفته‌اند، شیخ طوسی رحمه الله تعالی در مصباح المتهجد روز سه شنبه سیزدهم ماه رجب سال ۲۱۴ نقل کرده، دوم و پنجم ماه رجب نیز نقل شده است، اقوال دیگری هم نقل شده، محدث قمی (ره) گوید اشهر ۱۵ ذی الحجه ۲۱۲ قمری می‌باشد. محل تولد حضرت اطراف مدینه محلی به نام صریا می‌باشد.
شهادت حضرت
قول مشهور در شهادت حضرت روز دوشنبه

هیات در ماه مبارک رجب ولادت (به روایتی) و شهادت امام دهم امام هادی علیه السلام را داریم ابتدا از ولادت این امام همام و در ادامه از شهادت ایشان مطلبی بفرمائید.
بسم الله الرحمن الرحيم قول معروف در ولادت با برکت امام هادی علیه السلام پانزدهم ماه ذی الحجه سال ۲۱۲ قمری می‌باشد؛ که بزرگانی چون شیخ کلینی و شیخ مفید و شیخ طوسی رحمهم الله تعالی در کتبشان نقل کرده‌اند در



شهادت به خون و تیروترکش نیست، آن روز
که خدا را با همه چیز و در همه جا دیدیم و نشان
دادیم، شهید شده ایم...

می شود و بنابر قول مسعودی قریب ۱۹ سال.

بیت لطفاً به بعضی از فضائل حضرت اشاره بفرمائید.

به طور فشرده باید گفت کمالات، کرامات، زهد، جود، علم و سایر فضائل اخلاقی آن حضرت در بین همه مردم زمان شایع بود، تاریخ برای هر کدام نمونه‌هایی ثبت کرده است. مقام معنوی حضرت آنچنان همه اهل زمانه را متوجه به حضرت نموده بود که بعضی راجع به حضرت غلو نموده و به حضرت نسبت آله‌هیت دادند، حضرت فوراً آنها را محکوم کرد و مورد نكوهش قرار داد و مردم را از غلو و شرک نجات بخشید.

مسلمانان و غیر مسلمانان ارادت خاص به حضرت داشتند و با توسل به حضرت از خداوند حاجات خود را طلب می نمودند و ایشان را واسطه قرار می دادند.

داستان یوسف بن یعقوب مسیحی معروف است که متوکل او را احضار کرد، او که احساس خوف برای جاننش نمود مقداری پول نذر حضرت هادی علیه السلام کرد، (خلاصه بگویم) وارد سامرا که شد، منزل حضرت را نمی دانست، جرأت نداشت آدرس را از کسی بپرسد، افسار استر را رها کرد شاید به منزل حضرت برود، استر در کوچه‌های شهر گشت ناگهان از منزلی غلامی بیرون آمد و گفت: تو یوسف بن یعقوب هستی؟ گفتک آری. او را به منزل برد و گفت: فلان مقدار که برای حضرت نذر کرده‌ای پرداخت کن، مرد مسیحی تعجب کرد و پرداخت نمود، و گفت ممکن است حضرت اجازه تشریف به من بدهند؟ غلام داخل منزل شد و سپس باز گشت و گفت: می توانید خدمت حضرت برسید،

او به محضر حضرت تشریف یافت، حضرت به او گفتند متوکل به تو آسیبی نمی رساند، و راجع به فرزندش و هدایت او ارشاداتی فرمودند.

خلاصه آنکه حضرت هادی علیه السلام در زمان حیاتشان مورد تکریم و احترام مسلمانان و غیر مسلمانان بودند و حضرت را مستجاب الدعوه می دانستند، در این زمینه داستان‌ها زیاد است به همین مورد بسنده می کنم.

اگر بخواهم در باره زهد و سخاوت و علم حضرت صحبت کنم مصاحبه طولانی می شود. اجمال آنکه زهد حضرت همه اهل زمان خصوصاً

خلفا و حکام را به عجب آورده بود. علم و قدرت استدلال و احتجاجات حضرت همه دانشمندان را متواضع ساخته بود که در کتب تاریخ نقل شده است.

سیوطی در کتاب در المنثور نقل کرده یحی بن اکثم در مجلس واثق بالله خلیفه عباسی سؤالی کرد همه علما نتوانستند جواب دهند، واثق از حضرت سؤال کرد و حضرت جواب دادند.

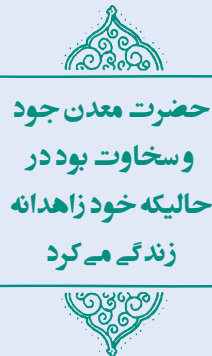
جنیدی که یکی از علمای ناصبی در مدینه بود از برکت ملاقات و استفاده از علوم حضرت قبل از آنکه حضرت به سن هشت سالگی برسند، به مقام اهل بیت علیه السلام علم پیدا کرد و پیرو حضرت و اهل بیت علیه السلام شد.

در مورد احسان و جود حضرت مطالبی شگفت نقل شده که حقیماً باید گفت حضرت معدن جود و سخاوت بود در حالیکه خود زاهدانه زندگی می کرد.

بیت شرایط حاکم بر دوران زندگیشان را برای خوانندگان بفرمائید.

به طوریکه از تاریخ استفاده می شود حضرت از تولد تا شهادت با هفت خلیفه عباسی معاصر بودند. مأمون و معتصم، در زمان زندگی پدر بزرگوارشان، در سال ۲۲۰ که جواد الائمه را معتصم شهید

کرد و مقام امامت شیعیان به حضرت امام هادی علیه السلام منتقل شد. پس از فوت معتصم به ترتیب، واثق، متوکل، منتصر، مستعین و معتز به خلافت رسیدند و خلیفه‌ای که حضرت را شهید نمود معتز بود، تمام این خلفا کاملاً زندگی حضرت را زیر نظر داشتند و شیعیان و دوستان حضرت و علویون در فشار و سختی بودند به جز شش ماه که منتصر بر مسند خلافت بود، ابن اثیر در الکامل فی التاریخ جلد ۶ ص ۱۸۸ می نویسد: منتصر دستور داد که به زیارت قبر حضرت علی و حضرت حسین علیهما السلام بروند، منتصر به علویون امنیت داد - در زمان پدرش متوکل در خوف بسر می بردند - منتصر دستور داد فدک را به اولاد امام حسن و امام حسین و فرزندان علی بن ابی طالب برگردانند.



حضرت معدن جود و سخاوت بود در حالیکه خود زاهدانه زندگی می کرد

می توان گفت در بین حکام عباسی شقی ترین حاکم متوکل بود، نسبت به علویون و دوستان اهل بیت علیه السلام بسیار سخت می گرفت، حکام عباسی اگر احتمال می دادند کسی با امام هادی علیه السلام ارتباط دارد او را شدیداً اذیت و آزار می کردند، تاریخ بیانگر آن است که دوستان حضرت چگونه به زندان افتادند و به قتل رسیدند.

بیت برای شناسایی و معرفی بیشتر امام هادی علیه السلام چه توصیه ای دارید.

یک شناسایی بررسی اجمالی ابعاد شخصیتی امام است مانند القاب اوصاف و مقام امامت و شهادت و...

شناسایی دیگر تفصیلی است که اهمیت زیادی دارد.

توجه به سلطه خاص حکام عباسی و فشارهای

زیاد به امام هادی علیه السلام خصوصاً، علویان و شیعیان عموماً، و نقش حضرت در حفظ کبان شیعه از خطر انحراف در اعتقادات و همچنین حفظ جان شیعیان و از همه مهمتر رهبری شیعیان به امامت حضرت با روش تقیه از طریق و کالت و مکاتبه و شبکه اطلاع رسانی و ایجاد امنیت و تقویت مکتب تشیع در سراسر مملکت بزرگ اسلامی از مصر و شام تا خراسان از ماوراءالنهر تا یمن و حجاز کار مهمی بود که حضرت به خوبی انجام دادند اگر بخواهم این را توضیح دهم باید در چند بخش جداگانه صحبت کنم:

بخش اول: مسائل عقیدتی

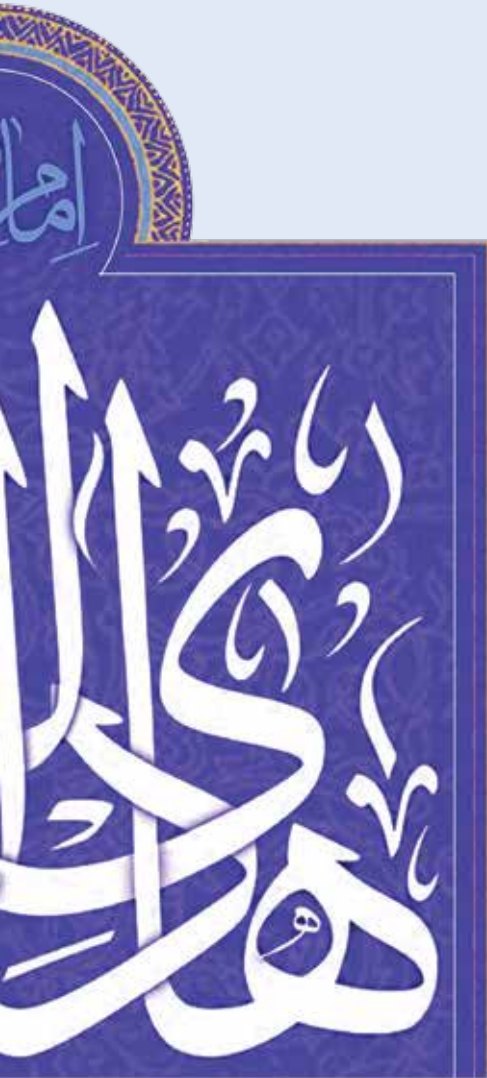
۱-۱- توجه دادن حضرت به مهدویت و بپاشدن دولت عدل با قیام حجة بن الحسن العسکری (عج)

۱-۲- مقابله امام هادی علیه السلام با غلات

۱-۳- شیوه استدلال‌ها و احتجاجات امام هادی علیه السلام

۱-۴- نقش امام هادی علیه السلام در احیای واقعه عاشورا

۱-۵- تعلیم دعا و زیارت با متون قوی و سازنده



فرد و جامعه

بخش دوم: سیره تربیتی

۱-۲- سیره تربیتی امام هادی علیه السلام، فردی، اجتماعی، در عمل و گفتار.

۲-۲- شاگردان تربیت یافته و راویان حدیث از مکتب امام هادی علیه السلام

بخش سوم: سیره سیاسی امام هادی علیه السلام

۱-۳- اقدامات سیاسی و نظامی حکومت عباسی و تدابیر حضرت در مقابل ایشان

۲-۳- توجه به جریانات و مبارزات علوی

۳-۳- شناسایی جریانات مبارزاتی و عقیدتی در زمان حضرت و راهکارهای آن حضرت

۳-۴- حفظ و رشد شیعیان با تقویت روش و کالت و شبکه مخفی اطلاع رسانی.

مؤسسه امام هادی علیه السلام در سال گذشته فراخوان مقالات کوتاه با بیش از سی عنوان داد

و مقالات بسیار خوبی رسید که مقالات ممتاز و شایسته تقدیر

در کتابی جمع آوری شده که در حال ویرایش است و خواندن این

مقالات با عنوان های مختلف خواننده را به حساسیت دوران

امامت آن حضرت آشنا می کند و نقش آن امام را در حفظ شیعه و

معارف اسلامی و طرد بدعت گذاران روشن می کند و خواننده به خوبی حسن رهبری امام را

در همه ابعاد متوجه می شود.

کتابهای دیگری هم پیرامون زندگی حضرت نوشته شده که با مراجعه به سایت مؤسسه

می توان با نام آنها آشنا شد و با خواندن کتابها به شخصیت والای حضرت آگاهی بیشتر بدست آورد.

مطالعه چند کتاب که پیرامون شخصیت حضرت نوشته شده و برای شناسایی و معرفت

به حضرت مفید است از جمله کتاب:

۱- موسوعه الامام الهادی تألیف جمعی از نویسندگان (عربی) زیر نظر آیت الله ابوالقاسم

خزعلی، ناشر مؤسسه ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف-قم

۲- موسوعه سیره اهل البیت علیهم السلام، (الامام الهادی علیه السلام) جلد ۳۳ (عربی)،

تألیف باقر شریف القرشی، ناشر دارالمعروف لبنان.

۳- اعلام الهدایه، جلد ۱۲، زندگی امام هادی علیه السلام (عربی و فارسی)، تألیف جمعی

از نویسندگان، ناشر مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام

۴- منتهی الامام، جلد ۲، (زندگی امام هادی علیه السلام) تألیف حاج شیخ عباس قمی (ره)

۵- الامام الهادی علیه السلام، من المهدی الی اللحد، تألیف سید محمد کاظم قزوینی، مرکز

نشر آثار شیعه

۶- زندگانی حضرت امام هادی علیه السلام، تألیف سید محمد تقی مدرسی،

نشر بقیع

۷- خورشید هدایت پیشوای دهم امام علی بن محمد الهادی

علیه السلام، تألیف حسین ایمانی یامچی

۸- امام هادی علیه السلام، و نهضت علویون، تألیف محمد رسول دریائی، ناشر رسالت قلم

قم

۹- فرهنگ جامع سخنان امام هادی علیه السلام، همراه

با متن کتاب موسوعه کلمات الإمام الهادی، تألیف گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم، ترجمه علی مؤیدی،

نشر معروف

۱۰- تحلیلی از دوران دهمین خورشید امامت امام هادی علیه السلام، تألیف سید محمد

حسینی، علی رفیعی، نشر دفتر تبلیغات اسلامی

هیات چگونه حضرت زمینه ساز برای امامت و غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه بودند؟

روایاتی از حضرت راجع به حضرت مهدی عجل الله تعالی وارد شده که در کتب روایی

ثبت گردیده است. مثل اینکه فرمودند وصی و جانشین بعد از من فرزندم حسن و بعد از او

فرزندش م م م م می باشد.

شخصی از حضرت سوال کرد آیا کسی در هفت سالگی ممکن است به مقام امامت برسد، حضرت فرمودند: بلی بلکه پنج سالگی (حضرت

مهدی عجل الله تعالی در سن پنج سالگی به امامت رسیدند)

ادعیه و صلواتی که از حضرت در زمینه امام زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

رسیده مؤید همین معنا است.

برای اینکه شیعیان با غیبت امام آشنا شوند بعضی افراد که خدمت حضرت می رسیدند،

حضرت از پس پرده جواب آنها را می داد، حضرت را نمی دیدند ولی حجت به آنها رسیده بود.

تعیین و کیل برای رجوع شیعیان و گرفتن احکام دین از و کلای خاص حضرت مثل حضرت

عبدالعظیم حسنی در شهر ری، زمینه را برای و کلای عام حضرت مهدی عجل الله تعالی و فقها

در زمان غیبت ایشان آماده می کرد و یک نوع زمینه سازی برای دوران غیبت حضرت مهدی

عجل الله تعالی فرجه بود.

هیات شأن صدور زیارت جامعه کبیره از سوی امام دهم چه بود؟

هیأت در سال‌های اخیر شاهد اهانت و جسارت توسط دشمنان داخل و خارج از کشور به مقدسات دینی بوده‌ایم، چرا از بین ائمه اطهار (ع) این اهانت‌ها و جسارت‌ها متوجه امام هادی علیه‌السلام بوده است؟

توجه خاص جهانیان به اسلام خصوصاً چند دهه‌ی اخیر، دشمن را سخت نگران کرده از این رو درصدد تضعیف و توهین به رهبران و مقدسات دینی برآمده‌اند، برای این عمل اول از پیشوایانی که شهرت کمتری داشتند شروع نمودند تا آرام آرام آنرا به سایر پیشوایان و ائمه برسانند، در اولین آزمایش (اهانت به امام علی النقی علیه‌السلام توسط یک فرد معلوم الحال و خود فروخته) با عکس العمل شدید مردم مواجه شدند که با بکار افتادن سایت‌ها و بیان فضائل و مناقب این امام بزرگوار در مقالات و مجالس، تیر آنها بر سنگ خورد گرچه تصور می‌شود دشمنان با شیوه جدیدی وارد شوند.

بعضی معتقدند چون امام هادی علیه‌السلام نقش ویژه‌ای در امام شناسی و معرفی شایسته ائمه اطهار علیهم‌السلام و بیان مقام و منزلت و اوصاف ائمه علیهم‌السلام دارند با آموزش دادن زیارت جامعه کبیره و زیارت حضرت علی علیه‌السلام در روز عید غدیر و سایر آثار و روایت وارده از آن حضرت در معرفی امام و امامت، از این رو دشمن خواسته اول به شخصیت ایشان خدشه وارد کند تا به دنبال آن رهنمودها و آموزش‌های آن حضرت خدشه‌دار شود. به هر جهت ائمه ما یک نور هستند در کمال جلال و بزرگی و خورشید با فوت دهن خاموش شدنی نیست باید به محضر امام هادی علیه‌السلام عرض کرد:

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست که تر کنم سر انگشت و صفحه بشمارم

موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم‌السلام) درخواست نمودم و گفتم: یابن رسول الله به من پیاموزید سخن و کلامی بلیغ و کامل که با آن هر یک از شما زیارت کنم، حضرت فرمودند:

«هر زمانی که به آستان امامی رسیدی، در آنجا بایست و شهادتین را در حال غسل و طهارت بر زبان جاری کن، وقتی نگاهت به قبر افتاد، نخست سی مرتبه الله اکبر بگو و چند قدم راه برو، البته با کمال وقار و آرامش بسیار، گام‌های خود را کوتاه بردار و بار دیگر بایست و سی مرتبه تکبیر را بر زبان جاری کن، سپس نزدیک قبر شو و این بار چهل مرتبه تکبیر بگو تا یکصد مرتبه کامل شود. آنگاه او را با این جملات زیارت کن (السلام علیکم یا اهل البیت النبوه... منظور زیارت جامعه کبیره است).

این زیارت شریف، مورد عنایت خاص امام عصر ارواحنا فداه بوده و سیره عملی علمای ربانی، فقهای عظام و محدثین بزرگ شیعه بر خواندن این زیارت بوده است. این مسئله بر اتقان و استحکام این زیارت‌نامه شریف افزوده است، که به نمونه‌ای اشاره می‌گردد:

مرحوم محدث نوری صاحب کتاب نجم الثاقب، حکایت تشریف سید حسن رشتی، خدمت امام عصر ارواحنا فداه را مفصل نقل نموده است، تا آنجا که سید رشتی می‌گوید: آن حضرت (عج) دست مبارک را بر زانوی من گذاشت و فرمود: شما چرا نافله نمی‌خوانید؟ و سه مرتبه فرمود: نافله، نافله، نافله. باز فرمود: شما چرا عاشورا نمی‌خوانید؟ و سه مرتبه فرمود: عاشورا، عاشورا، بعد فرمود: شما چرا جامعه نمی‌خوانید؟ و سه مرتبه فرمود: جامعه، جامعه، جامعه.

علامه مجلسی (ره) در بحار الانوار جلد ۱۰۲ صفحه ۱۴۴ می‌فرماید: این زیارت از نظر سند صحیح‌ترین و در عین حال فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین زیارت است و عالی‌ترین شأن را از جهت معنا دارد.



این زیارت «جامعه» نام‌گذاری شده زیرا متن آن (همانطور که روشن خواهد شد) بگونه‌ای تنظیم و تألیف شده که می‌توان هر یک از ائمه را با همین متن زیارت کرد، در این متن علاوه بر شهادت بر توحید و نبوت و معاد، در سلام و سخن با امام اوصاف و القاب کلی و مشترک ائمه علیهم‌السلام آمده، بنابراین جمیع ائمه معصومین را جدا جدا با این الفاظ می‌توانیم زیارت کنیم و مورد خطاب قرار دهیم. بعد از کلمه جامعه کلمه «کبیره» آمده، زیرا زیارت‌های دیگری هم داریم که الفاظ آنها چنین جامع است ولی آنها با الفاظ کمتری هستند مثل زیارت معروف به «جامعه صغیره» که از امام رضا علیه‌السلام نقل شده است.

پس علت شهرت این زیارت در کتب و بین مردم به «جامعه کبیره» روشن شد؛ و اما شأن صدور زیارت اینکه یکی از اصحاب امام هادی علیه‌السلام به نام موسی بن عبدالله نخعی گوید از حضرت هادی (علی بن محمد بن علی بن

روای مصطفی

محمد صلی الله علیه و آله

هم ولو پشت سر پیامبر میتوانند به آن جا برسند. پیامبر آمده است که همه انسانها را به این مقام برساند و او کاری جز این ارتقای بشری ندارد. هدف پیامبران رساندن انسانها است به الله و این حرکت را نباید امری ساده و مادی تلقی کرد.

با این حساب جایگاه پیامبر به گونه ای است که اساسا او مصداق تمام حرکت و مسیر رشد انسانی است. باطن این عالم و مسیر حرکت به سمت خدا که مسیری از ظاهر به سمت باطن است همه در وجود او متجلی است. همین طور او به دلیل مستوایی که درش قرار گرفته است مسلط بر کل عالم است و همه عالم مثل جسمی است که او روح او است و قدرت تغییر در عالم را دارد و به اراده او همه چیز در عالم محقق

میشود. چنین شخصیتی در نگاه شیعه نمیتواند که نباشد باید در هر زمانی چنین انسانی در عالم وجود داشته باشد. و قطعاً دست همه بشر در تشخیص او کوتاه است.

پیامبر در نگاه شیعه انسانی عادی نیست اگر چه بشری مثل دیگران است اما بشری است که حد رشد یافتگی او در اندازه «او ادنی» است. چنین انسانی مثل روح برای همه عالم است لذا به اراده او همه

عالم میتوانند تغییر کنند همه عالم مثل بدن برای او است و این معنای معجزه است.

حدیث ثقلین نه به معنای ضمیمه کردن اهل بیت و قرآن است بلکه حدیث ثقلین به معنای یکی بودن این دو حقیقت است. این دو حقیقت هر دو کاملند ولی یکی هستند لذا اگر قرآن فهم شود قطعاً انسان کامل را تبیین میکند و انسان کامل است که قرآن را به نمایش میکشد.

این دو جریان نه بعد از پیامبر بلکه در خود زمان پیامبر هم از یکدیگر جدا بودند. دو نگاه به پیامبر وجود داشت دو نگاه به امیر المومنین وجود داشت و این دو را باید از هم تفکیک کرد. چه بسا روح نگاه عمومی جریان بعد از پیامبر در میان شیعه رسوخ کند و چه بسا روح نگاه شیعه در میان آن جریان عمومی رسوخ نماید

سوال این است که واقعا جایگاه پیامبر در دین چیست؟ این سوال به ظاهر ساده ابعاد وسیعی به لحاظ دینی و دنیایی به خود میگیرد؟

آیا پیامبر کسی بوده که صرفاً وحی را اخذ میکرد و به ما میرسانده است. مثل اینکه کسی برود از اتاق کناری کتابی را بردارد و بیاورد به ما تحویل دهد؟ اگر این است خوب چرا باید صرفاً به او وحی شود؟ چرا به همه وحی نشود؟ راستی چه اشکالی داشت خداوند متعال این موهبت را به همه میکرد که این همه مشکلات شکل نگیرد؟ یا لا اقل چه اشکالی داشت خود مردم کسی را که باید به او وحی شود خودشان انتخاب میکردند؟ این وحی که قرار است

تا آن سوی کره زمین همه را هدایت کند چرا باید به یک نفر برسد؟

نکته اساسی این است که وحی نیاز به یک رشد عمیق انسانی دارد. انسان باید به یک اوجی برسد که قابل دریافت وحی شود. وحی یک سویش متکلمی است به نام ذات بینهایت خداوند اما طرف دیگرش انسانی رشد یافته است لذا این که به پیامبر وحی میشود نکته ساده ای

نیست که واقعیت است که اساساً او را از همه انسانهای دیگر متفاوت میکند لذا انا و علی من شجره واحده و سائر الناس من شجر شتی. اگر هر کس دیگری هم چنین رشدی داشته باشد قدرت دریافت وحی را خواهد داشت حالا اگر خداوند متعال به یک انسان وحی میکند ممکن است دیگرانی هم باشند که همان وحی را بشنوند و ببینند اگر چه مخاطب نباشند. این که اهل بیت محدث بوده اند یا امیر المومنین میفرماید من هر آنچه پیامبر میدیدم میدیدم و میشنیدم از این جهت است. ماجراهایی که نشان میدهد اهل بیت پیامبر در جریان رفت و آمد ملائکه بوده اند در تاریخ زیاد نقل شده است. اگر چه پیامبر مخاطب وحی است اما جایگاه او جایگاهی است که خیلی های دیگر



در انتخاب نائب امام نیز

شیعه ملاک را انتساب

و ارتباط با امام میدانند

و انتخاب مردم کشف

است. لذا شیعه تا جای

که ممکن است خطای

در انتخاب را کم میکند



بررسی تطبیقی دو دستگاه

حکوم

نقطه شروع

از همین نگاه بود. تفاسیری که از شخصیت پیامبر میشود برای ما جالب توجه است. مشکل در شناخت شخصیت او است. ما چرا این است که خیلی‌ها با شریعت به معنای ظواهر و قواعد مشکل نداشتند اما با انسان مشکل داشتند. صراط مستقیم این‌ها بر اساس «الذین انعمت» تعریف نمیشد. انسان نبود که صراطشان را تبیین میکرد. وقتی مردم به این نقطه برسند که چنین موجودی در عالم هست اساساً چگونه به خود اجازه میدهد که با رای گیری بخواهد او را انتخاب کند.

قطعا آن نگاه عمومی بعد پیامبر نسبت به انسان کامل به سمت یک دین بدون باطن خواهد لغزید و از دین چیزی به جز مناسک خشک نخواهد ماند. چون باطن و معنای دین همه در وجود انسان کامل است که هست. قطعا باید از دل این اندیشه خوارج و اندیشه لا حکم الا لله سر بزند.

لا بد مجتهدین آنها نیز وقتی شک میکنند که آیا امیر المومنین نصب خاص شده است یا نه خود را زیاد اذیت نمیکند و اصول عملیه را پیاده میکنند.

این یک روی سکه اختلاف که مبنا و عمق اختلاف بود. اما روی دیگر اختلاف که مقایسه انتخاب خلیفه امام و خلیفه پیامبر است بر این اساس حالا میتواند روشن شود. حقیقت این است که ساختار ولایت فقیه یا نیابت امام دوازدهم هم به لحاظ رهبر کلان و هم به لحاظ غایت و نظام اهداف و هم به لحاظ قوانین و هم به لحاظ الگو و سیره رفتار با ساختار خلافت متفاوت اند و مقایسه این دو ساختار با هم بی معنی است. شیعه هیچ وقت انسان کامل را انتخاب نکرد. به اعتقاد شیعه انسان کامل و امام زمان زنده است. امام کاری به جز تربیت همه بشریت و تقویت و رشد جبهه حق ندارد. فلسفه وجود او این است. با این حساب غیبت امام به معنای مرگ امام نیست. غیبت یک رفتار است که امام دوازدهم انجام میدهد. رفتاری که فلسفه آن قطعا با فلسفه همه حرکت‌های معصوم یکی است

. یعنی شیعیان شناسنامه ای داشته باشیم که سنی میاندیشند و یا سنی های شناسنامه ای داشته باشیم که شیعی میاندیشند.

نگاه شیعی نگاهی است که برای انسان کامل جایگاه ویژه ای در عالم قائل است و همه چیز را در ید او میداند. انسان کامل آن هم انسان کامل زنده و در حال حیات برای شیعه خلیفه حقیقی خدا است یعنی همه اوصاف حق تعالی در او به تمامه ظهور میکند. و چنین موجودی قابل شناسایی توسط بشر نیست دست بشر نمیرسد که بتواند او را انتخاب کند.

انسان کامل زنده و در حال حیات که وجودی بشری و مادی دارد مظهر همه اوصاف الهی است. لذا همه امامان قبلی کارهای خود را در این عالم به دست او انجام میدهند. کسانی که

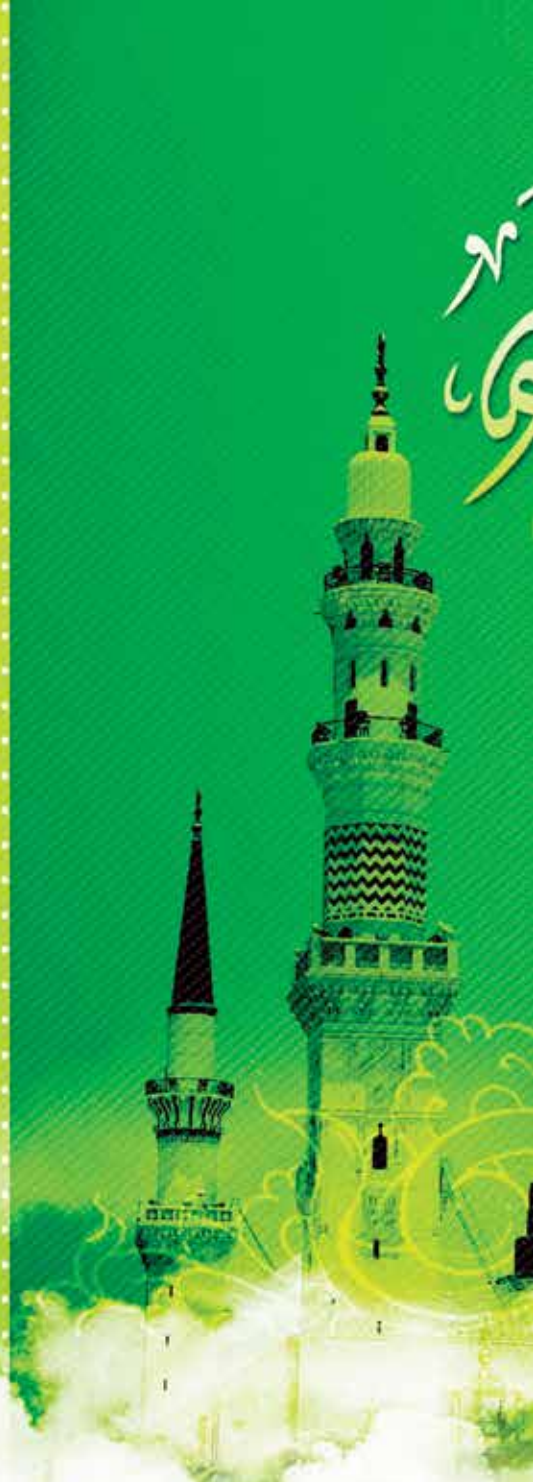
متوسل به پیامبر اکرم میشوند یا متوسل به امامان معصوم میشوند همه حاجت خود را به دستان امام زمان خود میگیرند

در نگاه مقابل پیامبر یک بشر عادی است چه بسا خطا هم از او سر بزند. ویژگی او این است که دین را از دست ملائکه میگیرد و به دست ما میدهد. این فهم طبیعی و ابتدایی از پیامبر بشر است و خیلی‌ها میتوانند به آن

مبتلا باشند. این نیاز به یک عمق ایمانی دارد. ایمان به غیب باید در انسان‌ها شدت بگیرد تا بتوانند بفهمند این بشر ساده و صمیمی که در کنار آنها زندگی میکند عمقی به اندازه طاق هستی دارد. این که در همان زمان پیامبر خیلی‌ها از او میپرسیدند این حرف تو است یا حرف خدا؟ ریشه در این نگاه دارد که جایگاه واقعی این شخصیت را نشناخته اند. حتی بعد از حدیث غدیر نقل شده است که عده ای از او پرسیدند این حرف تو است یا خدا؟ این که در لحظه‌های آخر وقتی درخواست قلم و دوات کرد به او تهمت زدند که این شخص هزبان میگوید و خیلی‌ها سکوت کردند و شنیدند و پذیرفتند ناشی از همین فهم از شخصیت پیامبر بود؟ این که بعد از پیامبر آیات را نگاه داشتند و روایات را سوزاندند و کسی اذیت نشد ناشی



امام کاری به جز تربیت همه بشریت و تقویت و رشد جبهه حق ندارد. فلسفه وجود او این است



حجت الاسلام علی مهدیان

سیاسی ولایت و خلافت

تجارت جهانی الی بی نهایت

. فلسفه غیبت هم رشد جبهه حق و حرکت به سمت شکل گیری یک جبهه منسجم و عمیق دینی است. غیبت مثل قهری است که یک پدر با بچه خود میکند و هدفش هم تربیت بچه است. غیبت رها کردن بچه نیست. قطعا یک بچه دوست ندارد پدرش با او قهر باشد و قطعا این بچه اگر به میزانی از رشد نرسیده بود پدر با او قهر نمیکرد. پدر میداند این قهر برای او مفید است. و بچه سعی میکند تلاش کند تا قهر پدر تبدیل به لبخند شود. اما نباید فراموش کرد که این قهر یک رفتار تربیتی و در جهت رشد جبهه حق است.

البته در جبهه حق همه سرداران که او انتخاب میکنند و آنها رفتار خود را بر اساس خواست او تنظیم میکنند نیاز نیست انسان کامل باشد اما در راس این ساختار و جریان او قرار میگیرد او رهبر کل این جبهه است. به عقیده شیعه رهبر و مدیر کلان همان امام معصوم است و رفتاری که او الان انتخاب کرده است غیبت است و راه خروج از این مرحله را هم به شیعه تبیین کرده است. غایت و

هدف البته زمینه سازی برای تعجیل فرج است. انتخاب خلیفه امام در واقع نقشی است که شیعه در این زمین دارد بازی میکند. داشتن حکومت یکی از اهداف متوسط امام است. شکل دادن به عدالت و وحدت قطعا یکی از اهداف متوسط امام است حتی شکل دادن به یک حکومت جهانی تازه یک هدف متوسط امام است، امام قرار است انسان ها را تا بینهایت اوج و عروج دهد. به عقیده شیعه رفتار و سبک رفتاری معیار فقط سبک رفتاری این انسانهای کامل است. امام قرار است انسان را به لحاظ رشد باطنی تا بینهایت بالا ببرد. چون داشتن نقشه برای این حرکت کافی نیست باید کسی جامعه را مدد دهد و رشد دهد. حکومت و قدرت در چنین دستگاهی تعریف

میشود. مثل اینکه هر امام معصومی حتی خود پیامبر اکرم سرداران و حاکمان و والیانی را در کشور قرار میداد. لذا لزومی ندارد که هر سیاست مداری انسان کامل باشد. باید دید جایگاه او در فضای حکومت و سیاست چیست؟

بارها بوده است که پیامبر به کسانی که به جایی میفرستاده میگفته در نبود من چگونه رفتار کنید یا چگونه استنباط کنید. که در روایات هست. جهت گیری و هدف گیری شیعه نهایت ندارد.

بینهایت است. لذا حتی اگر کل عالم را هم تسخیر کند هدف شیعه محقق نشده است. حکومت جهانی تازه نقطه شروع یک حرکت الی بینهایت است. حکومت شیعه بعد از شکل گیری از جایی به بعد به جز به دستان امام زمان پیش نمیرود. چون اهدافی که دارد فقط به دستان او محقق شدنی است.

اگر حکومتی دارای مدیری باشد که این مدیر در حال یک رفتار ویژه با کل بدنه باشد و حتی غیبت او نیز یک رفتار تربیتی و فرهنگی و مدیریتی دیده میشود و دارای اهدافی باشد که این اهداف با آن غیبت ربط دارد و نظام اهدافی بینهایت دارد و دارای الگوها و سبک رفتاری است که این الگوها و سبک رفتاری نیز الگو و سبک رفتاری خاصی است که مرتبط با همان انسان کامل است چنین حکومتی قطعا و ذاتا با حکومت های دیگر متفاوت است حکومت هایی که اهداف آنها اساسا از سطح فهم بشری بالاتر نیست. مسوول حکومت راسا انتخاب میشود و مسوول کلان حکومت است. با رفتارهای انسان کامل کاری ندارد و خود را در مقابل این رفتارها مسوول نمیبیند. و الگوهای رفتاریش کنار پیامبر میتواند هر کس دیگری هم باشد. این دو نحوه حکومت با هم ذاتا متفاوتند هم در مدیریت کلان هم در نظام اهداف و هم در



جهت گیری و هدف

گیری شیعه نهایت ندارد.

بینهایت است. لذا حتی اگر

کل عالم را هم تسخیر کند

هدف شیعه محقق نشده

است. حکومت جهانی

تازه نقطه شروع یک

حرکت الی بینهایت است





تو فرزند کدام نسل پاک؟ تو از کدامین دشت روییده ای قاصد کما؟ چه کسی سینه دریابیت را پاره پاره کرده؟ کدام دست ناپاکه خون پاک تو را ریخته؟ به کجا سفر می کنی؟ دور از خانه و شهر خویش؟! دور از دستهای پینه بسته پدر و قلب شکسته مادر؟!

انتساب و ارتباط با امام میدانند و انتخاب مردم کشف است. لذا شیعه تا جایی که ممکن است خطای در انتخاب را کم میکند. شیعه وضعیت موجود را به نفع امام تغییر میدهد با آن مدارا نمیکند. یعنی اگر مردم کس بهتری را انتخاب نکردند این به معنای آن نیست که از نگاه تشیع امر مهمی نباشد و کار را رها کنیم.

در نگاه شیعه نیابت و امامت باید مرتبط با انسان کامل باشد لذا یا باید او را انتخاب کرده باشد یا اگر نه باید گشت و نزدیک ترین به او و در راستای این اهداف را انتخاب کرد.

از طرف دیگر این انسان کامل نیز مشغول است و در کار کمک می کند که این بحث دیگری است. تفاوت است بین کسی که قاتل به وجود امام نیست و دنبال او نمیگردد و کسی که امام را قبول دارد که هست و باید باشد و او را پیدا نمیکند. در بهترین حالت و خوشبینانه ترین حالت، بعد از وفات رسول خدا مردم نفهمیدند که انسان کامل از دنیا رفت پس باید دنبال انسان کامل باشند شروع کردند به تشکیل حکومت.

حالا باید پرسید چگونه این دو ساختار و نظام سیاسی را با هم مقایسه میکنید؟ دو سیستم داریم که هم به لحاظ مدیر کلان هم به لحاظ نظام مقاصد هم به لحاظ تقنین و قوانین عمل هم به لحاظ الگو و سیره رفتار با هم متفاوتند. این دو ساختار اختلافات عمیقی با یکدیگر پیدا میکنند و پرسش از شباهت این دو ساختار اساسا اشتباه است.

به نظر میرسد برای حل و فصل علمی این مساله اساسا باید به سراغ محور وحدت بخش این دو جریان برویم یعنی شخصیت پیامبر اکرم ص و شخصیت امیر المومنین ع. این دو شخصیت را باید دقیق و از نو شناخت و جایگاه آن ها را در نظام هستی و در دین تبیین نمود. تبیینی فطری و عقلاتی که با همه آیات و روایات درباره شخصیت انسانهای کامل و پیامبران الهی و بلکه کل آیات و روایات سازگار باشد.

الگوها و اسوه ها. اگر بخواهیم دو الگوی ذاتا متفاوت داشته باشیم چه چیز غیر از این باید بگوییم.

این که شما جهت گیری ات آوردن انسان کامل باشد یا جهت گیری ات کنار گذاشتن یا بیتفاوتی نسبت به انسان کامل باشد برای تو دو دستگاه و ساختار سیاسی و تصمیم گیری را شکل خواهد داد.

اینکه شیعه دستورات اهل بیت را کنار قرآن قرار میدهد برای این است که معتقد است این حرکت را بدون نقشه راهی که انسان کامل تعیین کند نمیشود رفت. روایات اهل بیت برای شیعه در قواعد و قانون گذاری از این جهت کلیدی است. هر جا هر بیانی از انسان کامل برای شیعه مغتنم است و بر اساس آن نتایج میگیرد. رفتارهای اهل بیت همه برای او مهم است و آن را تحلیل میکند. اما همه حرف جریان مقابل این بود که اساسا با وجود قرآن نیازی به انسان کامل نیست.

دقت کنید امیر المومنین یک شرط را نپذیرفت و حاضر شد حکومت را تحویل دهد و زیر بار این شرط نرود و آن اینکه

سیره پیامبر در کنار سیره خلفا ملاک عمل باشد. در حکومت و سبک حکومت شیعه فقط سیره انسان کامل ملاک است. دیگران خود را با آن باید چک کنند و در طول آن هستند و ملاک خوب و بد آنها همان سیره است.

در بهترین حالت بگوید اهل سنت کاری با اهل بیت نداشتند و با آنها مثل دیگران برخورد کردند این آثار فوق العاده ای را هم در تقنین هم در تصمیم گیری و هدف گذاری هم در الگو برداری هم در رهبری شکل خواهد داد.

این از جهت سبک رفتاری شیعه و سنی. مقایسه رفتار شیعه و سنی مثل این است که یک چوب در درخت را با یک عصا مقایسه کنیم. چوب زنده است به درخت، عصا مرده است به جدایی از درخت.

حتی در انتخاب نائب امام نیز شیعه ملاک را

اینکه شیعه دستورات اهل بیت را کنار قرآن قرار میدهد برای این است که معتقد است این حرکت را بدون نقشه راهی که انسان کامل تعیین کند نمیشود رفت

مهارت‌های دعا خوانی

قسمت اول



حاج عباس حیدرزاده

چکیده

دعا خواندن توفیق بزرگی است، و توفیق بزرگ‌تر اینکه انسان برای جمعی دعا بخواند. یعنی حلقه وصل بندگان به درگاه بی نیاز مطلق بشود. استمرار این توفیق نیازمند مراقبت‌های ویژه اخلاقی و کسب مهارت‌های فنی است. مادر این نوشتار با استناد به آیات و روایات، برخی مراقبت‌هایی که رعایت آن برای یک دعا خوان لازم است، تا بهتر بتواند وظیفه خود را انجام دهد، خواهیم پرداخت. همچنین مهارت‌هایی که برای دعا خواندن نیاز است را بررسی خواهیم کرد. یکی از موهبت‌های بزرگ الهی دعاست. خدای متعال این نعمت را در اختیار بندگان خویش قرار داده، تا به این وسیله انسان‌ها بتوانند با خالق خود راز و نیاز کنند. خدای متعال دعا را وسیله آموزش و برآوردن نیازهای بندگان خود قرار داده است. امام زین العابدین علیه السلام در مقام نیایش به خدای متعال عرضه می‌دارد:

وَمِنْ أَعْظَمِ النِّعَمِ عَلَيْنَا جَرِيَانُ ذِكْرِكَ عَلَيَّ السِّنْتِنَا وَإِذْنُكَ لَنَا بِدُعَائِكَ^۱

«از بزرگ‌ترین نعمت‌های تو بر ما، جاری شدن یاد تو بر زبان ما و اجازه دادنت به ما برای دعا به درگاه توست.»

بالا تر از نعمت دعا، نعمت اجابت دعاست، که خدای متعال آن را تضمین کرده است، و فرموده:

أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ (غافر/۶۰)

«بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را.»

در دعای شریف کمیل نیز امیر مؤمنان علیه السلام عرض می‌کند:

وَأَمْرُ تَهْمٍ بِدُعَائِكَ وَضَمْنَتْ لَهُمُ الْإِجَابَةُ^۲

«و دستور به دعا فرمودی و اجابت را ضمانت کردی.»

در اهمیت دعا همین بس که ستون دین^۳ و روح و مغز عبادت است و به همین دلیل سودمندتر از قرائت قرآن است.^۴

امام خمینی قدس سره الشریف دعا را به «قرآن صاعد» تعبیر می‌کند و می‌فرماید:

«قرآن، قرآن نازل است، آمده است به طرف پایین و دعا از پایین به بالا می‌رود، این قرآن صاعد است.»^۵

سخن گفتن با خالق ازلی و ابدی شریطی دارد که اگر آن شرایط محقق نشود دعا سودی نخواهد داشت. مداحانی که دعا خوان هستند و جمع‌های زیادی را به فیض می‌رسانند، در حقیقت «حلقه وصل» بندگان به درگاه لایزال الهی هستند. توجه کردن به اصولی در این زمینه موجب می‌شود تا خواننده دعا هم خودش بهره‌ای را برسد و هم فیض

بی نهایت الهی را نصیب بندگان خدا نماید. به قول یکی از بزرگان می‌فرمود: «شما مداحان مانند جوی آبی هستید که فیض خدا از طریق شما به مردم می‌رسد هر چقدر این جوی تمیزتر باشد این آب زلال تر به مردم می‌رسد، و هر چقدر این جوی آلوده باشد این فیض کمتر به مردم می‌رسد. طوری نباشید که راه فیض خدا از طریق شما بسته شود و از طریق دیگری به مردم برسد.» در این نوشتار به اختصار و گذرا به نکاتی در زمینه «مهارت‌های دعا خوانی» اشاره می‌نمائیم.

۱- ترک محرمات

گناه هر چند کوچک باشد موجب تاریکی قلب و عدم استجابت دعا می‌شود. از آنجا که یک مداح بر کرسی هدایت مردم نشسته است، باید خود تارک گناه باشد تا با قلبی پاک، و نفس قدسی قلوب بندگان را به درگاه بخشنده مهربان پیوند دهد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

مَا مِنْ شَيْءٍ أَفْسَدَ لِلْقَلْبِ مِنْ خَطِيئَةٍ إِنْ الْقَلْبَ لِيُوقِعُ الْخَطِيئَةَ فَمَا تَزَالُ بِهِ حَتَّى تَغْلِبَ عَلَيْهِ فَيَصِيرَ أَعْلَاهُ أَسْفَلَهُ.^{۶،۷}

پدرم امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ چیز برای قلب



تو فرزند کدام نسل پاکي؟ تو از کدامين دشت زوييده اي قاصد کما؟ چه کسی سينه درياييت را پاره پاره کرده؟ کدام دست ناپاک خون پاکت تو را ريخته؟ به کجا سفر مي کنی؟ دور از خانه و شهر خویش؟! دور از دستهای پينه بسته پدر و قلب شکسته مادر؟!

زيانبار تر از گناه نيست چه آنکه قلب با گناه مي آميزد و با آن گلاويز مي شود تا بالاخره گناه بر قلب چيره شده و آن را وارونه مي سازد.

گناه هر چند کوچک باشد تاثير خود را بر قلب انسان مي گذارد، حتی اگر به يك نگاه شهوت انگيز باشد، زيرا نگاه باعث هيچان قلب مي شود و قلب نيروي شهوت را به حرکت درمي آورد.

پيامبر گرامي اسلام صلی الله عليه و آله می فرماید: التَّطَرُّقُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سَهَامِ ابْلِيسَ فَمَنْ تَرَكَهَا خَوْفًا مِنْ اللَّهِ اعْطَاهُ إِيْمَانًا يَجِدُ حَلَاوَتَهُ فِي قَلْبِهِ.^۸

نگاه حرام تير مسمومي از تيرهاي شيطان است هر کس از ترس خدا آن را ترک کند خداوند ايماني به او مي دهد که شيريني آن را در قلب خود احساس مي کند.

همچنين امام صادق عليه السلام در جواب يکي از اصحاب که سؤال کرد، يابن رسول الله خداوند در قرآن فرموده: اَدْعُوْنِي اَسْتَجِبْ لَكُمْ (غافر/ ۶۰) بخوانيد مرا تا اجابت کنم شما را. دعایي کنم ولي مستجاب نمي شود، حضرت فرمود: تَوْجُّهٌ دَاخِرٌ بَشَرٌ كَمَا اِذَا اُتِيَ بِدَعْوَتِكَ اَسْتَجِبْ لَكَ (توبه/ ۱۲) اگر شما از دستورات خداوند اطاعت مي کرديد و سپس دعایي نموديد، مسلماً خداوند دعای شما را مستجاب مي فرمود، ولي چون مخالفت و نافرمانی خدامي کنيد او دعایتان را مستجاب نمي کند.^۹

امير سخن علي عليه السلام نيز در حديثي علت عدم استجابت دعا را معصيت مي داند و مي فرماید: «تعجب از کسی است که دعا ميکند دير مستجاب مي شود با اينکه راه استجابت دعا را با معصيت بسته است.»^{۱۰}

امام باقر - عليه السلام نيز مي فرماید: گاهی بنده از خداوند حاجتي را در خواست مي کند که شايسته استجابت است؛ حال، به زودي يا در مدت طولاني سپس اين بنده گناهي را مرتکب مي شود، خداوند به ملائکه مي فرمايد حاجتش را بر آورده نکنيد و او را

محروم کنيد چرا که باعث خشم من و محروميت از فضل من شد.^{۱۱} بر اين اساس گناه سدي است که مانع استجابت دعایي مي شود، حالا اگر کسی که به عنوان جلودار و راهنمای جمعی در مجلس دعا و مناجات تربيت دار باشد و خدای ناخواسته اهل معصيت باشد (در حقيقت عمل او با گفته هاش مغايرت داشته باشد) چطور مي توانند اين قافله را به سر منزل مقصود برسانند؟

۲- حضور قلب

يکي از مهم ترين چيزهايی که در استجابت دعا تاثير زيادی دارد، حضور قلب است. قلب انسان مي تواند چشمه جوشان انوار الهی باشد. اشک گرمی که از چشمان بنده دلدادۀ جاری می شود حکايت از اتصال قلب عاشق به خالق مهربانی ها دارد. حقيقتی روشن است که انسان با حضور قلب، هنگام مناجات و راز و نياز با قاضي الحاجات به ملکوت آسمان ها پيوند می خورد و خود را در محضر خدای متعال غرق در نور و نعمت مي بيند. پيامبر گرامي اسلام - در سخني

خطاب به علي عليه السلام می فرماید:

يَا عَلِيُّ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ دَعَاءَ قَلْبٍ سَاهَ بِأَعْلَى.^{۱۲}

يا علي خدا دعای دل بي توجّه را مستجاب نميکند. از اين سخن رسول گرامي اسلام صلی الله عليه و آله مشخص می شود که حضور قلب، يکي از شرايط اصلي استجابت دعا است. همچنين امير مؤمنان علي عليه السلام وقتي شرايط استجابت دعا را بيان می کند در حديثي زيبایي فرماید:

دعا چهار شرط دارد: حضور قلب، خلوص باطن، معرفت نسبت به خدا و انصاف در آنچه می خواهد؛ زير روایت شده است که حضرت موسی از کنار مردی که در حال سجده و گريه و زاری بود می گذشت، عرضه داشت: خدا يا! اگر حاجت اين شخص به دست من بود، آن را بر آورده می کردم، به موسی وحی شد:

او مرا می خواند؛ اما دلش در هوای گوسفند است، بنا بر اين اگر آنقدر سجده کند که مهره های پشتش شکسته و چشمانش سفيد گردد، دعایش را اجابت نخواهم کرد.^{۱۳}

در حقيقت اصلي ترين شرط استجابت دعا حضور قلب است. هر کسی با دل شکسته که همان توجّه در خواستن است به درگاه خدای متعال روی آورد، دست خالی بر نمی گردد.

امام صادق عليه السلام نيز در حديثي زيبایي فرماید: اِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَسْتَجِيبُ دَعَاءَ بَظْهَرِ قَلْبٍ سَاهَ فَاِذَا دَعَوْتَ فَأَقْبِلْ بِقَلْبِكَ ثُمَّ اسْتَقِمْ بِالْإِجَابَةِ.^{۱۴}

خداوند، دعای کسی را که بدون حضور قلب باشد مستجاب نمي کند؛ بنا بر اين هنگام دعا دل را متوجه کن، آن گاه به اجابت يقين داشته باش.

عارف قرن حاضر امام خميني رضوان الله عليه کليد همه سعادت ها را حضور قلب مي داند و مي فرماید: يکي از مهمات آداب قلبيه که شايد کثيری از آداب مقدمه آن باشند و عبادت را بدون آن روح و روانی نيست و خود مفتاح قفل کمالات و باب الأبواب سعادت است و در احاديث شريفه از کمتر چيزی اين قدر ذکر شده و به کمتر ادبی اين قدر اهميت داده شده، «حضور قلب» است.^{۱۵}

بنابر اين:

۱. دعا، خواستن است و خواستن حقيقي بدون حضور قلب محقق نمی شود.
 ۲. بدون حضور قلب، دعا در روح و جان انسان تاثير نخواهد داشت.
 ۳. دعا بدون حضور قلب به اجابت نمی رسد.
 ۴. ادب سخن گفتن با خدای متعال حضور قلب است. پيامبر گرامي اسلام صلی الله عليه و آله و آئمه عليهم السلام در آداب دعا و نيايش با خدا متعال دستورات مشروحي فرموده اند که، در اين نوشتار مورد بحث مانيس.
- ادامه دارد...

۱۰- وَقَالَ امير المؤمنين عليه السلام العَجَبُ مَمَّنْ يَدْعُو وَيَسْتَبْطِئُ الْإِجَابَةَ - وَقَدْ سَدَّ طَرِيقَهَا بِالْمَعَاصِي. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۷، ص ۲۵، ص ۲۶۸.

۱۱- وسائل الشيعه، ج ۷، ص ۴۶۸.

۱۲- شيخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، (قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق)، ج ۴، ص ۳۶۷.

۱۳- قَالَ امير المؤمنين ع للدعاء شَرْطٌ اَرْبَعَةٌ اَوَّلُ اِحْصَارُ النَّيَّةِ وَالتَّانِي اِخْلَاصُ السَّرْبَرَةِ وَالتَّالِثُ مَعْرِفَةُ الْمَسْتَوِلِ وَالرَّابِعُ الْإِصْافُ فِي الْمَسْأَلَةِ فَإِنَّهُ رَوَى أَنَّ مُوسَى ع مَرَّ بِرَجُلٍ سَاجِدٍ بِيكِي وَيَدْعُو وَيَتَضَرَّعُ فَقَالَ مُوسَى يَا رَبُّ لَوْ كَانَتْ حَاجَةٌ هَذَا الْعَبْدِ بِيَدِي لَقَضَيْتُهَا فَاَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ يَا مُوسَى إِنَّهُ يَدْعُوَنِي وَقَلْبُهُ مَشْغُولٌ بِغَنَمٍ لَهُ فَلَوْ سَجَدَ حَتَّى يَنْقَطِعَ صَلْبُهُ تَنَفَّقًا عَيْنَاهُ وَلَمْ أَسْتَجِبْ لَهُ. حسن ديلمي، ارشاد القلوب، (قم، شريف رضى، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق)، ج ۱، ص ۱۴۹.

۱۴- محمد بن يعقوب كليني، الكافي، (تهران، اسلاميه، دوم، ۱۳۶۲ ش)، ج ۲، ص ۴۷۳.

۱۵- امام خميني آداب الصلاة، (مؤسسه تنظيم و نشر آثار، چاپ هفتم، ۱۳۷۸ ش)، ص ۳۱

۱- مجلسي محمد باقر، بحار الأنوار، (بيروت، ۱۴۰۱ هـ) ج ۹۱، ص ۱۵۱.

۲- مجلسي محمد باقر، زاد المعاد، (مؤسسه الاعلمي للمطبوعات، بيروت، ۱۴۲۳ ق) ص ۶۴.

۳- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الدُّعَاءُ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ وَعَمُودُ الدِّينِ وَنُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ. كليني محمد يعقوب، الكافي، (دارالكتب الاسلاميه، تهران، ۱۴۰۷ ق)، ج ۲، ص ۴۶۸.

۴- محمدي ري شهري محمد، نهج الدعاء، (قم، دار الحديث، ۱۳۸۵ اول)، ج ۱، ص ۱۷.

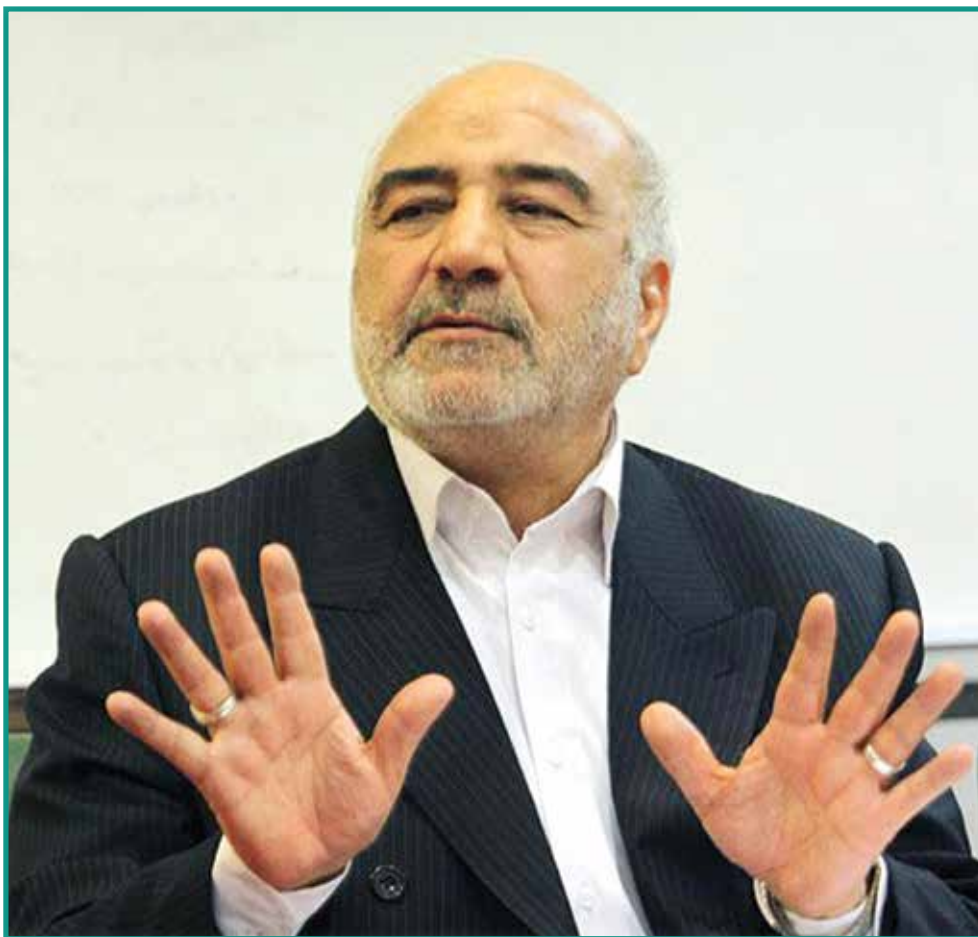
۵- صحيفه امام، ج ۱۳، ص ۳۲.

۶- يعنى ما تزال تفعل تلك الخطيئة بالقلب و تؤثر فيه بحلاوتها حتى تجعل وجهه الذي الى جانب الحق والآخره إلى جانب الباطل والدينا (في).

۷- كليني، محمد بن يعقوب، الكافي (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۲۶۸.

۸- تاج الدين شعيري، جامع الاخبار، ص ۱۴۵

۹- كتاب ادب حضور، ترجمه: فلاح السائل سيد بن طلوس، ص ۸۷



مصاحبه با آقای دکتر جواد منصوری اولین فرمانده سپاه پاسداران
به مناسبت سالروز تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

از پادگان جمشیدیه تا سویه گروهک‌ها

دوم اردیبهشت سالگرد تاسیس نهاد انقلابی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. به همین مناسبت جهت اطلاع از چگونگی شکل‌گیری این نهاد مقدس به سراغ اولین فرمانده سپاه آقای جواد منصوری رفتیم تا از کم و کیف نحوه تشکیل سپاه برایمان بگویند. حرفهای ناگفتنی بسیار داشتند که برخی از آنان را در این گفتگو به ما گفتند که توجه شما را به متن این مصاحبه جلب می‌نمائیم.

اسم خودشان را به سپاه پاسداران عوض کردند. یک گروه مسلحی به نام کمیته انقلاب اسلامی که سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی درست کرده بودند که آن هم به نوعی بحث دفاع از انقلاب و امنیت کشور را داشتند. تعدادی از دوستان قدیم زندان هم با هم یک تشکیلاتی را به وجود آوردیم در پادگان جمشیدیه (دژبان مرکز) که من به اتفاق آقای زمانی معروف به

انقلاب و حفظ موجودیت کشور بود. در مذاکره می‌که با شورای انقلاب شد، مطرح شد که وجود چهار تشکیلات با یک هدف و یک کار، مشکلاتی را به وجود می‌آورد و در عمل به صلاح نیست به اضافه این که چهار تشکیلات عملاً به کسی پاسخگو نیستند چرا که خود جوش به وجود آمدند، این چهار تشکیلات عبارت بود از گارد ملی که توسط دولت به وجود آمده بود که بعداً

هیات آقای منصوری بفرمایید که چطور شد که شما فرمانده سپاه شدید، در واقع این انتخاب بود یا انتصاب و فرآیند قرار گرفتن در این مسئولیت را توضیح بفرمایید. بسم الله الرحمن الرحیم، در اسفند سال ۵۷ چهار تشکیلات به موازات هم، بدون اطلاع همدیگر و بدون هماهنگی با یکدیگر به وجود آمدند، با یک هدف تقریباً مشابه که دفاع از



تو آن روز خروشیدی و امروز... باور نمی‌کنم که با آن همه خروش در خاک خفته‌ای! ای که حضور دریایی تو در آسمان‌ها جاری‌تر از رودهاست! هنوز تپش امواج پر خروش غیرت لرزه بر اندام دشمنان می‌افکند.

ابوشریف و محمودزاده و بجنوردی و چند نفر دیگر که کار می‌کردیم. چهارمین تشکیلات هم که شهید محمد منتظری به وجود آورده بود به نام پاسداران انقلاب اسلامی با مخفف پاسا. به هر حال در فروردین ۵۸ این چهار گروه با هم جمع شدند و با هم همکاری کردند. اساسنامه سپاه، تشکیلات سپاه و نحوه انتخاب شورای فرماندهی سپاه، همه اینها را مشخص کردند که به تصویب شورای انقلاب اسلامی رسید. در اساسنامه‌ی سپاه نوشته بود و پیشنهاد داده بود، این بود که اعضای شورای فرماندهی توسط شورای انقلاب تعیین شود. شورای انقلاب به ما گفتند خودتان فرمانده را پیشنهاد دهید که ما از بین خودمان رأی گیری کردیم و بر اساس آن اعضای شورای فرماندهی سپاه تقریباً مشخص شد. البته در مورد فرمانده سپاه یک مقدار اختلاف بود و سرانجام نسبت به من رأی بیشتری داده شد، من خیلی اصرار داشتم که نمی‌خواهم فرمانده سپاه باشم به این دلیل که می‌خواستیم یا به وزارت خارجه بروم یا صدا و سیما یا حتی وزارت آموزش پرورش.

هیأت گرایش شما در یادگان جمشیدی به که در واقع اقدام به تشکیل سپاه کرده بودید عمدتاً وابستگی جناحی و گروهیتان به کدام یک از احزاب و تشکیلات قبل از انقلاب بر می‌گشت؟

اولاً این چهار مجموعه خیلی اختلاف نداشتند به جز آن گروهی که با دولت بودند که بیشترین تمایل را به نهضت آزادی داشتند. ولی ۳ گروه دیگر خیلی شبیه هم بودند، شخص خود من در آن زمان عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی بودم، به هر حال من پذیرفتم که به مدت ۶ ماه فرمانده سپاه باشم تا کسی را انتخاب کنند.

هیأت من در خاطر هست که در آن اساسنامه آمده بود فرمانده سپاه به انتخاب اعضای سپاه پاسداران باشد؟!

این در اساسنامه اولیه مطرح بود ولی در آن مقطع (فروردین ۵۸) چنین چیزی عملی نبود چون هنوز کسی عضو سپاه نبود و سپاه رسمیت نداشت.

هیأت آیا این ذهنیت نبود که عمدتاً این بند را آوردند تا به نوعی ماهیت حزبی به سپاه بدهند که مثلاً فرمانده سپاه به انتخاب اعضایش است؟

حالا در آن زمان یک تب شدید شورایی بر مملکت حاکم بود همه مملکت از طریق شورا اداره می‌شد، روسای دانشگاه را اساتید انتخاب می‌کردند، استانداری‌ها را مردم استان انتخاب می‌کردند، اول انقلاب یک چنین تپی وجود داشت.

هیأت این تب را بیشتر منافقین (مجاهدین خلق) ترویج نمی‌کردند؟

به یک معنایی چپی‌ها ترویج می‌کردند، در واقع برای این که این حربه را از دست آنها بگیریم لذا ما مشابه آنها حرف می‌زدیم یعنی به جایی

رسیده بود که حتی فرماندهان ارتش هم به رأی افسران انتخاب بشوند. هر افسری باید به رده بالاتر از خودش رأی می‌داد، لذا تا ماه‌های اول مطرح بود که البته طبیعی بود که در آن اوضاع آشفته هر کس یک نظری بدهد ولی به تدریج وقتی آمدند در واقعیت اداره کشور دیدند امکان‌پذیر نیست و این شکل از انتخابات اصلاً معنی ندارد.

هیأت علت سوالم این بود که چون آن موقع در یادگان

ولیعصر (عج) بعضی از همین اعضای شورای فرماندهی سپاه می‌آمدند و تبلیغات می‌کردند تا بچه‌های سپاه برای فرماندهی به آنها رأی بدهند؟

عرض کردم این بحث ابتدا مطرح بود، بعدها مسائلی به وجود آمد به خصوص در دوره‌ی بنی صدر و لذا این موضوع یک دوره مطرح شد ولی عملاً بعد از ۶ ماه یا یک سال به کلی منتفی شد به خصوص بعد از تصویب قانون اساسی (آذر ۵۸) که صریحاً گفته شد فرمانده سپاه توسط رهبری انقلاب تعیین می‌شود و اولین آن هم بنی صدر بود، به عنوان فرمانده کل قوا، عملاً برنامه سپاه هم او تعیین کرد.

به هر حال من برای ۶ ماه فرماندهی سپاه را قبول کردم که عملاً ۱۰ ماه فرمانده بودم که بعد از این که فرمانده بنی صدر شد من گفتم با بنی صدر کار نمی‌کنم چرا که من او را خائن می‌دانستم و به من ربطی نداشت که چرا امام ایشان را انتخاب کردند.

هیأت تحلیل شما از این که بنی صدر خائن است چیست؟ کما این که بعضی‌ها او را خائن نمی‌دانند؟

خوب من یک دیدگاهی را از سال ۵۷ بر اساس تجزیه و تحلیل‌ها و صحبت‌هایش در آن موقع و مواضعی را که می‌گفت، می‌فهمیدم.

آدمها آزادند که هر چه می‌خواهند بیان کنند ولی من می‌توانم بفهمم، از آنجا که دلایل زیاد

و اسناد زیادی وجود داشت که قرار است عراق به ایران حمله کند. بعد بنی صدر در ۱۷ شهریور در میدان شهدا می‌ایستد و چراغ سبز به عراق نشان می‌دهد، بعد از این که حمله می‌شود باز در روز عاشورا آن جنجال عجیب را راه می‌اندازد، بعد قضیه نخست وزیر و ده‌ها مسئله دیگر.

من نمی‌توانم بگویم اشتباه کرده، نفهمیده، به عمد نمی‌گذاشت تشکیل دولت شود، دائماً علیه دولت کارشکنی می‌کرد و تبلیغات می‌کرد و

آخرش هم که دیدیم... بنده این را عادی نمی‌دانستم، مجرم معمولی هم نمی‌دانم و جز خائن هیچ چیز دیگری نمی‌توانم بگویم، ضمن این که اسنادش در ارتباط داشتن با آمریکایی‌ها، اسنادش مربوط به این که در طبرس دخالت داشته، اسناد مربوط به کودتای نوژه که او هماهنگ کرده بود... وجود دارد

حالا بعضی‌ها نمی‌خواهند بدانند خب ندانند من که خودم متوجه هستم. به هر ترتیب ۲ اسفند ۵۸ من دیگر در سپاه نبودم، خیلی اصرار داشتند که من عضو شورای فرماندهی سپاه بشوم که نظرم منفی بود، رفتم و بخش فرهنگی سپاه را تأسیس کردم که از همان موقع برنامه رادیویی،



شورای انقلاب به ما گفتند خودتان فرمانده را پیشنهاد دهید که ما از بین خودمان رأی گیری کردیم و بر اساس آن اعضای شورای فرماندهی سپاه تقریباً مشخص شد



ندارد اخراجش می‌کردیم و سکوت نمی‌کردیم. معمولاً در دستگاه‌های دیگر به این سختی نبود. دوم این که اساساً تمام نیروهای سپاه افرادی از طبقات متوسط به پایین جامعه بودند آدم‌های به معنای واقعی متدین؛ آدم‌هایی که واقعاً برای اسلام و برای مردم خدمت می‌کردند. نکته سوم این که ماسعی می‌کردیم مرتب بر نامه‌های آموزشی و برنامه‌های انتصاباتمان را تقویت کنیم، این طور نبود که امروز به کسی حکم دهیم و دیگر ره‌ایش کنیم، به محض این که احساس می‌کردیم اشتباه کردیم حکم را پس می‌گرفتیم و با کسی رودروا بستی نداشتیم. شهرستانی بود که به اعضای شورای فرماندهی حکم دادیم و آنها شروع به کار کردند بعد از ۲ ماه بر اساس ضوابط فهمیدیم اشتباه کردیم و آنها شایستگی لازم را ندارند، بلافاصله عوض کردیم.

هیأت این ضوابط از کجا می‌آمد؟

ما اول کار تعیین کردیم، عرض کردم بحث پایبندی به فرائض دینی، اخلاق و اجرای مقررات سپاه، اعتقاد به امام و... را مشخص کرده بودیم. اگر هم خلافی می‌دیدیم گذشت نمی‌کردیم و به این ترتیب در سپاه ما نسبت به تمام ارگانهای مملکت از ابتدا تا الان اگر چه ۳۲ ساله که در سپاه نیستیم، اما می‌توانم بگویم به طور نسبی کمترین تخلف اخلاقی و مالی را داشتیم. در آبان ۵۸ ما خواستیم تعدادی را از سپاه بیرون کنیم بعد اینها متوجه شدند و رفتند متوسل به آقای لاهوتی شدند، آقای لاهوتی هم آنها را به قم نزد امام برد، که در حضور امام شروع به شکایت از شورای فرماندهی کردند. امام یه جمله ی جالبی گفتند، طوری وانمود کردند که اصلاً من نمیشنوم شما چه می‌گویید و گفتند شما بروید ارتش ۲۰ میلیونی را درست کنید بروید بسیج را درست کنید، اینها آمدند تهران ما آنها را از سپاه بیرون کردیم و آنها بسیج و درست کردند. امام به ما اعتماد داشتند چون عملکرد ما را می‌دیدند حتی بعدها که در سپاه هم نبودیم امام که ما را می‌دید می‌گفتند می‌شناسمشان، قبولشان داریم و... واقعاً در سپاه بچه بازی و خودسری و جناح بازی و فامیل بازی نکردیم.



سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با یک زیربنای سالم و سلامت پی‌ریزی شد و این دیواره‌ها و تشکیلاتش خوب چیده شود که دستاوردهای این انقلابی است که تا الان ادامه دارد و بتواند از این انقلاب به شایستگی حفاظت کند و تغییرات را متناسب با شرایط در خودش ایجاد کند؟
 ما در سپاه پاسداران نسبت به عضوگیری افراد و انتصاباتاتی که در داخل سپاه برای مسئولیت‌های مختلف بود و همچنین برای اداره امور سپاه سعی می‌کردیم که واقعاً ضوابط دینی و درستی اجرا شود. مثلاً ما هر کسی را برای سپاه عضوگیری نمی‌کردیم بررسی و مطالعه می‌کردیم و اگر در جریان کار می‌دیدیم فرد شایستگی لازم را

تلویزیونی، نشریات، کتابخانه و کلاً بخش‌های تبلیغاتی و کارهای بسیاری دیگر را شروع به کار کردیم، تا فروردین ۶۰ این کار را داشتیم که در فروردین ۶۰ شهید رجایی از من خواستند به وزارت خارجه بروم، علیرغم این که تمایل داشتم در سپاه بمانم ولی چون ایشان گفتند من مدتی سرپرست وزارت خارجه شدم و نتوانستم کار خاصی انجام بدهم، لذا از چند نفر دعوت کرده بود که به وزارت خارجه بیایند، من بودم، آقای شیخ الاسلام، آقای احمد عزیزی و آقای عبداله نوری که بعداً به ما اضافه شد، ما معاون وزیر خارجه شدیم.

هیأت آقای دکتر چه نگاهی وجود داشت که



شما شهدای بوی آسمان دارید پس به حرمت خدای آسمانها شفاعتتان کنید. بال و پر پرواز گرفته اید. اما گاه گاهی نیز خبر از زمینیان غبارآلود بگیریید و پاکمان کنید.

هیات اسم جناح را آوردید در ابتدا در سپاه گروه‌ها و حزب‌های مختلفی حضور داشت با گرایش‌های مختلف سیاسی، اینها را چگونه مهار کردید؟

همه این‌ها را در همان سال اول تسویه کردیم و از اواسط سال ۵۹ دیگر از این باند بازی‌ها در سپاه نبود همه را تسویه کردیم. نه تنها در تهران بلکه در شهرستانها افرادی از جنبش مسلمانان مبارز بودند، بعضی از منافقین نفوذ کرده بودند همه اینها را تسویه کردیم و محکم ایستادیم.

هیات از کسانی که با شما بودند چه کسانی در سپاه ماندند؟ چه از موسسین و چه از معاونین؟

تقریباً کسی نمانده، به این دلیل که یا شهید شدند مانند شهید (کلاهدوز) یا از سپاه بیرون آمدند و به کار دیگری پرداختند مثل آقای شریعتمداری، آقای محمدزاده؛ یا این که بازنشسته شدند و یا از دنیا رفتند. ولی کسی از آن دوره را الان به خاطر نمی‌آید.

هیات فکر کنم تنها کسی که در تشکیلات نظامی مانده آقای محمودزاده باشد که در ناجاست؟

خب ایشان در سپاه نیست و به یک معنا بازنشسته شده است.

هیات شاهد بودیم که منافقین تلاش زیادی کردند در سپاه نفوذ کنند و بعضاً یک درگیری هم در یادگان ولیعصر داشتند، شناسایی آنها و اساس تشکیل واحد اطلاعات سپاه که کشور تشکیلات اطلاعاتی نداشت، قوت و پا گرفتن آن در سالهای اول انقلاب چه تدبیر و سیاستی کار می‌کرد که این موفقیت‌ها حاصل می‌شد؟

در اساسنامه اولیه که برای سپاه نوشته شده بود یکی از اعضای شورای فرماندهی سپاه مسئول اطلاعات و پرسنل بود (آقای بشارتی) یکی دو ماه که گذشت احساس کردیم که هر دو کار مهم است و یک نفر نمی‌تواند، لذا با موافقت شورای فرماندهی سپاه قرار شد ما یک معاونت جدید درست کنیم که آقای محسن رضایی را حکم دادیم و ایشان مشغول شد و یک واحد اطلاعات

درست کردیم که آرام آرام این واحد یکی از شاخه‌های شورای فرماندهی شد و گسترش پیدا کرد، خدماتی که این واحد در سال‌های ۶۰ به بعد کرد فوق‌العاده است.

در جریان قضیه منافقین و توده‌ای‌ها، البته با همکاری واحد اطلاعاتی نخست وزیری با کمیته هم همکاری می‌شد. مجموعاً کار خیلی بزرگی شد و بعد هم اطلاعات جنگ که کار کامل خود سپاه بود.

هیات ستادی برای کار شکل گرفته بود که این هماهنگی‌ها را انجام بدهد یا این که جلسات مشترک در کشور داشتند؟

با هم یک ارتباط منظمی داشتند و بعضاً افراد رابط داشتند، مثلاً در سپاه یک نفر را داشتیم که در اداره برون مرزی بود تمام تحولات و اخبار و... را مبادله می‌کرد یا یک نفر را داشتیم در کمیته مرکزی که اطلاعات خوبی

از کمیته می‌آورد چون کمیته‌ها زیاد بودند، یا مثلاً با اطلاعات نخست وزیری خیلی همکاری داشتیم و الی آخر...

به هر حال ما در یکی دو سال رشد کردیم و این بخش خیلی رشد کرد و در سال ۶۰-۶۱ واحد اطلاعاتی صورت گرفت

و ضربات سنگینی به گروه‌های ضد انقلابی وارد شد که خودشان هم باور نمی‌کردند البته باز هم می‌گویم که فقط اطلاعات سپاه نبود آنها هم بودند کار کردند، همکاری کردند.

هیات حضور گشت‌نارا... ایده چه کسی بود؟

دقیقاً به خاطر نیست ولی فکر می‌کنم که این ایده از شهربانی بود چون یک گشت آگاهی داشت برای ردیابی دزدها و...

در واقع ما از آنها ایده گرفتیم و گشت‌ناراله بیشتر برای مقابله با زنان خیابانی، برای بدام انداختن دزدها و کمک به آگاهی شهربانی بود، اما اصل گشت‌نارا... نامحسوس بود برای همین می‌توانستیم ضربه‌های سنگینی به منافقین بزنیم. مثلاً ما یکی از منافقین را می‌گرفتیم در ماشین می‌گذاشتیم و بعد در خیابان‌ها راه می‌افتادیم

و اون هر کسی را که می‌شناخت به ما نشان می‌داد و ما آن فرد را می‌گرفتیم.

هیات یک جمله شهید محلاتی (ره) که از امام نقل کردند این بود که: سپاه صدر صد نظامی، صدر صد فرهنگی. این جنبه‌های فرهنگی و نظامی چه طور با هم تفکیک می‌شود یعنی شما در حوزه فرهنگی چه می‌کردید که تأثیرات خودش را در جامعه بگذارد؟ این یک مأموریت کاملاً فرهنگی بود، تلفیقش با کار نظامی چگونه بود؟

در اساسنامه سپاه اتفاقاً تصریح شده بود که سپاه یک نیروی مکتبی است و بنابراین در یک اقدام به یک شکل خاص منحصر نمی‌شود. حتی گفته شده بود اگر یک روزی لازم باشد ما به دستگاه‌های مختلف مملکت هر کمکی لازم باشد انجام می‌دهیم، مثلاً اگر زلزله شد و مملکت به هم خورد نیروهای سپاه برای کمک می‌روند که نگویند ما فقط نیروی مسلح هستیم و کاری

به این نداریم که مردم زیر آوار ماندند! به همین دلیل از ابتدا تا الان سپاه در تمام زمینه‌ها اگر لازم باشد کاری انجام بدهد می‌دهد. اما در عین حال ما مهم ترین نقش خودمان را برای بلند مدت روی کار فرهنگی آموزشی داشتیم که حتی از

نظامی مهم تر بود، برای این که می‌گفتیم آن چیزی که اساس نظام را در دراز مدت حفظ می‌کند قدرت فرهنگی است، اگر چه ما متأسفانه در این قضیه نتوانستیم اون حرفی که اول زدیم را پیاده کنیم

هیات حالا به هر دلیلی که بود، دولت نگذاشت، هماهنگ نبود، ما خودمان کیفیت لازم را نداشتیم، جنگ، منافقین، بنی صدر اینها در واقع نگذاشت، توطئه بنی صدر توطئه کوچکی نبود.

مثلاً در حال حاضر قضیه مواد مخدر، بالاخره مملکت را گرفتار کرده است، یا فرض بفرمایید این مناطق محروم که باید ساخته شود آمدیم بسیج سازندگی درست کردیم. اینها در مجموع نگذاشت سپاه نقش اصلی خودشان را در بخش فرهنگی انجام بدهد. با وجود این به شما بگویم



من گفتم باینه صدر کارنامه کنم چرا که من اورا خائن می دانستم



که سپاه در کار فرهنگی کارهای بزرگی انجام داده است. زمانی در کشور ما از پوستر و کتاب و پلاکارد خبری نبود یعنی هیچ دستگاهی این کار را انجام نمی داد، اما ما انجام دادیم، برنامه رادیویی و تلویزیونی پاسدار داشتیم، مجله پیام انقلاب، نهال انقلاب، امید انقلاب همه ی اینها برای سپاه بود و اولین نشریاتی بود که بعد از انقلاب آمدند. شما اگر بروید و تاریخ خدمات دفتر سیاسی سپاه را ببینید قطعاً براتون جالب خواهد بود (اون جزوات اون موضع گیری ها اون جلسات و...) ما فرماندهان سپاه را می خواستیم برای آنها ۶ تا ۱۰ ساعت جلسه می گذاشتیم صحبت می کردیم، یکی راجع به منافقین، یکی راجع به ملی گرایان، یکی راجع به گروه های چپ، خیلی قشنگ فرماندهان را توجیه می کردند و بعد آنها به شهرستان ها می رفتند و خودشان کار می کردند، این موضوع خیلی مهم بود.

هیأت در باره تشکیلات بسیج بعد از فرمایشات حضرت امام (ره) و نحوه شکل گیری و تشکیل آن توضیح بفرمائید.
عرض کنم که اواخر آبان ۵۸ یک روز بند و داوودی شمسی (اداره مالی سپاه) و

شهید کلاهدوز با هم طبق قراری قبلی که با امام داشتیم رفتیم قم که گزارشی از وضع سپاه بدهیم در راه که می رفتیم صحبت کردیم که، باید ترتیبی بدهیم که در مملکت هر مسجد و محله، خودش مرکز اون محله بشود، یعنی امنیت هر محله و آبادی هر مسجدی بتواند به عهده بگیرد اگه این طوری بشه ما از نظر امنیتی و حتی از لحاظ خدمات مردم محروم و از نظر آبادیش وضعمون خیلی بهتر می شود.

آمدیم و در هر مسجدی یک گروه ۲۲ نفره تشکیل دادیم (با الهام از ۲۲ بهمن)، که یک نفر فرمانده گروه باشد و نفر دوم جانشین او، ۲ تا گروه ۱۰ نفره، یک روز این گروه ۱۰ نفره آماده باشه روز دیگه گروه دیگر و این امنیت محله بود، رفتیم و این ایده را با امام مطرح کردیم، امام فرمودند فکر خوبست بروید بررسی کنید و اجرا

کنید. قریب به این مضمون، همین صحبت ما با امام شد که یک هفته بعد از ما اون افراد رفتند نزد امام و امام گفت بروید بسیج ۲۰ میلیونی درست کنید. لذا ما همان جا شروع کردیم.

به این ۳ نفر گفتیم بنشینید و بسیج را تشکیل دهید (هسته اولیه) کجا؟ سازمان دفاع ملی، آنجا مستقر شدیم، آنجا هم یک رئیس داشت که بنی صدر گذاشته بود روحانی بود آدم خاصی بود، به هر حال ما بسیج را به هر قیمتی بود راه انداختیم و اسم آن را هم گذاشتیم بسیج مستضعفین و بالاخره در سال ۵۹ ما با مجلس همکاری کردیم و مجلس یک مصوبه داد که بسیج به سپاه ملحق شود، که بنی صدر داد و بیداد کرد اما فایده ای نداشت چون شورای نگهبان تصویب کرد و این پا گرفت و سریع در همه کشور بسیج تشکیل شد و بعد از آن شاخه های بسیج شکل گرفت البته شروع جنگ و ادامه آن در گسترش بسیج خیلی نقش داشت، خوب ایده اولیه تشکیل بسیج ۵ آذر سال ۵۸ بود.

هیأت علت ناراحتی آقای لاهوتی چه بود؟

خیلی بحث مفصلی دارد که ما را به غیبت می کشاند، در کتابمان (تاریخ شفاهی سپاه پاسداران) نوشتیم، البته زیر چاپ است.

هیأت نیازمند های سپاه خصوصاً نیازمند های تسلیحاتی در اوایل چگونه تامین می شد؟

ابتدای تاسیس سپاه معمولاً مردم سلاح هایی که داشتند را می آوردند و به ما می دادند یک مقداری هم از کمیته های گرفتیم بعد که رسماً از شورای انقلاب حکم گرفتیم و من هم عضو شورای امنیت ملی شدم ما نیاز های تسلیحاتی را مطرح می کردیم که اولش طفره می رفتند ولی بعداً دستور دادند به ما بدهند و گاهی هم از ما پول می گرفتند.

هیأت شخص خاصی می داد؟ وزارت دفاع می داد؟

نخست وزیر نامه به ستاد ارتش می داد که این مقدار به سپاه بدهند که آنها هم یا می دادند یا می گفتند پولش رو بدهید. ولی از سال ۶۰ آقای رفیق دوست شروع کرد در مقیاس های کلان به خرید و داستان چیز دیگری شد تا آنجا که ما گاهی به ارتش سلاح می دادیم.

هیأت روز اولی که سپاه داشت تشکیل می شد تصور این را داشتید که ۳۵ سال بعد سپاه به این عظمت بشود حتی آقای هاشمی گفته از دولت قوی تره و دولت در برابر سپاه عددی نیست، آیا همچین تصویری داشتید تا جایی که الان افرادی از اجزای کوچکش وزیر و کاندید ریاست جمهوری و رئیس مجلس و... بشود؟

نه تنها در مورد سپاه بلکه در هیچ مسئله ای ما نمی توانستیم چنین تصویری داشته باشیم حالا در مورد جمهوری اسلامی فکر می کردیم که بعد از ۳۴ سال این بشه اما در مورد سپاه نه. ولی مطمئن بودیم که در برخورد با این گروهک ها و آدم های یاغی موفقیم اما این که در جنگ بیایم جلو و در بحث های فرهنگی و اقتصادی تأثیر گذار باشیم، نه همچین تصویری نداشتیم. اگر رفتاری های سپاه کمتر بود و یک مقداری می توانست در زمینه فرهنگی سرمایه گذاری کند امروز وضع کشور بهتر از این بود این طور نبود که رهبر معظم انقلاب بگویند من از وضع فرهنگی کشور نگرانم.

هیأت در حال حاضر شما اولویت اول سپاه را کار فرهنگی می دانید؟

عرض می کنم که به یک معنا جوهره اصلی دفاع از انقلاب همه ابعاده ولی بعد فرهنگی بر روی تمام آثار و جنبه های مملکت اثر می گذارد، اگر وجدان کاری آدمها اصلاح شود تمام مسائل مملکت تحت شعاع قرار می گیرد، اگر قانون گرایي حاکم نشود اگر اعتقاد به خدا و قیامت در آدم ها درست شد در پی آن در تمام کارهای مملکت اثر می گذارد، روی امنیت روی اقتصاد، سیاست و فرهنگ.

هیأت با تشکر فراوان از وقت و فرصتی که در اختیار ما قرار دادید.



گشت قاراله بیشتر برای مقابله با زنان خیابانی، برای بدام انداختن دزد ها و کمک به آگاه شهربان بود، اما اصل گشت قاراله... نامحسوس بود



استفتائات

تهیه و تنظیم: حجت الاسلام والمسلمین اسماعیل سعادت نژاد

احکام فقهی نذر در فتاوی مقام معظم رهبری - مدظله العالی
بر گرفته از رساله آموزش معظم له جلد ۲

۳- باید متعلق نذر مقدور ناذر باشد و مشقت فراوان یا ضرر قابل توجه نداشته باشد، مثلاً کسی که روزه برایش ضرر دارد، نمی تواند نذر کند که روزه بگیرد یا کسی که توان راه رفتن ندارد، نمی تواند نذر کند که با پای پیاده به کربلا برود.

نکته

ترجیح داشتن و عاجز نبودن هنگام فرارسیدن وقت عمل نذر نیز ملاک است. لذا اگر وقت عمل، متعلق نذر رجحان نداشت یا ناذر، عاجز از انجام آن بود یا برای او مشقت فراوان داشت، عمل به نذر واجب نیست.

۴- شخص نذر کننده باید بالغ، عاقل، دارای اختیار و دارای قصد باشد و همچنین اگر در مورد مال خود نذر کرده، محجور (مثل سفیه یا مفلس) نباشد.

نکته

انسان سفیه حتی وقتی چیزی را نذر به عهده و ذمه بگیرد که جنبه مالی داشته باشد، اگر چه از عین اموال حال حاضر او نباشد، نذرش باطل است. اما شخص مفلس اگر چیزی را که جنبه مالی دارد، به عهده و ذمه بگیرد، ولی در مورد عین یکی از اموال حال حاضرش نذر نکرده، ایرادی ندارد و نذر منعقد است.

۵- اگر زن به همراه شوهرش باشد، نذر زن بدون اذن شوهر، اگر چه در مورد اموال زن باشد، باطل است.

مسئله

۱- اگر ابتدا شوهر اذن دهد و پس از نذر، مانع شود، نذر واجب الوفاء است.

۲- معنای لزوم اذن شوهر آن نیست که زن در اموال خودش اجازه تصرف ندارد. بلکه بدین معناست که نذر از واجب الوفاء نیست.

تعریف نذر: ملتزم دانستن خود به اینکه عملی را برای خدا به نحو مخصوص انجام دهیم.

شرایط انعقاد نذر:

۱- صیغه نذر: در انعقاد نذر، صرف نیت کافی نیست و ذکر صیغه لازم است، گرچه لازم نیست صیغه به عربی باشد، مثال: «لله علیّ ان اصلی صلاه اللیل»، «برای خدا بر من است که نماز شب بخوانم» یا «لله علیّ ان اترك الغیبه»، «برای خدا بر من است که غیبت نکنم».

مسئله

منعقد شدن نذر با جملات زیر محل اشکال است:
«نذرت لله ان اصوم»، «نذر کردم برای خدا اینکه روزه بگیرم».

«لله علیّ نذر صوم یوم»، «برای خداوند بر من است نذر یک روز روزه».

لذا بنا بر احتیاط، باید به نذر عمل شود و با ترک آن، بنا بر احتیاط، کفارہ تعلق می گیرد.

۲- متعلق نذر (آنچه در نذر بیان شده انجام یا ترک آن) باید رجحان داشته باشد، چه واجب باشد و چه مستحب (از نظر انجام آن) و چه مکروه (از نظر ترک آن)، مانند اینکه نذر کند روزه بگیرد یا زیارت برود یا نذر کند غیبت را ترک کند یا سیگار نکشد.

بنا بر این در صورتی که متعلق نذر، امر مر جوحی باشد، نذر صحیح نیست، مانند اینکه نذر کند سیگار بکشد یا غیبت کند. اما اگر متعلق نذر امر مباحی باشد، در صورتی که جهت رجحانی در آن مد نظر باشد، نذر منعقد می شود، مانند اینکه نذر کند غذا بخورد تا توانایی بر اطاعت خدا داشته باشد. اما اگر هیچ رجحانی نداشته باشد، نذر منعقد نمی شود.

چگونگی مطالبه گری مردم از اقتصاد مقاومتی

اعمال تحریم های یک جانبه و محدودیت های مالی و تجاری همواره یکی از ابزارهای غیر قانونی نظام سلطه برای وارد آوردن فشار به نظام جمهوری اسلامی ایران در طول سی و دو سال گذشته بوده و مرتباً بر حجم این تحریم ها افزوده است. این وضعیت با اجرای تحریم هوشمند از سوی نظام سلطه به اوج خودش رسید. در مقابل اتخاذ چنین رویکردی از سوی غرب، مقام معظم رهبری بحث اقتصاد مقاومتی را دو سال پیش مطرح و آن را به عنوان یک روش مهم در تغییر مسیر حرکت اقتصادی کشور عنوان کردند. به عبارتی نظام سلطه بعد از ناامیدی هایی که در فضای تخصص با محوریت نظامی دید، در حوزه اقتصاد به طمع افتاد. در همین راستا اقداماتی را به صورت پازل وار برای تحت تاثیر قرار دادن محیط اقتصادی با هدف هایی که منجر به تضعیف نظام و فشار روی آحاد مردم باشد در دستور کار قرار داده است تا با این روش پازل خود را کامل کند. ابلاغیه ۲۴ محوری مقام معظم رهبری برای اجرای اقتصاد مقاومتی سبب گردید یک بار دیگر این راهبرد به موضوع محوری اقتصاد مطرح گردد. با اینکه موارد اعلامی ابلاغیه کاملاً شفاف و روشن است اما یک سوالی در این میان قابل طرح است و آن اینکه راهبرد اقتصاد مقاومتی به عنوان مطالبه عمومی در بیاید چه اقداماتی باید صورت گیرد؟ به نظر می رسد برای عملیاتی کردن در سطوح مختلف باید یک سری اقداماتی انجام گیرد که به صورت فهرست وار به آنها اشاره می گردد.

■ علی قاسمی

کاهش دهد و میزان تولید و بهره وری را افزایش دهد. پس بر رسانه ها، خبرگزاری ها و سایت های خبری و تحلیلی و روزنامه ها تکلیف است که مردم و مسئولین را در این زمینه آگاه کنند.

۲- ایجاد گفتمان رایج؛ حضرت آیت الله خامنه ای فرهنگ سازی و ایجاد گفتمان رایج و فراگیر را برای اجرای سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی ضروری می دانند و خاطر نشان کردند « باید محورهای اصلی این سیاستها با استدلال

۱- برجسته شدن نقش رسانه ها؛ برای تحقق اقتصاد مقاومتی، رسانه باید خود را موظف بداند تا مردم را در جریان امور قرار دهد پس نقش فعال رسانه ها را هرگز نباید نادیده گرفت. رسانه می تواند مطالبات واقعی را به رخ مسئولان و دست اندر کاران مسائل مهم اقتصادی بکشانند تا مشارکتی معنادار در تحقق اقتصاد مقاومتی ایجاد شود؛ اقتصادی که می تواند زمینه پویایی جامعه را فراهم کند، ایجاد اشتغال کند، نرخ بیکاری را



این مسائل ارزش است.

در اقتصاد مقاومتی یعنی

اینکه شما تلاش کنید

اهداف اقتصادی تان را به دست

آورید و آن‌ها را حفظ کنید اما برای دستیابی

به این آرمان‌های اقتصادی ذره‌ای از ارزش‌ها خود

کوتاه‌نمایی

۴- تداوم و استمرار گفت‌وگو: در پی ابلاغ

سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، رهبر معظم انقلاب

اسلامی، جلسه‌ای که با حضور سران قوا، چگونگی

راه‌های اجرا و تحقق این سیاست‌ها را مورد بررسی

قرار دادند. در بخشی از سخنان معظم له آمده است:

«با ابلاغ این سیاست‌ها، مردم اکنون منتظر اجرای

آنها و تأثیرات مثبت ناشی از اجرای سیاست‌های کلی

اقتصاد مقاومتی هستند، بنابراین دولت، مجلس و قوه

قضائیه باید بطور جدی وارد میدان شوند و وظایف

مربوط به خود را، در هر بخش، پیگیری و اجرا کنند.

باید روند اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی،

بصورت یک حرکت مستمر و متوقف‌نشده، تا

رسیدن به نتیجه، ادامه یابد.» وقتی این راهبرد به

صورت مستمر تداوم داشته باشد آن موقع انتظارات

و مطالبات هم افزایش می‌یابد و پیگیری‌ها بیشتر

خواهد شد.

۵- مشارکت مردم: اقتصاد مقاومتی همواره

باید با حضور اقتصادی مردم همراه و همگام

باشد وقتی عزم عمومی و ملی بر توجه به اقتصاد

مقاومتی متمرکز گردد، تمام احاد مردم در این

زمینه احساس تکلیف و مسئولیت می‌کنند و

به نوعی مطالبه‌گری مردم در این صورت بیشتر

می‌شود. کشور در طول ۳۵ سال گذشته به ویژه

در پیروزی انقلاب اسلامی و ۸ سال دفاع مقدس

از حضور و مشارکت مردم نتایج و ثمرات فراوانی

صحيح و منطقی برای مردم بیان شوند تا به تدریج

در بخش‌های مختلف جامعه رسوخ پیدا کند و به

یک مطالبه عمومی تبدیل شود.» گفت‌وگو سازی

در خصوص اقتصاد مقاومتی و تبدیل آن به یک

گفت‌وگو عمومی، بسیاری از مشکلات را بر طرف

و کارها را تسهیل خواهد کرد. همچنین رهبر

معظم انقلاب دو سال قبل در جمع تعدادی از

دانشگاهیان فرمودند: «من بحث اقتصاد مقاومتی

را مطرح می‌کنم اساتید دانشگاه، دانشجویان و

اقتصاددان‌ها روی آکادمیک کردن این مبحث

کار کنند» در رابطه با مراحل گفت‌وگو سازی

این مبحث باید گفت، ابتدا ما باید این اصطلاح

را به خوبی بفهمیم، سپس زاوایای مختلف آن را

درست درک کنیم، در ادامه ضرورتش را بشناسیم

و نهایتاً، این مفاهیم را به لایه‌های بعدی که بعضاً

گفت‌وگو هستند، منتقل کنیم. با چنین تدبیری

راهبرد اقتصاد مقاومتی باید به قدری در جامعه در

سطوح مختلف بازگو شود تا به یک مطالبه عمومی

تبدیل شوند به گونه‌ای که هر فرد در جامعه بفهمد

در کجای این پازل قرار دارد و سهمش چیست اما

این موضوع به قدری مهم است که جز با مطالبه

عمومی میسر نمی‌شود.

۳- کوتاه‌نمایدن از آرمان‌ها: برای تحقق

اقتصاد مقاومتی اگر چه باید تمام تلاش‌ها صورت

گیرد اما این گونه نباشد که از برخی آرمان‌ها کوتاه

عدول کنیم چون رفاه اقتصادی، رشد اقتصادی

بالا، درآمد سرانه بالا، تورم پایین و... معمولاً بین

همه ملت‌ها مشترک است اما اهداف و آرمان‌های

سیاسی بسته به اعتقادات ملت‌ها با هم متفاوت

است. معمولاً همه ملت‌ها استقلال برایشان یک

ارزش محسوب می‌شود لذا در کشوری مثل ایران

دین‌دار بودن جامعه، صالح بودن حاکمان و امثال

بدرست آورده است و

در بخش اقتصاد نیز قطعاً هدایت سرمایه

های کوچک مردم در مسیر اقتصاد عمومی بسیار

راهگشا و موثر خواهد بود. رهبر انقلاب اسلامی در

همین رابطه تأکید دارند «با استفاده از ظرفیتهای

مردمی، می‌توان کارهایی را انجام داد که شاید از

عهده چند وزارتخانه هم بر نیاید.» ایجاد اعتقاد

برای ایفای نقش مردم در مبارزه اقتصادی،

ممانعت از شکل‌گیری انحصارات، تقویت بدنه

مردمی نظارت، شکوفایی ظرفیتهای خلاقانه

و تنوع راهکارهای مقابله با تحریم و تقویت

مردم‌سالاری دینی از برکات حضور حداکثری

مردم در اقتصاد خواهد بود.

۶- مطالبه‌گری اقتصاد مقاومتی حتی بعد از

گشایش خارجی: ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد

مقاومتی از سوی رهبر معظم انقلاب نشان داد

بر خلاف تصور برخی، هم‌زمان با گشایش بیشتر

در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران و افزایش

تمایل کشورهای مختلف بویژه جهان صنعتی و نیز

شرکت‌های بزرگ چندملیتی برای تعامل بیشتر با

اقتصاد ایران، جایگاه اقتصاد دوچندان شده است.

شاید تصور اشتباه از مفهوم اقتصاد مقاومتی باعث

شده است تا ذهنیت کمرنگ شدن اقتصاد مقاومتی

هم‌زمان با توسعه روابط خارجی در برخی ایجاد شود.

در پایان ذکر این نکته ضروری است آنچه مردم از

مسئولین انتظار دارند و مطالبه اصلی آنهاست تنها

به تقدیر و حرف در این زمینه بپردازند و با تمام توان و

ظرفیت و به‌طور جدی این سیاست‌ها را دنبال کنند.



مصاحبه با حاج عباس دلجو مداح و ذاکر اهل بیت (ع)

مداحان گل‌های گلستان سیدالشهدایند

عباس و بجویی (دلجو) از طلاب و محققین بسیجی، نویسنده و دارای تألیفات قابل توجهی است. ایشان از کودکی و نوجوانی به برکت تربیت پدری ولایی و عالم دوست و بنیانگذار چندین جلسات و مراکز مذهبی و به برکت انس و الفت با استادان و علماء برجسته افتخار بهره‌مندی فراوان و شاگردی بزرگان بسیاری را دارد. وی پس از سالها تلمذ در محضر علماء و استادان گوناگون افتخار داوری علمی و تدریس در سازمان بسیج مداحان و هیأت‌رزمندگان اسلام را دارد، از سال ۱۳۷۰ تا کنون موفق به تعلیم و تربیت صدها شاگرد در زمینه مدح و مرثیه‌سرایی و ادبیات آئینی و مقتل‌شناسی و مقتل خوانی و معارف اهل بیت (علیهم السلام) در سطح کشور می‌باشد. با ایشان در زمینه هنر مداحی به گفتگو نشستیم.

چییست؟ فرمود: (قال طیب الولاده) پاکي مولد و حلال‌زادگی.

بنابراین تاریخ زندگی ما گواهی میدهد از روزی که زبان باز کردیم در ذکر غرق شدیم چون دانه مداحی ما را در زمین قابل و زارعین عاشق کاشتند و این موهبت نصیب ما گردید که از زمانی که خود را شناختیم با آن ذوات مقدسه شناختیم.

آیات چه کسی الگوی شما در مداحی بود؟

اگر منظور این است از چه کسی یا کسانی تقلید کردیم بهتر است بگوییم خوشه چین خرمن اقبال بزرگان بودم به هر باغی رسیدم بوی خوش صاحب نفسی را استشمام می‌کردم در مقابل او گدایی می‌کردم. در مداحی شاگردی نداریم اگر به صاحب کرامتی رسیدید دیدید به او از غیب و تحت‌العرش چیزی کرم شده باید گدایی کنید، این فرمانی بود که مرحوم میرزا اسماعیل دولابی به عاشقان می‌آموخت ما هم در محله ایشان بانفاس قدیسه

امام صادق (ع) فرمودند:

إن حبنا - أهل البيت - ينزله الله من السماء من خزائن تحت العرش كخزائن الذهب والفضة ولا ينزله إلا بقدر ولا يعطيه إلا خیر الخلق وإن له غمامة كغمامة القطر، فإذا أراد الله أن یخص به من أحب من خلقه أذن لتلك الغمامة فتَهطلت كما تهطلت السحاب

حضرت فرمودند: محبت ما را خدا از خانه‌هایی که زیر عرش اوست نازل می‌کند و به اندازه معین نازل می‌کند و به بهترین بندگان آن را می‌بخشد این محبت همانند ابری باران زاست هر گاه خدا بخواهد فرمان میدهد و نازل می‌کند تا جایی که به جنین داخل شکم مادر هم میدهد. در تکمیل این حدیث نورانی روایتی دیگر در امالی شیخ طوسی و کشف الغمّه آمده است که حضرت امیر (ع) به ابوذر فرمود پیامبر فرموده است:

ای اباذر هر کس ما را دوست دارد خدایا شکر کند بر اولین نعمت او، ابوذر پرسید اولین نعمت

آیات چه طور شد که سراغ مداحی رفتید و

از کی و در کجا شروع به مداحی کردید؟

به قول خواجه حافظ شیرازی:

در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد
عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد
آنهایی که به سراغ مداحی می‌روند فرق دارند با آنان که مداحی به سراغ آنها رفته. مداحی بارقه ایست رحمانی که از عهد و روز الست نشأت می‌گیرد و موهبتی است و باقی عوامل و سبب و مسببات و علل و معلول آن در تکمیل مداحی به سراغ شخص می‌آید. گندم از گندم بروید جوز جو، یعنی دانه حیاتی و نباتی اولیه باید همان باشد که بعد از آن در شرایط مستعد قرار می‌گیرد همان بروید. روایتی در این باره از مرحوم استادم آیت‌الله مروج خراسانی رضوان الله تعالی علیه آموختم که در تحف العقول و بحار الانوار آمده و در این باره از غریب است اگر کسی این روایت را نپذیرد سخنان اولیه ما را در پیرامون آن می‌پذیرد.



ما احتیاج داریم که جوان ما امروز افتخار کند به اینکه متعلق به ایران اسلامی است؛ افتخار کند به وجود امام؛ افتخار کند به جمهوری اسلامی؛ افتخار کند به دین خود و به مذهب خود و به پیروی اهل بیت. ۱۳۹۰/۳/۳

بنده نظراتم را راجع به دانشگاهی شدن مداحی را مفصل داده‌ام. در نشریه بنیاد دعبیل شماره ۱۴ که اسفند ماه ۹۲ چاپ شده مصاحبه تخصصی ام را مطالعه فرمائید. در پایان سؤال قبلی هم به نظرم اشاره نمودم و امیدوارم این نشریه ها و مصاحبات را به سمع و نظر مبارک مقام معظم ولایت حضرت امام خامنه‌ای برسد بلکه آقا نظر نهایی مرحمت فرمایند و مداحی سرو سامانی بیابد. تا یار چه خواهد و میلش به چه باشد و پسندیم آنچه را جانان پسندند و به نظر نهایی در این باره از معظم له سر تعظیم فرود می آوریم، و گوش به فرمانیم.

هیأت سبکهای مداحی موجود آیا برای مداحی کافیسست؟ نو آوری در سبکهای مداحی چه جایگاهی دارد و چه نکاتی در سبک های مداحی باید رعایت شود؟

سبک یعنی گذاختن فلز و به قالب ریختن فلز گذاخته و در ادبیات کلمات را به طرز نیکو تلفیق کردن و آراستن و در معنی ریختن و طرز روش هم معنا شده است. در شعر و شاعری روش یا شیوه خاص که شاعر و نویسنده برای بیان مطالب و افکار خود اختیار می کند. و خلاصه اینکه سبک در هر علم و هنری تفاوت دارد اول باید تعریض جامع و قطعی از مداحی پیدا شود بعد راجع به سبک آن صحبت کرد. تعریف کنونی از سبک یعنی تقلید از دیگران یعنی تقلید از سبکهایی که به ذائقه عمومی خوش بیاید اما وقتی سبک را به واقع بخواهیم تعریف کنیم باید مداحی را جزء به جزء برایش سبک ها تعیین کرد سبک در آهنگ و نواها، سبک در انتخاب شعر و ادبیات، سبک در شیوه اجرا و همانند اینها. نتیجه اینکه سبکهای فعلی بر اساس فنی و شناخته شده و استاندارد مداحی نیست. ذوقی و سلیقه ای است هنوز تعیین شده و ثابت شده نیست که معیار بشود و مثل سبک های ادبی بخواهیم ثابت و معیار قرار دهیم.

هیأت جایگاه شعر در مداحی کجاست؟ شعر خوب در مداحی چه عناصری باید داشته باشد؟

شود طبق روایات از آثار و لوازم محبت اهل بیت (ع) است در هر مرحله ای نامی می گیرد. وقتی شروع می شود عشق است و ذوق فطری و آسمانی، وقتی با فهم و درک آمیخته می شود علم به سراغش می آید وقتی پخته می شود و می خواهد تکمیل شود با هنر تکمیل شود. اینکه کسی تعریف قطعی و جامعی از مداحی و مرثیه خوانی داشته باشد چنین نیست در سخنان مقام معظم ولی فقیه این مراحل را در مداحی می بینیم وقتی می خواهند مداحی را در قالب محبت و ولایت توصیف کنند با عبارات ذوق و عشق معرفی می کنند وقتی می خواهند به مداحان توصیه کنند که درک و درایت را در مداحی به کار گیرند. تشویق به علم و آموزش می کنند وقتی می خواهند اشاعه فرهنگ اهل بیت (ع) را توصیف کنند برهنه و هنرمندی می پردازند هیأت علمی می خواهد که راجع به فرمایشات حضرت آقا بپردازند و تبیین کنند.

هیأت کلاسهای مداحی که الان تشکیل می شود چگونه است؟ نقاط ضعف و قوتش چیست؟

قبل از کلاس مداحی نیاز به مرکز تربیت مدرس است و قبل از تربیت مدرس در مداحی نیاز به حوزه علمی است که منابع و شیوه ها و موضوعات را در مداحی استاندارد شده تعریف و تبیین کند. فعلاً بازار عشق است هر کس دوست دارد مثل هر مداح دلخواهش مداحی کند می رود پای آن مداح تا مثل آن شود الان کلاسها ذوقی و انتخابی است هر کس به سلیقه و علاقه خود مینگرد و کسی را انتخاب می کند همه اینها خوبند این بازار عشق باید همچنان با رونق باشد تا حوزه های علمیه برایش آغاز و آغوش باز کنند شاید بپرسید مگر می خواهیم طلبه تربیت کنیم خواهیم گفت آری می خواهیم مرثیه خوان و مداح عالم و عالم مرثیه خوان تعلیم شود این راه چاره است. آنکه دنبال راههای دیگری می روند یک روز به این نتیجه خواهند رسید منتهی آن روز یا خیلی دیر شده یا خیلی مداحی آسیب دیده خواهد بود.

هیأت آیا لزومی دارد رشته ای در دانشگاه داشته باشیم که آکادمیک مداح تربیت کند؟

مجالس این بزرگان مأنوس بودیم تا جرعه ای به کام تشنه برسائیم. ولی بهترین گوهایی که نصیبم شد از مداحی و مراثی عالمانه حضرات علما بود که بیشتر استادانم اهل علم بودند و عالمانه مرثیه خواندن عادت ما شد و به همگانم توصیه می کنم ببینید اهل علم و فقها و آنان که غرق قال الصادق قال الباقر (ع) وقتی دهان به روضه باز می کنند از کجا و چگونه و با چه شیوه این رسالت را ابلاغ می کنند. علمایی که صاحب نفس و نوای گرم و حرارت حسینی هستند فراوانند. الحمدلله رب العالمین

هیأت مداح محبوب شما کیست و اگر بخواهید مداحی کس دیگری را گوش دهید سراغ که می روید؟

همه مداحان محبوبند همه گلهای گلستان سیدالشهدایند. ولی با نوای گرم و عالمانه حجت الاسلام مصطفوی ماهینی حفظت الله و نوای گرم حجت الاسلام سیفی اردبیلی در مراثی و در دعا و مناجات انصافا با نوای گرم و عرشی استاد حاج منصور ارضی محفوظ و حال و هوایی دارم. در موارد خاصی فقط پای روضه استاد حاج علی انسانی عواطفم را تأمین می کنم. البته زمانی استاد سازگار وقتی حال روضه داشت هر فرصتی بود سعی می کردم پای روضه او نیز باشم الان که دیگر خیلی کم این توفیق نصیب می شود. اگر حمل بر خودستایی نشود قضاوت را به سؤال کننده می سپارم و می پرسم آیا کسی که سالها مطالعه و در علوم مختلفه غور می کند می تواند بدون دغدغه و با اطمینان خاطر از هر حیثی پای هر روضه ای بنشیند مگر اهل علم نباشد. به هر چه شنید و به هر سلیقه و علاقه و گزینش مطلب و شعری بگریید. فلذا خاصیت علم پیدایش دقت است به همین اندازه کمی که در ساحل علوم تلطی می کنیم حق بدهید که حساسیت هم داشته باشیم و دور از انصاف است اگر نگوییم که با خیلی از مرثیه خوانان در مواقعی حال خوشی داریم.

هیأت مداحی علم است یا هنر؟ یعنی یک استعداد خدادادی است یا اینکه هر کسی می تواند با تمرین مداح حرفه ای شود یا هر دو؟

در پاسخ سؤال اول کامل بیان نمودم که اهل دقت بروشنی در می یابند مداحی روزی که شروع می

عقاید حقیر راجع به ادبیات و شعر مداحی را آقای غلامحسین مردانی که فرزند عالم بزرگوار آقای حجت الاسلام خیرالله مردانی تألیف نمودند که مفصل نقد و بررسی نمودم تا اخلاق و عرفان عملی و تهذیب و تزکیه در شاعری که برای اهل بیت (ع) شعر می سرایید و می خواهید آن ذوات مقدسه را معرفی کند پیدا نشود صحیح نیست. پاكترین خلاق را معرفی کند. شاعری که یکدوره تفسیر و ترجمه قرآن را تعلیم ندیده، شاعری که یکدوره عقاید ناب شیعه را نیاموخته و عقاید ضاله و فرق شیعه را نمی تواند از هم تشخیص و تمیز دهد و به قول مرحوم آیت الله شیخ جواد خراسانی (رضوان الله تعالی علیه) تا شاعری به قرآن و علوم و عقاید اهل بیت (ع) مسلط نشود حق شعر گفتن را ندارد زیرا مروج عقاید صوفیه و عرفاء گمراه می شود کتاب جلوه ی حق حضرت آیت الله مکارم شیرازی، کتاب فضایح الصوفیه آیت الله علامه آل آقا، کتاب کشف الاشتباه مرحوم شیخ ذبیح الله محلاتی، کتاب خیراتیة آیت الله بهبهانی، کتاب تحقیق در تصوف آیت الله الهامی را بخواند که هر چیزی را به اهل بیت (ع) نسبت ندهد. بنابراین شعر اهل بیت (ع) نمی تواند صرفاً شعر آئینی باشد، نمی تواند صرفاً شعر هیأت باشد - که برخی معتقدند شعر هیأت ضعیف است - و صرفاً نمی تواند شعر مذهبی تلقی شود - بلکه باید تعریف جامع از شعر در مدح و مرثیه اهل بیت (ع) همان شعر ولایی و ولایت باشد که از تولی و تبری که در عقیده ناب شیعه و تأیید شده مراجع عظیم الشان است نشأت گرفته باشد. لذا تا معیار و اساس در جایگاه شعر مداحی از یک مأخذ قوی حکومتی تأیید و تنظیم نشود هر کس این کشتی عاطفه و احساس را به سمت و سوی هدایت خواهد کرد، باز هم به عقیده حقیر هیأت علمی قوی از ادبا و شعرا و مداحان شاعر و علماء مرثیه خوان تشکیل شود و نظرات جمع بندی شود و نظر نهایی را اعلام و در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شود. کار با همایش و انجمن و گفتگوهای غیر کارشناسی شده و ذوقی سر و سامان نمی گیرد.

هیات آیا احیای اشعار و سبکهای قدیمی مداحی را لازم می دانید؟ اگر آری، چه کارهایی باید برای آن انجام داد؟

ای کاش بگذارند مداحی به همان شیوه قدیمی و سنتی پیش برود مثال معروف اینکه آمدیم ابرو درست کنیم چشم را کور کردیم نشود. این همه شاعر و این همه کتاب شعر مذهبی را بررسی کنید ببینید چه چیزهایی ورد زبانهاست همان گویای حقیقت است. هنوز مردم می خوانند: من از کودکی عاشقت بوده ام - یا: گلی گم کرده ام می جویم او را. چرا اینها ورد زبان است. بنشینیم اینها را روان شناسی کنیم از لحاظ

جامعه شناسی مذهبی بررسی کنیم برویم درون و اعماق عاطفه ها و اخلاص ها ببینیم این شعرها چگونه از چه دلهایی از چه طبایعی خارج و صادر شده، آنجا را درست کنیم، قوی و ضعیف آن را از پیدا شدن آن پیدا کنیم. آن کسی که الهام فرموده شاعری مثل مرحوم کهنمویی که اکثر شعرهای او ورد زبانهاست و خیلی ها هم او را نمی شناسد. نه حفظیات و قیافه استادی می گرفته و نه انجمنی بوده. دلش سوخته به زبانش جاری کردند بگوید: امشب حرم آل عبا آب ندارد؛ خلاصه باید و نباید ها خیلی زیاد است.

هیات فاصله گرفتن از مداحی سنتی و سبک های قدیمی و حرکت به سوی سبکهای جدید چه ملزوماتی دارد؟

اینکه در سبک و سنت قدیمی بمانیم و در جایزیم عقیده باطلی است. و اینکه با هر روشی که به نام نوآوری بخواهیم قالب عوض کنیم خدای ناکرده قالب تهی می کنیم و نابود می کنیم. مداحی پاپ! مداحی موسیقیایی! مداحی با ساز و آلات موسیقی! مداحی محدود به قالب دستگاههای سنتی و مداحی که با ذائقه منحرف عمومی مطرب بخواهد پیش برود نرود بهتر است. اول مسیر و راه را مشخص کنیم بعد به سوی نوآوری در شیوه و راهکارها حرکت کنیم. افراط و تفریط را باید بشناسیم و روح این پیکره مقدس را آزرده نکنیم

این سئولات و پاسخهایش در قالب مصاحبه نمی گنجد زمان و هزینه می خواهد که عالمی مطالب را به شکل کتاب بنویسد. فعلاً به شکل گفتگو و گپ و گفت از ما بپزیرید اگر فنی تر بخواهید لازم است تألیف خاص در این باره شروع شود.

هیات چرا مادر سبکهای مولودی و مولودی خوانی ضعیف هستیم؟

ما از قدیم در مداحی چیزی به نام مولودی خوانی به شکل امروزه بزن و بکوب نداشتیم، حتی کف هم نمی زدند. در بهشت زهرا وقتی امام راحل در بدو ورود سخنرانی قاطع داشتند مردم در تأیید کف زدند فوراً علماء ممانعت کردند و تکبیر و صلوات را یاد دادند به قول روضه خوانها این علماء کجا بودند وقتی که اولین بار در مولودی خوانی کف زنی گرفتند و هیاهوی بزن و بکوب آغاز شد. دلها سوزد برای آن زمانی که مولودی خوانی ضربی و مطرب جای مدح خوانی و فضیلت و منقبت خوانی را گرفت و ذائقه عمومی هم آن را تشدید کرد. در روایات مدح و مرثیه از ما خواسته شده است. شعر مولودی و مدح یکی است باید با نشاط و شوق و ذوق خوانده شود. نماز وحشت را با وحشت نمی خوانیم بلکه نیت ما نماز و وحشت است. ما معنی آمیختگی نشاط و شادی را با آهنگ و کلام و شیوه اجرا باید درست درک کنیم نشاط و شادی در فرهنگ و محدوده شرعی و فرهنگ (یفرحون یفرحنا) باید درست معنا شود و اجرای آن هم باید کارشناسی شده ملودی های مولودی خوانی را بشناسیم.

هیات از چه نوع سبکهایی می شود هم در مولودی و هم عزای استفاده کرد؟

پاسخ به این سؤال را در پاسخ به سؤال قبلی بیان نمودیم اول باید بدانیم مولودی خوانی پدیده ای جدید است باید اصلاح کنیم مولودی و مدح خوانی را یکی بدانیم تا مشمول قواعد و ضوابط شرعی بشود. مولودی خوانی ها بهترین الگوی امروز است اگر بتوانیم بازگشت داشته باشیم که بعید میدانم با این الگو دهی های رسانه ای و جا افتادن، سبک نوینی بتوانیم به مولودی خوانی قدیم بازگشت داشته باشیم. البته در قدیم نمائیم با کارشناسی و راه شناسی و رعایت حدود شئونات و شرعیات سبکها و روشهای جدیدی را پیدا کنیم که به سمت موسیقی غنایی و مطرب پیش نرویم.



ما خفتگان در ساحل غرقه به طوفانیم و تو چه آرام، در پهنه بیکرانت،
حیرت‌مان را به نظاره نشسته‌ای. چه زیباست قاب عکس خالی‌ات بر دیوار
قلبمان. هنوز در صفحه صفحه تاریخ، تفسیر حدیث جاودانگی‌ات را
می‌نویسد و چه زیباست شعر دل‌تنگی‌ها مان.

هیات تاثیر مداحی برای اهل بیت (ع) را در زندگی خود چگونه می‌بینید؟

همان که مقام معظم رهبری فرمود: زندگی یک مداح باید غرق ولایت و شور و شوق تعالیم مکتب اهل بیت (ع) باشد. مداحی اگر خانواده ما را به تقوی و ارتقاء علمی و ولایی نرساند معلوم است مداحی واقعی نداشته‌ایم کارمند امام حسین (ع) بوده‌ایم نه نوکر و شاگرد اهل بیت (ع) خدا را شاکرم تمام زندگی‌ام و دار و ندارم صرف راه ولایت و در این مسیر است و شب و روز ما در این جلسات تعلیم و تربیت و مساجد و مطالعه دینی می‌گذرد امید است خداوند این نعمت را بر ما بیافزاید و به آرزومندان مرحمت کند.

هیات اگر از یک تا بیست برای مداحی رتبه بگذاریم خود را در چه رتبه‌ای می‌بینید و چه امتیازی به خود می‌دهید؟

هرگز جرات اینک خود را در زمره مداحان واقعی اهل بیت (ع) قلمداد کنم ندارم. سعی می‌کنم دست و پایم ز نام در کنار اسامی مقدمه اهل بیت (ع) و تشکیلات ولایت باقی بماند و برای این هدف و آرزو می‌کوشم و می‌جوشم این نوکری ما به تونگ است فخر نیست الا که نام نامی تو افتخار ماست

هیات چه توصیه‌ای برای علاقمندان به مداحی و مداحان تازه کار و همچنین هیأتی‌ها دارید؟

حدیث نفس می‌کنم اگر دوست داشتند بپذیرند با مداحی و هیأت کاسبی و کسب موقعیت دنیوی نکنیم با مداحی و جلسات نفس خود را از ضایع نکنیم قبل از اینکه مداحی کنیم اول به قرآن و احکام و عقاید و تاریخ اهل بیت (ع) مسلط و آگاه شویم اگر دیدیم همه کارهایمان درست شد و به شرط لقمه حلال و تقوی و تعلیم و تربیت صحیح به این مستحبی که هزاران واجب در آن احیاء می‌شود بپردازیم و خدای نا کرده مصداق این شعر نشویم. گرید دو چشم و سینه پر از کینه و غرور رفت آبروی گریه هم از گریه‌های ما

تعیین فاصله با الگوهای اسلامی کار یک مداح و شاعر نیست، کار کسی است که خط و خطوط و حدود غرور و محدودیتهای شرعی را کاملاً مسلط باشد و اینکه فاصله داریم یا تفاوت و یا اختلاف روش یا اختلاف و فاصله عقیدتی این مسأله بسیار مهمی است باید گروهی از علماء برجسته حوزه بنشینند این فاصله را اول بپذیرند یا نپذیرند بعد راجع به مقدار فاصله اش صحبت و کارشناسی شود و این بحث کلامی است و جای آن در قالب این گفتگوها نمی‌گنجد. به نظر حقیر با مطالعه کتابهای ارزنده شهید مطهری (ره)

و حضرت آیت الله جوادی آملی این الگوها و فاصله‌ها تبیین شده و مورد بررسی قرار گرفته است.



قبل از کلاس مداحی نیاز به

مرکز تربیت مدرس است
وقبل از تربیت مدرس در
مداحی نیاز به حوزه علمیه
است که منابع و شیوه‌ها
و موضوعات را در مداحی
استاندارد شده تعریف و
تبیین کند



هیات شهرت برای مداح چه آفتی می‌تواند داشته باشد و راه مقابله با این آفات چیست؟

در پاسخ به این سؤال باید کتاب نوشت. احادیث و روایات و فرامین‌ها که در رابطه با گریز از شهرت و اسباب و مقدمات شهرت آمده است همه گویای آن است که شهرت منطقه

خطر است. شهرت دو نوع داریم شهرت در عوام که مشخص است و شهرت در خوبان که ارزشی است. بقول خواجه حافظ می‌فرماید: در وفای عشق تو مشهور خوبانم چو شمع، یعنی مشهور خوبان شدن شرط است. شهرت یک وقت بر اثر مهارت و هنر و زرنگی و تبلیغات و دنیا طلبی است زمانی شهرت را خدا به کسی مرحمت می‌کند که بقول عرفا امتحان عظیمی است که خطرها دارد. اینکه هنر من، علم من، صدای من، شعر من، چهره من، زبان من، مرا شهره و ستاره کرده هر کدام جدا جدا باید مورد بحث باشد. اینکه به هر دلیل من نوعی لیاقت و ظرفیت مشهود شدن را داشته باشم یا کسی این ظرفیت و لیاقت را دیده باشد و کمک به شهرت کرده باشد. اینها همه مورد بحث است. شهرت خوب است که اگر منجر به خدمتی عظیم شود و اگر ما را به دنیا طلبی بکشاند آفت است. اگر اخلاق و تواضع ما را بیافزاید حسن است.

مداحی و مدح خوانی سر جای خود بماند. موسیقی و آواز هم با تصنیف‌ها و موسیقی جدید هم جای خود پیرایش شده باقی بماند تا اهلش با آنها در دنیا و آخرت محشور و مأنوس باشند هر کس هر کدام را انتخاب میکند به آفات و محاسن آن هم بپردازد و ببیند پیش که روزی تأسف نداشته باشد.

هیات به نظر شما آیا مداحان می‌توانند از تربیون مداحی برای مسائل سیاسی استفاده کنند؟ نحوه ورود مداحان به مسائل سیاسی چگونه باید باشد؟

ما اهل بیت (ع) را در زیارت جامعه (و ساسه العباد) می‌خوانیم اما به این معنا نیست که همه استعداد و علم و صلاحیت و قابلیت ورود بر مسائل سیاسی را داشته باشند. سیاست در مداحی دو قسمت است معنای اول اجرای امر به معروف و نهی از منکر که وظیفه همه ماست باید در مقابل منکرات و انحرافات فریاد بزیم، تذکر بدهیم که اینهم آموزش و شرایط شرعی و اجتماعی دارد. قسمت دوم سیاست آنچه که در عملکرد احزاب و خط و خطوطهای سیاسی می‌گذرد را رصد کنیم و هر کجا دیدیم به ولایت و دین و مقدسات می‌خواهند آسیبی برسانند روشنگری می‌کنیم و اگر لازم شد هیاهو کنیم. نفری به یکی از عزاداران عراق که در عزای حسینی به سرو سینه میزد و پابرهنه میدوید گفت این چه اداو اطواری است چرا اینقدر شلوغ می‌کنید؟ آن عزادار فهمیده گفته بود: در غدیر ساکت نشستیم علی را منکر شدند داریم شلوغ می‌کنیم امام حسین و عاشورا را از ما نگیرید خلاصه اینکه هر کجا ببینیم از هر مقامی بوی ضد ولایت می‌آید نباید ساکت بنشینیم. هر کس به اندازه علم و هنر و فهم و جایگاه و پایگاهی که دارد باید وارد صحنه دفاع از ولایت شود.

هیات سرلوحه کار مداح چه چیزی باید باشد؟

عمل به واجبات شرعی و مقید به مسائل و احکام و عقاید شرعی و پیروی از ولایت و بصیرت و تقوی باید سرلوحه کار مداح باشد که اگر بخواهیم در یک جمله بیان کنیم تعلیم و تربیت دینی و ولایی سرلوحه کار مداحی است.

هیات چقدر با الگوی اسلامی مداحی فاصله داریم؟



در سوگ حضرت باب الحوائج موسی بن جعفر (ع)؛

درکشاکش کوچه‌های مدینه



هادی شریفی

«کاظم» نامیدند حضرتش را چون پاسخ هر بدی را با نیکی می داد و برای دشمنانش هم لب به نفرین نگوید حتی در «زندان». بیست ساله بود که با شهادت پدر گرامی اش امام صادق (ع) به مقام امامت نایل شد و آوازه و شهرت کرامت و علم و حلم و عبادتش همه جا را فرا گرفته تا حدی که هارون الرشید هم می دانست که حجت خدا در زمین اوست.

وقتی مامون شیعه گی را از هارون می آموزد مأمون فرزند هارون الرشید روزی در جمع درباریانش می گوید: «می دانید چه کسی تشیع را به من تعلیم کرد؟ همه پاسخ می گویند: نه! به خدا نمی دانیم، می گوید: هارون الرشید! همه با تعجب می گویند: این چگونه بود و حال

امیر المؤمنین علیه السلام را در خواب دید که به او فرمود: «فَهَلْ عَسَيْتُمْ أَنْ تُلَاقُوا فِي الْأَرْضِ وَ تَقْطَعُوا أَرْحَامَكُمْ؟» چون بیدار شد مراد آن حضرت را فهمید و امر به آزادی اش کرد؛ پس از آن خلافت به هارون الرشید رسید.

خلفای عباسی برایشان سخت بود که حضور آزادانه اش را تحمل کنند. مهدی از خلفای عباسی حضرتش را به عراق طلبید و محبوس گرداند اما به سبب مشاهده معجزات بسیار جرأت آزارش را نداشتن و به مدینه برگرداند و بعد از آن هادی خلیفه پس از او در حبسش نهاد اما شبی

چون موسی بن جعفر علیه السلام خواست از مدینه به جانب مکه حرکت کند رشید گفت تا کیسه سیاهی در آن دویست دینار کردند و روی به (فضل) کرد و گفت: این را نزد موسی بن جعفر ببر و بگو امیرالمؤمنین می گوید مادر این وقت دست تنگ بودیم و خواهد آمد عطای مابه تو بعد از این، من برخاستم و پیشرفتم و گفتم: یا امیرالمؤمنین! تو پسرهای مهاجران و انصار و سایر قریش و بنی هاشم را و آنانکه نمی دانی حسب و نسبشان را پنج هزار دینار و مادون آن می دهی و موسی بن جعفر علیه السلام را دویست دینار می دهی حال آنکه او را اکرام واجلال و اعظام کردی؟

گفت: اسکت لام لک! (خاموش باش بی مادر) اگر من مال بسیار عطا کنم او را ایمن نباشم از او که فردا بر روی من صد هزار شمشیر از شیعیان و تابعان خود بزند؛ تنگدست و پریشان باشند او و اهلیتیش بهتر است برای من و برای شما از اینکه فراخ باشد دستشان و چشمشان.»

یحیی بر مکی که اعظم وزرای هارون است تامی تواند از حضرتش بدگویی می کند و هارون را به فکر می اندازد. تا اینکه روزی هارون می پرسد: آیا می شناسید از آل ابی طالب کسی را

که احوال موسی بن جعفر از او سؤال نمایم؟ اطرافیان هارون علی بن اسماعیل بن جعفر برادرزاده حضرتش را که احسان بسیار نسبت به او کرده انتخاب می کنند.

به امر هارون نامه ای به علی بن اسماعیل نوشته و او را می طلبند، چون حضرتش بر آن امر مطلع می شود او را طلبیده و می گوید:

– قصد سفر به کجاداری؟

– بغداد.

– برای چه می روی؟

– پریشان شده ام و قرض بسیاری به هم رسانیده ام.

– من قرض تو را اداء می کنم و خرج تو را متکفل می شوم.

قبول نکرده و می گوید: مرا وصیتی کن! و امام می

داماد و دختران را عروس و مزرعه را تعمیر کنی. حضرت او را دعا کرد. آنگاه فرمود: ای امیر! خدای عزوجل – واجب کرده است بر والیان عهد خود، یعنی ملوک و سلاطین که فقیران امت را از خاک بردارند و از جانب اربابان و امهائی ایشان را بپردازند و صاحب عیال را دستگیری کنند و برهنه را بپوشانند، و به اسیران محنت و تنگدستی، محبت و نیکی کنند و تاولی از آنان که این کار کنند، گفت: می کنم یا ابالحسن، بعد از آن برخواست و رشید با او برخاست و دو چشمش و رویش ببوسید، پس

روی به من و امین و مؤتمن کرد و گفت: یا عبدالله و یا محمد و یا ابراهیم! بروید همراه عمو و سید خود و رکاب او را بگیرید و او را سوار و جامه هایش را درست و مشایعتش کنید. پس ما چنان کردیم که پدر گفته بود، و در راه که در مشایعت او بودیم، حضرت ابوالحسن علیه السلام پنهان روی به من کرد و مرا به خلافت بشارت داد و گفت: چون مالک این امر شوی با پسر من نیکویی کن، پس باز گشتیم و من از فرزندان دیگر بر پدر جرات بیشتر داشتم. چون مجلس خالی شد با او گفتم: یا

امیرالمؤمنین! این مرد که بود که تو او را تعظیم و تکریم نمودی و برای او از جای خود برخاستی و استقبال نمودی و بر صدر مجلس نشاندی و از او پایین تر نشستی، بعد از آن ما را فرمودی تا رکاب او گرفتیم؟

گفت: این امام مردمان و حجت خداست بر خلق و خلیفه او است میان بنندگان. گفتم: یا امیرالمؤمنین! این صفتها که گفتمی همه از آن توست و در تو است، گفت: من امام جماعتم در ظاهر به قهر و غلبه؛ و موسی بن جعفر علیه السلام امام حق است و الله ای پسرک من او سزاوارتر است به مقام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از من و از همه خلق؛ و به خدا که اگر تو در این امر، یعنی دولت و خلافت با من منازعه کنی سرت که دو چشمت در اوست می برم؛ زیرا که ملک عقیم است.

آنکه رشید اهل بیت را می کشت؟ و مأمون پاسخ می دهد: برای ملک می کشت زیرا که ملک عقیم است. و ادامه می دهد: من با پدرم رشید سالی به حج رفتیم وقتی که به مدینه رسید به دربان خود گفت: کسی بر من داخل نشود مگر آنکه نسب خود باز گوید، پس هر که داخل می شد می گفت من فلان بن فلانم و تا جلد بالای خود هاشم یا قریش یا مهاجر و یا انصار را بر می شمرد، پس او را عطایی می داد و پنج هزار زر سرخ و کمتر تا دویست زر سرخ به قدر شرف پدرانش.

فضل بن ربیع آمد و گفت: یا امیرالمؤمنین! بر در کسی ایستاده است و اظهار می دارد که او موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب است. من و امین و مؤتمن و سایر سرداران در کنار پدرم ایستاده بودیم؛ روبه ما کرد و گفت: خود را محافظت کنید، یعنی حرکت نالایق نکنید. سپس گفت اذن دهید او را و فقط باید کنار من بنشیند؛ پیر مردی داخل شد که از کثرت بیداری شب و عبادت زرد رنگ، گران جسم و اما سپیده روی بود و عبادت او را گذاخته بود، همچو مشک کهنه شده و سجد روی و بینی او را خراش وزخم کرده بود و چون خواست از مرکبش پیاده شود، رشید بانگ زد: قسم به خدا که نه! میا مگر بر بساط من! دربانان از پیاده گشتنش مانع شدند.

ما همه به نظر اجلال و اعظام در او نظر می کردیم و او همچنان بر حمار سواره بیامد تا نزد بساط همه گرد او در آمده بودند. فرود آمد، و رشید برخواست و تا آخر بساط، او را استقبال نمود و رویش و دو چشمش ببوسید و دستش بگرفت و او را به صدر مجلس در آورد و پهلوی خود نشانید و با او سخن می گفت و روی به او داشت. از او احوال می پرسید، سپس گفت: یا ابالحسن! عیال تو چند نفرند؟ فرمود: از یانصد در می گذرند، گفت: همه فرزندان تو اند؟ فرمود: نه، اکثرشان موالی و خادمند اما فرزندان من سی و چند است، این قدر پسر و این قدر دختر، گفت: چرا دختران را تزویج نمی کنی؟ فرمود: دسترسی آن قدر نیست، گفت: ملک و مزرعه تو چقدر است؟ فرمود: گاه حاصل می دهد و گاه نمی دهد، گفت: قرضی داری؟ فرمود: آری، گفت: چقدر می شود؟ فرمود: حدود ده هزار دینار می شود. گفت: یابن عم! من تو را آن قدر مال می دهم که پسران را



هارون که از سخنان علی بن اسماعیل نسبت به امام بیمناکه شده، برای استحکام خلافت فرزندانش به گرفتن بیعت حضرت اراده حج کرده و دستور می دهد علمای و سادات و اشراف همه در مکه حاضر شوند که از ایشان بیعت بگیرد و خبر ولایتعهدی فرزندانش را منتشر کند



فرماید: وصیت می کنم که در خون من شریک نشوی و اولاد مرا یتیم نگردانی.

باز می گوید: مرا وصیت کن! و باز امام همان وصیت را تا سه بار تکرار فرموده و سیصد دینار طلا و چهار هزار درهم به او عطا می فرماید. وقتی برای رفتن از جابلند می شود حضرت تش به حاضران می گوید: به خدا سوگند که در ریختن خون من سعایت خواهد کرد و فرزندان مرا به یتیمی خواهد انداخت! حاضران می گویند: یابن رسول الله! اگر چنین است چرا به او احسان می نمایی و این مال جزیل را به او می دهی. کریمانه می فرماید: پدران من روایت کرده اند از رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم که چون کسی که با رحم خود احسان کند و او در برابر بدی کند و این کس قطع احسان خود را از او نکند حق تعالی قطع رحمت خود را از او می کند و او را به عقوبت خود گرفتار می نماید.

علی بن اسماعیل به بغداد می رسد، یحیی بن خالد برمکی او را به خانه می برد و با او توطئه می کند که وقتی به مجلس هارون رود چیزی نسبت به حضرتش گوید که هارون را به خشم آورد؛ هنگامی که نزد هارون می رود می گوید: هرگز ندیده ام که دو خلیفه در یک عصر بوده باشند، تو در این شهر خلیفه، و موسی بن جعفر در مدینه خلیفه است، مردم از اطراف عالم خراج برای او می آورند و خزانه ها به هم رسانیده و ملکی را به سی هزار درهم خریده و نام او را بسیره گذاشته است.

هارون دستور می دهد دویست هزار درهم به او بدهند، اما وقتی علی بن اسماعیل به خانه باز می

گردد دردی در حلقش رسیده و هلاک می شود!

هارون که از سخنان علی بن اسماعیل نسبت به امام بیمناک شده، برای استحکام خلافت فرزنداناش به گرفتن بیعت حضرت اراده حج کرده و دستور می دهد علما و سادات و اشراف همه در مکه حاضر شوند که از ایشان بیعت بگیرد و خبر ولایتعهدی فرزنداناش را منتشر کند.

یعقوب بن داود می گوید: هنگامی که هارون به مدینه آمد،

من شبی به خانه یحیی برمکی رفتم و او نقل کرد که امروز شنیدم که هارون نزد قبر رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم با ایشان صحبت می کرد که پدر و مادرم به فدای تو باد یا رسول الله، من عذر می طلبم در امری که اراده کرده ام در باب موسی بن جعفر، می خواهم او را حبس کنم برای آنکه می ترسم فتنه بر پا کند که خونهای امت تو ریخته شود؛ و یحیی ادامه داد: چنین گمان دارم که فردا او را خواهد گرفت.

امام فردای آن روز در مسجد النبی مشغول نماز و نیایش است که

هارون فضل بن ربیع را نزدش می فرستد؛ در هنگام نماز حرمت نگه نمی دارند و حضرتش را کشان کشان از مسجد به بیرون می برند.

روبه مزار جد بزرگوارش رسول الله (ص) کرده و می گوید: یا رسول الله!

به توشکایت می کنم از آنچه از امت بد کردار تو به اهل بیت بزرگوار تو می رسد.

صدای گریه مردم از هر طرف بلند می شود، گویی خاطره رفتار نامردان با مادر گرام اش زهرا (س) و بی حرمتی به علی

(ع) در میان همین کوچه ها برایشان تداعی شده باشد. یاد روزهایی که برای گرفتن بیعت کشان کشان علی (ع) را به سمت مسجد می بردند و مادرت در حال دفاع از او...

حضرت را نزد هارون می برند، هارون که حرمت شکنی را تمام کرده زبان به دشنامت باز می کند و توهین می کند و دستور به حبس می دهد. از ترس شورش مردم دو محمل ترتیب می دهد و یکی را به بصره و دیگری را

به بغداد می فرستد که مردم ندانند به کدام سو برده اند حضرت را.

حسان سروی را همراهش می کند؛ او حضرتش را در بصره به عیسی بن جعفر امیر بصره و پسر عموی هارون بود تسلیم می کند و وی ضرت را در



مرا وصیت کن! و امام می فرماید: وصیت می کنم که در خون من شریک نشوی و اولاد مرا یتیم نگردانی.

باز می گوید: مرا وصیت کن! و باز امام همان وصیت را تا سه بار تکرار فرمود





که مدام به ذکر خدا مشغول است؟ و کنیز را نیز از محضرت دور می کنند.

هارون الرشید به یحیی بن خالد می گوید: برو نزد موسی بن جعفر (ع) و آهن را از او بردار و سلام مرا به او برسان و بگو: پسر عمویت می گوید که من پیش از این قسم خورده ام که تو را رها نکنم تا آنکه اقرار کنی برای من به آنکه بد کرده ای و از من خواهش کنی که عفو کنم آنچه از تو سر زده پس از آن هر کجا خواهی به سلامت برو. حضرت در جواب یحیی می فرماید: ابوعلی! من مردنم نزدیک است و از اجلم چیزی باقی نمانده است.

فضل بن ربیع از دستور هارون مبنی بر کشتن حضرت اجتناب می کند و هارون حضرت را نزد فضل بن یحیی بر مکی محبوس می گرداند. فضل نیز از دستور هارون سر باز می زند و هارون باز حضرت را نزد سندی بن شاهک می فرستد تا محبوس گرداند.

هارون سندی بن شاهک را امر می کند که آن امام معصوم را مسموم گرداند و چند رطب را به زهر آلوده کرد و به این شاهک می دهد که نزد حضرت برد و در خوردن آنها اصرار کند و دست بر ندارد تا تناول کند و سندی چنین می کند و برای اینکه مردم نفهمند از زهر هارون بیمار گشته پیش از شهادت حضرت بزرگان مردم را می طلبد که همه ببینند در سلامت است.

می فرماید: ای جماعت گواه باشید که سه روز است که ایشان زهر به من داده اند و به ظاهر صحیح و سالم به نظر می رسم در حالی که زهر در درون من جا کرده است و در آخر امروز سرخ خواهم شد به سرخی شدید و فردا زرد خواهم شد زردی شدید و روز سوم رنگم به سفیدی مایل خواهد شد و به رحمت حق تعالی واصل خواهم شد؛ و در نهایت در روز ۲۵ رجب سال ۱۸۳ هجری قمری و هنگامی که ۵۵ سال از عمر شریف حضرت می گذرد دعوت حق را لبیک می گوید و همه فرزندان و شیعیانش را غمی جانکاه فرامی گیرد.

شکر می کنم که دعای مرا مستجاب گردانیدی ، آنچه می خواستم عطا فرمودی!

یک سال از حبس می گذرد و هارون مدام نامه می نویسد که عیسی حضرت را به شهادت برساند اما او جرأت نمی کند تا اینکه برای هارون نامه می نویسد که «حبس موسی (ع) نزد من طول کشید و من بر قتل وی اقدام نمی کنم، من چندان که از حال او تفحص می کنم به غیر از عبادت و تضرع و زاری و ذکر و مناجات با قاضی الحاجات چیزی نمی شنوم و نشنیدم که هرگز به تو یا بر من یا بر احدی نفرین نماید یا به بدی از ما یاد نماید بلکه پیوسته متوجه کار خود است به دیگری نمی پردازد، کسی را بفرست که من او را تسلیم اونمایم و الا او را رها می کنم و دیگر حبس و زجر او را بر خود نمی پسندم».

نامه عیسی به هارون می رسد و وی دستور می دهد حضرت را از بصره به بغداد ببرند و نزد فضل بن ربیع محبوس گردانند. هارون بر بام خانه می رود و به محبس نگاه می کند، لباسی می بیند که بر زمین افتاده است و کسی نیست! به ربیع می گوید:

این جامه چیست

که می بینم در این خانه؟ و ربیع می گوید: این جامه نیست بلکه موسی بن جعفر است ، که هر روز بعد از طلوع آفتاب به سجده می رود تا وقت زوال آفتاب.

کنیزی زیباروی را نزد حضرت می آوردند تا که به مردم بگویند از یاد خدا غافل شده و به کنیز مشغول است و حضرت را بدنام کنند اما بعد از چندی که نزدش می رسند کنیز را در حال عبادت می بینند! کنیز می گوید: چه کار دارید با این مرد

اتاقی محبوس

می گرداند.

یکی از ماموران عیسی می گوید در ایام حبس مدام ذکر حضرتش این بوده که: خداوندا! من پیوسته از تو می خواستم که زاویه خلوتی و گوشه عزلتی و فراخ خاطری از جهت عبادت و بندگی خود مرا روزی کنی، اکنون



حضرت ابوالحسن علیه السلام پنهان روی به من کرد و مرا به خلافت بشارت داد و گفت: چون مالک این امر شوی با پسر من نیکویی کن، پس باز گشتم و من از فرزندان دیگر پدر جرات بیشتر داشتم



به مناسبت پانزدهم رجب
وفات حضرت زینب کبری (سلام الله علیها)

زینب (س) وصی الامام

شهادت حضرت سیدالشهداء (ع) از رحلت پیامبر (ص) و خروج امت از خط امامت آغاز می گردد. شهادت حسین (ع)؛ استمرار شهادت مظلومانه زهرا ی اطهر (س) است و خون او در صحنه فرات، همان خون علی (ع) در محراب کوفه و خون جگر حسن (ع). اگر امت در راستای نبوت، بر جایگاه امامت استقامت می جستند، هرگز حسین (ع) به شهادت نمی رسید و زنان و کودکان اهل بیت به کاروان اسارت سپرده نمی شدند.

«خدا چون عقل را آفرید بدو فرمود: به عزت و جلالم سوگند مخلوقی که از تو به پیشم محبوبتر باشد نیافریدم و تنها تو را به کسانی که دوستشان دارم بطور کامل دادم.»^۱

زینب (س) در طول ۵ سال حکومت علی (ع) و سپس تا زمان صلح امام حسن (ع) در کوفه و دارالخلافه می زیست و در متن جریان های سیاسی و اجتماعی جامعه قرار داشت. آ و مقام علمی او به آنجا رسید که امام حسین (ع) وصایت و نیابت در کربلا به دلیل بیماری امام زین العابدین (ع) و حفظ جان او، به او می سپارد. شیخ صدوق در این زمینه می فرماید: حضرت زینب (س) نیابت خاص از طرف امام حسین (ع) به عهده داشت، و مردم در مسائل حرام و حلال به او رجوع می کردند، تا زمانی که امام زین

مؤلف کتاب اسد الغایة فی معرفة الصحابة، زینب کبری (س) را چنین معرفی می نماید: زینب دختر علی ابن ابیطالب، مادرش فاطمه و دختر رسول خدا (ص) است. زینب، زمان حضرت رسول (ص) را درک نموده و در زمان حیات ایشان متولد گردید. او زنی عاقل، خردمند و در منطق بسیار گویا بود. پدر بزرگوارش علی (ع) که خداوند از ایشان راضی باد، او را به تزویج عبدالله فرزند برادرش جعفر در آورد با این پیش شرط از سوی زینب (س) که هر روز حسین (ع) را زیارت کند و در سفرها او را همراهی نماید...

زینب عقیده ی بنی هاشم است. سرآمد خردمندان عصر و در هم آمیزنده ی خرد انسان با عاطفه و محبت یک زن. در اهمیت این صفت باید به جایگاه عقل در مبانی دین مبین اسلام توجه کرد.

پس از شهادت امام

مسعوده فراهانی

حسین (ع) صحنه

ی رشادت زینب (س) آشکار می گردد. زینب (س) اولین واقعه نگار و تحلیل گر مسئله عاشورا است. امروز، بشریت دانسته یا نادانسته مدیون خون شهدای کربلا هستند و شهدای کربلا مدیون این بانو در رساندن پیام آن راست قامتان تاریخ اند.

زینب نمونه ی والای انسانیت است که در قالب زن مسلمان جلوه نموده است و با اظهار شخصیت کامل انسانیت بخصوص در طی وقایع عاشورا و پس از آن، جلوه گاه کامل اراده الهی می گردد. از این رو بررسی زندگینامه و سیره ی آن بزرگوار، راهگشای انسان مسلمان در شناخت وظایف و مسئولیت های الهی و اجتماعی او می باشد.



ی بانوی فرهیخته، دانشمند، شجاع و با ایمان که در طول زندگی با ظلم و ستم در راه هدف مقدس خویش پیکار می کند. زینب (س) بیدادگری است که مردم غافل را نهیب می زند. قدرت ایمان و تقوای زینب (س) از میان مصائب و بلاها نمایان است و فریاد ما را آیت الّا جمیلا اوج توحید و سپاسگزاری اوست. او پیام آور کربلاست.

پی نوشت

۱. کلینی، کتاب العق و الجهل، حدیث ۱
۲. شبیری، ۳۹
۳. شبیری، ۵۶ و زینب کبری فریادی بر اعصار، ۳۰ و ۲۶
۴. محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۸ ه. ش
۵. رک فرشته ندیری ایبانه، فصلنامه‌ی بانوان شیعه، ش ۴

مجتبی (ع) و شجاعت قلبش را به حضرت سیدالشهداء (ع) همانند نموده اند. از دیگر نشانه های منزلت علمی او، روایت است. بررسی احادیث وارده از حضرت بیانگر بعدی از ابعاد علمی شخصیت زینب کبری (س) است. برخی از احادیث که از حضرت رسیده است عبارتند از: حدیث ام ایمن که در مصائب وارده بر اهل بیت از سوی جبرئیل بر پیامبر (ص) خوانده شده و حضرت زینب (س) آن را در قتلگاه بیان فرمود و نیز خطبه فدکیه که از مادرش صدیقیه کبری (ع) روایت می کند و شیعه و سنی در صحت صدور این خطبه متفقند. حضرت زینب (س) از سال ۶ تا ۶۱ هجری از نور اهل بیت (ع) بهره گرفت و زندگی اش تنها یکسال و نیم بعد از شهادت امام حسین (ع) دوام یافت.^۵ زینب نمونه‌ی بارز الگویی نمونه است. نمونه

العابدین (ع) از بیماری خلاص یافت.^۳ آنچه که به زینب (س) و شخصیت او عظمتی صد چندان می بخشد، جامع الجهات بودن است. آنچنان که او در حلم و بخشندگی و بصیرت در امور سیاست و جمال و جلال سیرت و صورت و اخلاق و فضیلت، مشهور بنی هاشم و عرب است. شب ها در عبادت و روزها در روزه و معروف باهل التقی است.^۴ رسیدن به مقامات ولایت و رضایت و صبر و امانت، علم و فهم، زهد و عبادت و عفاف و تسلیم و جهد و شرافت، فصاحت و بلاغت و ممتاز بودن در گفتار و رفتار از ابعاد شخصیت اوست. مقامات آرامش و وقارش را به خدیجه‌ی کبری (س)، عصمت و حیائش را به فاطمه‌ی زهرا (س)، فصاحت و بلاغتش را هنگام تکلم به علی مرتضی (ع)، حلم و بردباریش را به حسن

تاریخ تحلیلی اسلام واقعه جنگ خندق

قسمت نهم



که ما زندگی مان و بر خور دمان را بهبود ببخشیم، مطالب این شماره مربوط به جنگ خندق است که مسائل بسیار حساسی دارد و خندق از حوادث سال پنجم است ولی یک سری حوادثی در سال های اواخر سوم و بعد از جنگ احد و کلا در سال چهارم هجرت رخ داده که اجمالا به آن ها اشاره می کنیم و بعد می رویم سراغ خندق، دو حادثه تبلیغی مهم که بعضی گفته اند در سال چهارم هجرت و عده ای هم آن را اواخر سال سوم هجرت دانسته اند این دو حادثه معروف است یکی قضیه سربیه یوم رجیع یکی هم سربیه بئر مؤنه است این ها را اکثر از حوادث سال چهارم و بعد از جنگ احد دانسته اند و قبل از خندق و هر دو هم حادثه تبلیغی اما ناراحت کننده برای مسلمانان بوده است و البته سرشار از عبرت آموزی. جنگ احد خیلی ها را بر علیه

خارج نیست تا زمینه ای در درون نباشد دشمن نمی تواند ضربه بزند، در نگاه به انقلاب ها و جریان ها این یک اصل کلی است. ریشه اصلی شکست ها در فشار و قدرت و قوت نیروی غصب نبوده است مثلا در قضیه ستار خان و باقر خان دشمن آن ها را از هم جدا می کند بعد ضربه می زند و در قضیه میرزا کوچک خان هم عده ای از نزدیکان او را فریب می دهند که مهمترین آن ها شیخ احمد کسمایی است و در حرکت های مادر زندگی داخلی خودمان هم همین است. آیه می خواهد بگوید که علت شکست در احد سه هزار نیروی جنگی دشمن و عده و عده آن ها نبوده! بلکه ریشه شکست در خودتان است آن را ترمیم کنید اگر آیاتی را که ناظر بر جنگ احد است مطالعه کنید به مطالب بسیار مفیدی دست خواهید یافت و همه این ها برای این است

در شماره قبل کمی راجع به آیه ۱۶۵ سوره آل عمران توضیح دادم در این شماره بیشتر توضیح خواهیم داد این آیه



محمد قهرمانی

می گوید که وقتی بر شما مصیبتی وارد شد شروع کردید گفتید که چرا شکست خوردیم و این از کجاست؟! قرآن می فرماید علت شکست از ناحیه خودتان است و این یک واقعیتی است برای انقلاب ها و حرکت ها و حتی برای خودمان، و این که ریشه اصلی را در بیرون نباید جستجو کرد بلکه در درون باید پی جویی کرد. هر آسیبی که می رسد فقط سر امپریالیسم و کمونیسم نباید خراب کرد بلکه باید دنبال زمینه هایی باشیم که خودمان ایجاد کردیم و معمولاً ضربه هایی که می خوریم ریشه اش در



و پیامبر تبلیغ اسلام می‌کند و او نه می‌پذیرد و نه بی‌میلی نشان می‌دهد و به پیامبر می‌گوید که اگر کسانی را به قبیله نجد بفرستی من امیدوارم که تعداد زیادی اسلام بیاورند این قبیله معروف و مشهورند و پیامبر می‌گوید که من از این قبیله بیم دارم و ابوراء می‌گوید که در پناه من باشند و پیامبر هم ۴۰ نفر را روانه می‌کند به آن جا و رهبریشان با «مَنْظَر ابن عمرو ساعدی» است که این سرریه به نام ایشان هم

مشهور است این‌ها آمدند و رسیدند به منطقه بئر مؤنه - بئر یعنی چاه- در این منطقه شخصی از صحابه‌نامه‌ای را نزد عامر ابن طفیل رئیس آن منطقه می‌برد و او نامه را بدون خواندن پاره می‌کند و صحابه را هم می‌کشد و عامر هم با عده‌ای از قبایل دیگر مسلمانان را محاصره می‌کند و ۳۸ نفر راه شهادت می‌رسانند و فقط ۲ نفر از آن‌ها که

یکی «کعب ابن زید خزرجی» و دیگری «عمرو ابن امیه» هستند، این‌جا به شهادت نمی‌رسند، یکی از کسانی که به شهادت می‌رسند «حارث ابن سَنَه» است که او هم با پیامبر در جنگ احد پیمان مرگ بسته بود و مَنْظَر ابن عمرو هم به شهادت می‌رسد، در تاریخ می‌نویسند که خبر شهادت رجیع و بئر مؤنه به پیامبر داده میشود و

خواهم او را شکنجه کنم و بکشم و می‌گویند که عده زیادی جمع می‌شوند در مکه تا ببینند که صفوان ابن امیه با این زید می‌خواهد چه کند و چگونه او را شکنجه کند ابوسفیان هم می‌آید در آن جمع و برای اینکه تبلیغ منفی نکند بر علیه مسلمانان به زید که دست هایش بسته است می‌گوید که آیا تو دوست داری محمد الان جای تو بود و تو پیش زن و بچه ات بودی و این همه شکنجه و آسیب هم نمی‌دید؟ زید پاسخ می‌دهد که به خدا قسم دوست

نمی‌دارم خاری به پای محمد بخلد و من پهلوی زن و فرزندم آسوده بمانم! ابوسفیان حیرت می‌کند از این حرف و بعد هم زید را به وضع بدی به شهادت می‌رسانند جُنُبُو هم جریان‌اتی دارد که اگر خواستید در کتاب جاذبه و دافعه در صفحه ۸۲ تا ۸۵ در ارتباط با رجیع بخوانید.

پس در این سرریه دو طایفه اُزَل و قاره سه تحریک بنی لحيان

آمدند و به عنوان مبلغ شش نفر از مسلمانان را بردند و به شهادت رساندند. پیغمبر اکرم (ص) هنوز از حادثه رجیع مطلع نیست که قضیه بئر مؤنه رخ می‌دهد و این قضیه به فاصله بسیار کوتاهی در سال ۴ هجرت اتفاق می‌افتد و به طور خلاصه به این شکل است که شخص بسیار متشخصی به نام ابو براء آمده به نزد پیامبر اکرم

**درنگاه به انقلاب‌هاو
جریان‌ها این یک اصل
کلیه است. ریشه اصله
شکست هادر فشارو
قدرت و قوت نیروی
غصب نبوده است**

مسلمانان جسور کرد و منافقین هم تبلیغ می‌کردند که این چه اسلامی است و این چه ادعایی است که از جانب خداست و این چه پیامبری است که به این وضع افتاده است و بی‌اعتمادی ایجاد کردند و حتی آن‌هایی که با مسلمانان پیمان بسته بودند پیمان خود را شکستند و قدری هم گستاخ و دلیر شدند و بدشان نمی‌آمد ضربه‌ای به مسلمانان بزنند و همان‌ها هم که جبراً و در اثر ضعف تن به مصالحه با مسلمانان داده بودند هم می‌خواستند ضربه‌ای به مسلمانان بزنند و ناتوان کنند مسلمانان را، از جمله حادثه رجیع بود که اسم دیگرش سرریه «مَرْتَد ابن ابی مَرْتَد» هم بود ایشان از دلاوران بدر بوده‌اند نقل می‌کنند که عده‌ای از دو طایفه اُزَل و قاره نزد پیامبر اکرم آمدند و اظهار کردند که در طایفه ما عده‌ای مسلمان شدند و کسانی را برای ما بفرستید که مسائل و احکام اسلام را برای ما بیان کنند و به ما یاد دهند و پیامبر هم ۶ نفر را به رهبری «مَرْتَد ابن ابی مَرْتَد» همراه این‌ها می‌فرستند تا این‌ها بروند و آن‌ها را با احکام و مسائل اسلامی آشنا کنند و تبلیغ دین بکنند و این ۶ نفر همراه آن‌ها می‌روند تا به منطقه‌ای به نام رجیع می‌رسند که آبگاہ است و آنجا معلوم می‌شود که این‌ها همه دروغ و نقشه بوده و طایفه بنی لحيان به این‌ها شتر داده بودند و گفته بودند به بهانه‌ای آن‌ها را بکشند این‌جا، زمانی که رسیدند افرادی طایفه بنی لحيان و دو طایفه اُزَل و قاره این‌جا بودند و شمشیر کشیدند و ۴ نفر را به شهادت رساندند و ۲ نفرشان را اسیر کردند (ابتدا سه نفر کشته شدند و سه نفر اسیر که یکی از اسرا دستش را از بند آزاد می‌کند و سلاح می‌گیرد و او را هم می‌کشند) خلاصه ۴ نفر شهید شدند و ۲ نفر اسیر که نامشان زید و حَبِیُو است و این دو اسیر را می‌برند تا به مکیان بفرشند و با اسیران خودشان مبادله کنند و مکیان هم که از مسلمانان کینه دارند این‌ها را می‌گیرند و هر دو را به وضع بدی به شهادت می‌رسانند، مرحوم مطهری در کتاب جاذبه و دافعه اش صفحه ۸۲ قضیه زید و حَبِیُو را از سیره ابن هشام نقل کرده و در قضیه زید چیز جالبی را نقل می‌کند که زید را صفوان ابن امیه می‌خرد که کینه‌ای سخت از مسلمانان در دل داشته و اعلام می‌کند که فلان روز می







که آیا جنگ در این وضعیت به صلاح است یا نه؟ در آخر تصمیم می گیرند که نیایند و نمی آیند و برمی گردند، پیامبر ۸ روز بر سر چاه های بدر منتظر می مانند تا آن ها بیایند و بعد از ۸ روز که مسلم می شود که آن ها دیگر نمی آیند به مدینه برمی گردند. به این قضیه می گویند بدر صغری، اما سال پنجم مهمترین حادثه آن سال غزوه خندق و یا همان جنگ احزاب است آیه ۲۱۴ سوره بقره، ۲۷ سوره آل عمران، ۶۲ تا ۶۴ سوره نور و ۹ تا ۲۵ سوره احزاب را مفسرین می گویند ناظر بر این جنگ است. آغاز جنگ خندق را این گونه می نویسند که جمعی از یهودیان می روند مکه پیش سران قریش و از آن ها می خواهند که با مساعدت و همکاری همدیگر با یک قبیله مشهوری در مکه به نام قُطَفان با هم یکی شوند و قضیه مدینه را برای همیشه تمامش کنند و همه مسلمانان را نابود کنند. این جا آن گفتگوی مشهور بین یهودیان و سران قریش رخ می دهد قریشیان سئوال می کنند که شما پیامبر را برتر می دانید و یا ما را و آیین ما را و آیین او حق است یا آیین ما؟ که بعد یهودیان برای اینکه دل آن ها را خوش کنند به آن ها می گویند: آیین شما البته که از آیین پیامبر برتر است! البته خود بت پرستان هم تعجب می کنند! خلاصه قریشیان قبول می کنند و می گویند که حدود ۱۰۰۰۰ نفر سپاه از مکه و قبایل اطراف آن اجتماع می کنند به رهبری «ابوسفیان ابن حَرَب» و می خواهند بیایند و به قول خودشان مدینه را از بیخ و بن نابود کنند خبر حرکت این سپاه عظیم به مدینه رسیده و پیامبر با یارانش گفتگومی کند که چه بکنیم؟ نیروی آن ها عظیم است خلاصه نتیجه این می شود که اطراف مدینه را خندق بکنند و با این خندق ها از نزدیک شدن سپاهیان کفر یا همان احزاب به مدینه جلوگیری کنند تا این که آن ها بعد از مدتی خسته شوند و بروند. این پیشنهاد را میگویند سلمان فارسی داده بود و پیامبر هم پذیرفتند و قرار شد که در مدینه بمانند (که البته این یکی از تجربه های احد بود) و اطراف مدینه را خندق بکنند، البته دور تا دور مدینه را خندق نمی کنند چون پشت مدینه تیره ای از یهودیان بنی قریظه بودند و منطقه اش به گونه ای نبوده که دشمن بتواند از آن جا حمله بکند و می

صورت پیامبر حاضرند خطای آن ها را نادیده بگیرند ولی از مدینه باید بروند. این ها همان هایی هستند که در خیبر هم بعدا مسئله ساز می شوند، خلاصه دومین درگیری هم با یهودیان به این شکل تمام می شود که بدون برخورد نظامی و با تبعید یهودیان پایان می پذیرد. نکته بعدی واقعه بدر صغری است که اجمالا آورده می شود. بدر کبری و بدر صغری چیست؟ واقعه بدر که همان جنگ بدر است که در شماره های گذشته پرداخته شد و در تاریخ به آن بدر کبری می گویند. بعد از جنگ احد یعنی همان جا که کفار پیروز شدند ابوسفیان اعلام می کند وعده ما با شما سال بعد بر سر چاه های بدر و ما امروز شما را شکست دادیم پیامبر هم می پذیرد و آن ها می روند و بعد وسط راه پشیمان می شوند و بقیه قضایا که آورده شد، سال بعد بر اساس این قول و قرار که گذاشته شده بود مسلمانان با پیامبر با ۱۵۰۰ نفر می روند بر سر چاه های بدر در سر موعده مقرر، ابوسفیان هم ابتدا در رأس سپاهی ۲۰۰۰ نفره مکه را ترک می کند و میآید ولی در آن سال مکه قدری دچار خشکسالی و قحطی و مشکلات داخلی شده بود، گفتگو بین آن ها درمی گیرد

ایشان فوق العاده متأثر می شوند. حادثه دیگری که بعد از جنگ احد رخ داده غزوه بنی نظیر است این غزوه دومین درگیری مسلمانان با یهودیان است پیامبر با عده ای به نزدشان می روند و از آن ها کمک می خواهند و آن ها هم قول مساعدت می دهند چون پیمان نامه داشتند،

پیغمبر در کنار دیواری می نشینند تا استراحت کنند و آن ها نقشه می کشند که از بالا سنگی بیندازند و ایشان را از بین ببرند و به خیال خودشان می خواهند همه را خلاص کنند! آن ها می روند که سنگ را بیندازند پیامبر متوجه می شوند و از آن جا بلند می شوند و به مدینه برمی گردند - البته فاصله تا مدینه مختصر بوده و این ها جزو مدینه بودند ولی نه

لزوما در خود مدینه - پیامبر - عمرو ابن ام مکتوم - آن پیر مرد نابینا را جای خودش در مدینه می گذارد و باسپاهی به طرف بنی نظیر می آید تا با آن ها بجنگند آن ها قلعه هایی داشتند و در حدود ۱۵ روز همان قلعه ها ماندند و پیامبر این دژها را محاصره کرده بودند و پیک هایی رد و بدل میشد و در آخر یهودیان قلعه رضادادند که تسلیم شوند و اموالشان را بگذارند و جز به اندازه بار شترهایشان برنارند و در این


حادثه دیگری که بعد از جنگ احد رخ داده غزوه بنی نظیر است این غزوه دومین درگیری مسلمانان با یهودیان است




ایمان بیاور و عمرو می گوید که این را معلوم است نمی پذیرم دوم اینکه بر گرد و ننگ و از راهی که آمده ای برگرد و او می گوید که اگر برگردم همه می گویند که من ترسیده ام و این ننگ است برای من و سوم اینکه از اسب پیاده شو روی زمین با هم بجنگیم چون حضرت پیاده بودند و او سواره و او هم قبول می

کند و پیاده می شود، مرحوم مرتضی شبستری می گوید که علی (ع) در این جا خدعه می زند به عمرو (او غولی بوده و افسانه هایی هم در مورد او گفته اند که شاید بعضی هم حقیقت داشته باشد) به او می گوید که پارانت را بنگر که از خندق عبور کردند و عمرو هم برمی گردد نگاه می کند که حضرت شمشیر می زند به ساق پای او و عمرو به زمین می افتد- البته عمرو هم قبل از این به حضرت شمشیر می زند که

سپر حضرت را شکاف می دهد و سپر به سر حضرت اصابت می کند - و حضرت می خواهد شمشیر را به روی او فرود بیاورد که مشهور است او آب دهان به روی حضرت می اندازد حضرت بلند می شوند و در میدان چرخی می زنند و بعد می آیند و او را میکشند این به زبان اسان است

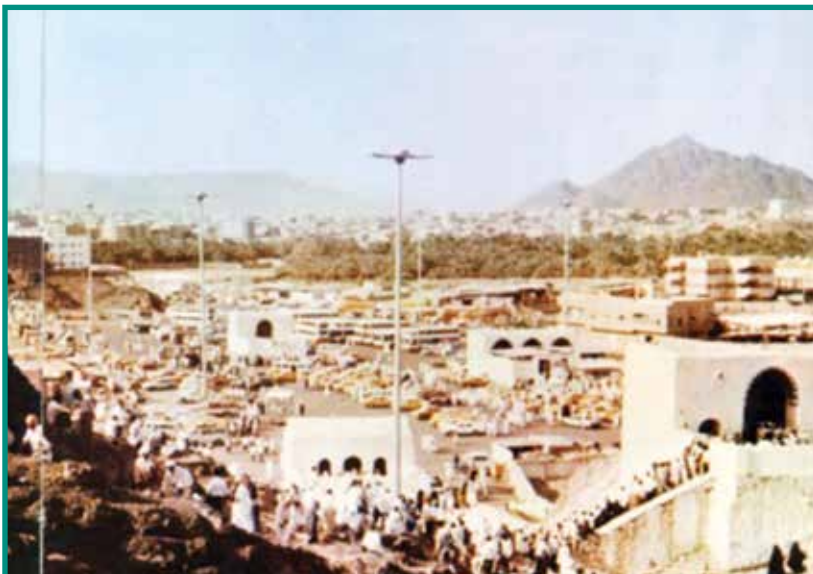
در بدر زخمی شد و البته قدرتمند هم بود و همچنین «اكرمه ابن ابی جهل» هم از خندق پرید و فاصله زیاد بوده ولی به هر حال این ها می پرند و عمرو و ابن عبود هل من مبارز می طلبد و از مسلمانان هیچ کس صدایشان در نمی آید تا اینکه علی (ع) به پیامبر (ص) می گوید که اجازه دهید من بروم و پیامبر می گوید

بنشین و دوباره عمرو مبارز می طلبد و می گویند که آنقدر فریاد زد که صدایش گرفت دو سه بار فریاد می زند و کسی جز علی بلند نمی شود به هر حال پیامبر اجازه دادند و برای او دعا کردند پیامبر تعبیری دارند که می گویند تمام ایمان در مقابل تمام کفر قرار گرفته، اگر عمرو ابن عبود پیروزی می شد معلوم نبود وضعیت مسلمانان چگونه می شد اول عمرو می گوید که من با تو نمی جنگم چون ما با هم قوم و خویشی داریم و کس

دیگری بیاید و علی می گوید که من دوست دارم با تو بجنگم و می خواهم تو را بکشم فقط پیشنهادی دارم، من شنیده ام که تو در هنگام نبرد به یکی از سه خواسته طرف مقابل تن می دهی من هم سه خواسته از تو دارم و عمرو می گوید که چیست؟ حضرت می گوید اول اینکه

**نتیجه این می شود که
اطراف مدینه را خندق
بکنند و با این خندق ها
از نزدیک شدن سپاهیان
کفریاهمان احزاب به
مدینه جلوگیری کنند تا
این که آن ها بعد از مدتی
خسته شوند و بروند**

گویند که منطقه ناهمواری بوده و قسمت هایی از آن باغات و جنگل بوده است به هر حال خندق به شکل هلال است نه دایره کامل و قسمت هایی هم که خندق می کنند می گویند که پل هایی گذاشته بودند که متحرک بوده است، و البته در کندن خندق هم تقسیم کار می کنند و هر عده ای را مسئول یک قسمت می کنند و می گویند که خود پیامبر هم در کندن خندق شرکت داشتند، کفار به مدینه که می رسند در مقابل چیزی قرار می گیرند که تا آن روزگار برایشان سابقه نداشته و نمی دانند که چه کنند کفار شخصی را می فرستند پیش سران قبیله بنی قریظه که با مسلمانان هم پیمان بودند که ما با مشکل رو به رو شده ایم و امکان جنگ برای ما نیست و نمی توانیم از خندق عبور کنیم و شما اگر از پشت به مسلمانان حمله کنید و آن ها را درگیر کنید ما می توانیم با قرار دادن پل هایی و یا با آمدن در خندق و بیرون آمدن از طرف دیگر آن از خندق عبور کنیم و شما از عقب و ما از جلو کار مسلمانان را یکسره می کنیم صحبت های زیادی رد و بدل شد و علی رغم عهد و پیمانشان با مسلمانان بنی قریظه پذیرفتند، البته تعدادشان هم زیاد بوده که برحسب نقل تاریخ ۷۰۰ نفر گفته اند. خلاصه خبر به پیامبر می رسد که یهودیان بنی قریظه علی رغم عهد و پیمانشان با کفار همدست شده اند و می خواهند از پشت به ما حمله کنند پیامبر چند نفر را پیش آن ها می فرستد و لسی یهودیان بنی قریظه آن ها را مسخره می کنند و می گویند که ما با شما عهد و پیمانی نداریم و به آن ها اهانت می کنند این ها به پیامبر گزارش می دهند که خبر درست است این لحظات برای مسلمانان لحظات سنگین و ناراحت کننده ای است چون از یک طرف امکان حمله یهودیان بنی قریظه هست و از طرف دیگر هم دشمنان دور تادور مدینه را محاصره کرده اند و حالات بعضی از صحابه از قول خودشان هست که گفته اند ما از شدت ترس و رعب حتی نمی توانستیم پلک چشمانمان را بر هم بزنیم، از این طرف یهودیان دنبال فرصت بودند و از طرف دیگر محاصره مدت زمانش به طول انجامید، چند نفر از کفار خندق عبور کردند که مشهورترین آن ها «عمرو ابن عبود» بود که او در احد شرکت نداشت اما



ولی در عمل واقعا سخت است و قصه عجیبی است

از علی آموز اخلاص عمل
شیر حق را دان منزه از دغل
در قضا بر پهلوانی دست یافت
زود شمشیرش بر آورد و شتافت
او خدو (آب دهان) انداخت بر روی علی
افتخار هر نبی و هر ولی

او خدو انداخت بر رویی که ماه
سجده آرد پیش او در سجدهگاه
در زمان انداخت شمشیر آن علی
کرد او اندر قضایش کاهلی
گشت حیران آن مبارز زین عمل
از نمودن عفو و رحم بی محل
گفت بر من تیغ تیز افراستی
از چه افکندی مرا بگذاشتی
گفت من تیغ از پی حق می زخم
بندهٔ حقم نه مأمور تنم
چون خدو انداختی بر روی من
نفس جنبید و توح شد خوی من (خشم مرا
گرفت)

نیم بهر حق شد و نیمی هوی
شرکت اندر کار حق نبود روا
قدم زدم که خشم فرو بنشیند که اگر سرت را
بریدم فقط و فقط برای خدا باشد و ذره‌ای منیت
و نفس نباشد این‌ها در زبان اسان است ولی در
عمل خیلی سخت است، اگر کسی چپ نگاه

کند به ما یقه اش را می چسبیم و بعد هم او می
گوید چرا این جوری، و ما هم کلی آیه و حدیث
می خوانیم که همه این حرف‌ها دروغ است و
کار خود را به پای اسلام می گذاریم که اسلام
گفته اینکار را بکنیم و این‌ها دروغ‌گویی است،
واقعیت این است که به ما برخورد و خودمان را
کسی دانسته‌ایم و خشم ما را گرفته، ولی اسلام
می گوید که هر کاری می کنی او را ببین و نه غیر
او را و این خیلی سخن دارد. اجمالا می گویند که
حضرت سر عمرو را می برد و آن‌ها که نگاه می
کنند می ترسند و فرار می کنند و خود اکرمه که
یلی بوده از ترس فرار می کند و از روی خندق
می پرد اما یکی از آن‌ها که نوفه نامی بوده از روی
خندق نمی تواند بپرد و زبیر وارد خندق می شود
و او را می کشد و این خودش در تضعیف روحیه
دشمن بسیار مؤثر بوده است. مسلمانان انرژی
می گیرند و آن جمله مشهور «ضربه علی یوم
خندق افضل من عباده الثقلین» در همین جا
گفته شده که واقعا کار بسیار عجیب و عظیمی
بوده اما مسلمانان باز وحشت دارند چون هر
لحظه حتی شب هم ممکن بوده که یهودیان
بنی قریظه حمله کنند و شب هم نمی توانند
بخوابند و آن قدر وحشت داشتند که نقل شده،
حتی برای رفتن به دستشویی هم نمی توانستند
از هم جدا شوند، در این وضعیت شخصی به نام
نعیم ابن مسعود آمده پیامبر می گوید که ای
پیامبر از اسلام من قریشیان و دیگران خبر

ندارند و من می توانم کاری برایتان بکنم؟
پیامبر می فرماید که اگر می توانی این‌ها را از
مدینه دور کن و متفرق کن، نعیم بدون با خبر
شدن کفار از اینکه او با پیامبر در تماس است و
اینکه اسلام آورده می آید پیش سران قریش و
بعد پیش یهودیان بنی قریظه به آنها می گوید
که شما می دانید من دوست دار شمایم و آن
ها گفتند آری می دانیم و او می گوید من می
خواهم واقعیتی را به شما بگویم و آن این است
که قریشیان و قطفان و دیگران وضعیتشان مثل
وضعیت شما نیست و اگر در این جنگ مسلمانان
پیروز شوند شما در دست مسلمانان هستید و
به یکی از شما امان نمی دهند و همه شما را
می کشند ولی قریش و قطفان و دیگران که در
مدینه زندگی نمی کنند اگر مسلمانان بر آن‌ها
پیروز شوند آن‌ها بر می گردند به شهر خودشان
و زندگیشان را می کنند و مطمئن باشید اگر
قافیه بر قریشیان تنگ شود شما را تنها می
گذارند و مسلمانان هم شما را خواهند کشت و
آن‌ها هم می گویند که ما هم قبول داریم. بعد
نعیم می گوید که برای اینکه مبادا آن‌ها شما
را تنها بگذارند شما چند تن از بزرگان قریش
و قطفان را به عنوان گروهان بگیرید یعنی آن
ها پیش شما باشند و شما از آن‌ها پذیرایی و
احترام کنید ولی آن‌ها پیش شما باشند که اگر
آن‌ها خواستند شما را تنها بگذارند به خاطر
بزرگانیشان نتوانند و شما را تنها نگذارند آن‌ها
هم حرف او را تأیید می کنند. بعد نعیم آمده
پیش قریشیان و قطفان و به آن‌ها می گوید که
من خبری دارم و به کسی نگویید و من دوست
دار شمایم و می گوید که جریان این است که
یهودیان بنی قریظه از عهد شکنی و پیمان
شکنی که با مسلمانان کردند پشیمان شدند و
پیغام فرستاده اند به مسلمانان که ما پشیمانیم
و برای اینکه شما پشیمانی ما را بپذیرید ما می
خواهیم ابتدا از سران قریش و قطفان را بگیریم
و تحویل شما دهیم و شما سر آن‌ها را از بدن
جدا و به این وسیله از خطای ما درگذرید و آن
ها باور نمی کنند! و نعیم می گوید بروید ببینید
که همچین تقاضایی از شما دارند یا نه؟! این
خدعه‌ای است که نعیم می زند و الحرب خدعه
جنگ خدعه است و- اکرمه و عده‌ای می آیند
پیش سران بنی قریظه که ما وضعیتمان با شما





فرق دارد شما در شهر هستید و آذوقه دارید و ما بیش از این نمی توانیم شهر را محاصره کنیم و آذوقه مان تمام می شود و اگر می خواهید حمله کنید سریع تر این کار را بکنید و این قدر تأخیر نکنید. و آن ها می گویند که ما نمی جنگیم چون بر خودمان بیم داریم مگر اینکه شما ۷ و ۸ و یا ۱۰ نفر از بزرگانمان را به ما بدهید برای اینکه نکند شما ما را تنها بگذارید، آن ها می گویند که نعیم راست می گفت و برمی گردند و با خود می گویند که این ها حقه باز هستند و می خواهند به ما کلک بزنند. و خلاصه بین یهودیان بنی قریظه و مکیان فاصله و اختلاف می افتد و این را تمام مفسرین در ذیل همان آیاتی که اسم بردم مفصلاً توضیح داده اند، کفار یا احزاب یقین دارند که دیگر حمله ای به مدینه از جانب یهودیان صورت نمی گیرد و یهودیان بنی قریظه هم نامه ای نوشتند به مسلمانان که ما غلط کردیم و ما دیگر با کفار نیستیم و کفار هم از یک طرف از یهودیان نا امید شدند و از طرف دیگر بادهای بسیار سختی می وزد که چادرهایشان را انداخته و وضعیت بدی به وجود آمده بود و بالاخره بین خود آن ها هم اختلاف ایجاد شده است. البته تیرهایی هم به طرف مسلمانان انداختند که سعدابن معاذ یکی از کسانی بود که تیر خورد و زخمی شد و چند نفر هم به این ترتیب از راه دور کشته شدند ولی کفار می بینند که نتیجه ای گرفته نمی شود و برمی گردند و قطفان هم می بینند قریشان برگشتند و تنها ماندند آن ها هم برمی گردند و جنگ بالاخره تمام می شود. این ها اجمالی از این غزوه خندق بود، قضیه که تمام شد پیامبر با سپاه زبادی می آیند به طرف یهودیان بنی قریظه و اعلام می کنند که تسلیم شوید و آن ها هم می دانند که چه خطایی کرده اند در دژهایشان پنهان شده اند پیامبر پیغام می دهند که این وضع درست نیست که هر وقت دشمن بر علیه ما وارد جنگ شد شما هم پیمان شکنی کنید و وقتی ما بر سر قدرت هستیم با ما رفیق باشید این طور نمی شود و ما دیگر به شما اعتمادی نداریم، یهودیان بنی قریظه بعد از رد و بدل شدن پیغام هایی می گویند که ما راضی هستیم به حکمیت سعد ابن معاذ و هر چه او گفت ما تسلیم هستیم، پیامبر هم موافقت کردند - سعد ابن معاذ که

در جنگ خندق زخمی شده دو سه روز بعد از جنگ از دنیا می رود ولی حکمیتش را انجام می دهد - رأی او این است که تمام مردان بنی قریظه را سر بزنند و زنان آن ها را اسیر کنند و اموالشان غنیمت باشد و پیامبر هم که رأی سعد را می شنوند او را تحسین

می کند و بعد از این قضاوت ۷۰۰ نفر از مردان بنی قریظه را گردن می زنند و زانشان را هم اسیر می گیرند و اموالشان را هم به عنوان غنیمت جنگی می گیرند و این قضیه مثل بنی قینقاع و بنی نظیر که تبعید شدند تمام نمی شود اما ان ها این انتظار را داشتند و فکر می کردند که سعد این گونه حکمیت کند بعضی از تاریخ نویسان متأخر این قضیه خیلی به نظرشان سنگین آمده مثلا دکتر شهیدی در کتاب تاریخ اسلام انکار می کند و می گوید

که بعید است این قضیه درست باشد و به نظر دروغ می آید و این که خاورشناسان به خاطر این قضیه به اسلام حمله می کنند. البته باید گفت خاورشناسان هر چه می خواهند بگویند، واقعیت تاریخ نشان می دهد که این کار بهترین کاری بوده که می توان انجام داد چون

این درست نبوده که پیمان بسته باشند ولی هر وقت مسلمانان را در ضعف می بینند خدعه کنند و نقض پیمان و هر وقت مسلمانان را در قوت و برتری می بینند بگویند که با شما بییم و با شما دوست هستیم این طور نمی شود، بنی قینقاع همین کار را کردند و پیامبر نرمش

به خرج دادند و بعد هم بنی نظیر که با آن ها هم مصالحه کردند و نرمش، و اگر این بار برخورد تند و ضربتی صورت نمی گرفت باز هم همین قضایا تکرار می شد و اگر قرار باشد که دشمن از رحمت و مرحمت اسلام و مسلمین سوء استفاده کند که نمی شود، اسلام بنایش بر محبت و رحمت و بخشایش است و این رحمت و محبت برای اصلاح است و برای این است که ان ها تغییر کنند و انسان شوند اما اگر قرار باشد این رحم موجب جری تر شدن دشمن شود و گستاخ تر شوند و از راه حق کنار بکشند این جا قدرتمندی و شدت عمل تجویز می شود و این عمل را عین بخشش و رفق و رحمت می داند چون دشمن دارد از محبت مسلمین سوء استفاده می کند و این جا قهر و تندی جز رحمت نیست.



اما مسلمانان باز وحشت دارند چون هر لحظه حته شب هم ممکن بوده که یهودیان بنی قریظه حمله کنند و شب هم نمی توانند بخوابند و آن قدر وحشت داشتند که نقل شده، حته برای رفتن به دستشویی هم نمی توانستند از هم جدا شوند



روزشمار تاریخ و دفاع مقدس

گردآوری و تنظیم:
احسان اکبری



یکم رجب

ولادت امام محمد باقر (ع)

مشهورترین لقب امام محمد بن علی (ع)، باقر العلوم است، و این لقبی است که پیغمبر اسلام (ص) آن جناب را به آن ملقب فرموده،

چنانچه شیخ صدوق (ره) از عمرو بن شمر روایت کرده، که گفت: از جابر بن یزید جعفری سؤال کردم که برای چه امام محمد باقر (ع) را باقر نامیدند؟

گفت: به علت آن که یَقْرُ عَلْمَ الدِّينِ بَقْرًا! أي شَقَّهُ شَقًّا وَاظْهَرَهُ اِظْهَارًا. [۷] می شکافد علم را شکافتنی و آشکار و ظاهر می سازد آن را ظاهر کردنی. جابر بن عبدالله (ره) آن حضرت را در یکی از کوچه‌های مدینه دید و گفت: ای پسر تو کیستی؟

فرمود: محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب هستم. جابر گفت: ای پسر به من نگاه کن.



دوم رجب

ولادت امام هادی (ع) (به روایتی) - شهادت آیت الله مطهری

شهید مطهری که مغز متفکر و یکی از معماران نظام جمهوری اسلامی

ایران بود در شهر فریمان به دنیا آمد. پس از تحصیل مقدمات، راهی حوزه علمیه قم شد و از محضر بزرگانی چون آیت الله بروجردی، علامه طباطبایی و حضرت امام خمینی بهره برد و در همه این سالها ضمن تحصیل علوم مختلف به تزکیه و تهذیب نفس پرداخت چنانکه به روشنی بینی و هوش و ذکاوت و دقت علمی کم نظیری دست یافت. با شروع نهضت اسلامی ایران از سالهای ۴۲ و ۱۳۴۱ شهید مطهری نیز فعالانه وارد صفوف نهضت شد و اوج فعالیت هایش در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ بود که توسط ساواک دستگیر و زندانی شد و پس از آزادی نیز تمام هم و غم خود را مصروف تشکیل نیروهای مبارز و مسلمان و حفظ نهضت از آسیب ها و انحرافات کرد. در این سالها، استاد به تبیین فرهنگ اسلامی

امام (ع) به جابر نگاه کرد.

عرض کرد: سوگند به پروردگار کعبه که این شمایل و خصال رسول خدا (ص) است، ای فرزنده، رسول خدایت سلام رساند. امام (ع) در جواب جابر فرمود: مادامی که آسمان و زمین بر جای باشد سلام بر رسول خدای باد، و بر تو باد ای جابر که تبلیغ سلام آن حضرت نمودی، آن گاه جابر به آن حضرت عرض کرد: یا باقر! انت الباقر حَقًّا، انت الَّذی تبقر العلم بقرا.

و علما گفته‌اند: آن حضرت را «باقر» گفتند، سَمِيَ بِذَلِكَ (باقر) لِتَبْقُرَهُ فِي الْعِلْمِ - وَ هُوَ تَوَسَّعَهُ. حضرت امام (ع) را باقر نامیده اند، چون دارای علم زیادی بود.

در تذکره سبط ابن الجوزی مسطور است که آن حضرت را باقر نامیدند از کثرت سجود آن حضرت، بقر السجود جهته؛ ای فتحها و شقها، یعنی گشاده کرد سجود جبین او را و قیل بغزارة علمه؛ یعنی بعضی گفته‌اند که آن حضرت را به سبب غزارت و کثرت علمش باقر لقب کردند. (قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الال، ج ۲، ص، ۱۲۶۴)

در جامعه پرداخت و در پایگاه‌های مختلف مخصوصا حسینیه ارشاد، مسجد جاوید، مسجد الجواد و ... به آگاهی بخشیدن به نسل جوان و دیگر اقشار جامعه ایران پرداخت تا اینکه در سال ۱۳۵۱ توسط ساواک دستگیر و ممنوع المنبر شدند. با این همه استاد فعالیت های خود را ادامه داد و رابط اصلی امام امت (ره) در کشور با مردم و گروه های مختلف و هدایت کننده خط فکری نهضت به شمار می رفتند و در آستانه انقلاب نقش بسیار مهمی را در شورای انقلاب و ... در پیروزی انقلاب ایفا نمودند. سرانجام این مبارز خستگی ناپذیر و دانشمند و فقیه عالی مقام به دست جنایتکاران جاهل گروهک «فرقان» در شب دوازدهم اردیبهشت ۱۳۵۸ به شهادت رسید. شهید مطهری دارای خصوصیات منحصر به فردی بود که مهمترین آنها جامعیت ایشان بود به طوریکه در همه صحنه های عملی و نظری حضور فعال داشتند. از ایشان آثار گرانقدری در زمینه های مختلف به جای مانده که همواره تبیین کننده اسلام ناب محمدی (ص) و دارای دقت، ظرافت، روشن بینی و جامعیت کم نظیری بوده و هست.



سوم رجب شهادت امام هادی (ع)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) درباره امام هادی (علیه السلام) می فرمایند:
در نبرد بین امام هادی (علیه السلام) و خلفایی که در زمان ایشان بودند، آن کس که ظاهراً و باطناً پیروز شد، حضرت هادی (علیه السلام) بود؛ این باید در همه بیانات و اظهارات ما مورد نظر باشد.
در زمان امامت آن بزرگوار شش خلیفه، یکی پس از دیگری، آمدند و به درک واصل شدند. آخرین نفر آنها، «معتز» بود - همان طور

که ایشان فرمودند - که حضرت را شهید کرد و خودش هم به فاصله‌ی کوتاهی مُرد. این خلفا غالباً با ذلت مردند؛ یکی به دست پسرش کشته شد، دیگری به دست برادرزاده‌اش و به همین ترتیب بنی عباس تارومار شدند؛ به عکس... شیعه در دوران حضرت هادی و حضرت عسگری (علیهما السلام) و در آن شدت عمل روز به روز وسعت پیدا کرده؛ قوی تر شد.



پنجم رجب صدور تاریخی ترین سند مبارزه امام خمینی برای دعوت به قیام برای خدا

همه انبیای الهی بوده است. ایشان در ادامه، دلایل بدبختی مسلمانان و ملت ایران را تشریح می کنند و در قسمت دیگری، مسؤولیت سنگین علما و روحانیان را بر شمرده و عواقب زبان بار غفلت سیاسی آنها را متذکر می شوند. در ادامه، ایشان در این بیانیه، صریحاً علمای اسلام و جامعه اسلامی را به قیام عمومی فراخواندند و نسبت به سکوت در برابر توطئه‌های ضد اسلام هشدار دادند. مقصود امام از انتشار این بیانیه، به صدا در آوردن زنگ خطر و بیدار باشی برای طلاب جوان بود. این اقدام، شخصیت و موضع سیاسی ایشان را بیش از پیش آشکار کرد و به تدریج زمینه حضور عده‌ای از یاران همفکر را در جمع شاگردانشان ایشان فراهم آورد. این اشخاص کسانی بودند که هسته اصلی اقدامات انقلابی سال‌های بعد را تحت رهبری معظم‌له، تشکیل دادند.

در حالی که تبلیغات مسموم علیه اسلام و روحانیت و حوزه‌های علمیه، سعی داشت در سطح وسیعی مردم را از اصول راستین اسلام دور نماید، حضرت امام خمینی (ره) در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۲۳ ش برابر با ۱۱ جمادی الاول ۱۳۶۳ در سن چهل و دو سالگی، اولین بیانیه سیاسی خود را صادر کردند. در این بیانیه، حضرت امام ضمن بررسی و تحلیل اوضاع گذشته، حال و آینده مردم، قیام برای خدا را تنها راه اصلاح جهان عنوان کرده که آن، فلسفه بعثت



هشتم رجب آزادسازی هویزه

در جریان عملیات بزرگ بیت المقدس، رزمندگان اسلام با نزدیک شدن به مرزهای بین المللی و استقرار در ۱۷ کیلومتری نوار مرزی، شهر هویزه را که از ماه‌های آغازین جنگ، در اشغال نیروهای بعث بود، به محاصره خود در آوردند. علی‌رغم مقاومت فراوان دشمن، زمانی که حلقه محاصره هویزه تنگ تر شد، نیروهای عراقی خود را در مهلکه‌ای دشوار یافته، اقدام به فرار و عقب‌نشینی کردند. در این حال رزمندگان سرافراز اسلام قدم به شهر ویران شده هویزه گذاشتند و به تعقیب دشمن یعنی پرداختند. با انتشار خبر فتح هویزه، سران بعث همچون دفعات قبل، فرار از هویزه را جزو پیروزی‌های خود به حساب آورده و آن را عقب‌نشینی تاکتیکی عنوان کردند.

این سنّ؟ حضرت (ع) فرمود: آری، در این سنّ همچنان که عیسی (ع) حجّت خدا بود در دو سالگی. [کفایه الاثر، ص ۲۷۹].

آن حضرت در روز گار خلافت معتصم، روز آخر ذی قعدة یا آخر ذی حجه یا پنجم یا ششم ذی حجه در روز سه‌شنبه سال ۲۲۰ هجری در بغداد چشم از جهان فرو بست. و در مقابر قریش در پشت قبر جدش امام موسی کاظم (ع) به خاک سپرده شد. مدت عمر وی بیست و پنج سال بود. کلینی گوید: عمر آن حضرت ۲۵ سال بود.

امام رضاع (ع) در طی نوشته‌ای به امام جواد (ع) فرموده بود: «شنیده‌ام که دوستان تو را از درب کوچک بیرون می‌برند و این از بخل آنها است تا از تو به کسی خیری نرسد. به حقی که من به گردنت دارم از تو می‌خواهم که رفت و آمدت از درب بزرگ باشد و با خود طلا و نقره همراه داشته باش و هر کس خواست به او بده...» [کافی، ج ۴، ص ۴۳].

ده رجب ولادت امام محمد تقی جواد الاثمه (ع) - آزادسازی شلمچه

امام نهم شیعیان حضرت جواد (ع) در دهم رجب سال ۱۹۵ هجری در مدینه ولادت یافت. نام نامی اش محمد معروف به جواد و تقی است.

القاب دیگری مانند: رضی و متقی نیز داشته، ولی تقی از همه معروفتر می باشد. مادر گرامی اش سبیکه یا خیزران است که این دو نام در تاریخ زندگی آن حضرت ثبت است.

شخصی خدمت امام رضاع (ع) بود. از حضرت (ع) پرسید: «اگر برای شما اتفاقی افتاد چه کسی پس از شما امامت می‌کند؟ حضرت (ع) اشاره کردند به فرزندشان ابو جعفر (ع) که در آن موقع سه ساله بود و فرمودند: این فرزندم. راوی گفت: در



۱۳ رجب

ولادت حضرت علی (ع)

امشب به کعبه فاطمه پروانه علی است
دل دور کعبه گردد و دیوانه علی است
دست خدا به کعبه روی شانه علی است
امشب دل رسول خدا خانه علی است

تو دخت شیری و اسدالله زاده‌ای
بر جمله خلق، رهبر آگاه زاده‌ای
بهر رسول، همدم و همراه زاده‌ای
خوشتر ز آفتاب رجب، ماه زاده‌ای
نوزاد تو کز او حرم الله منجلی است
آیینة تمام نمای خدا، علی است
نقش همیشه زنده ی لوح و قلم علی است
در بین اولیا به دو عالم علم علی
تصویری از حقیقت حسن قدم علی است
سعی و صفا و زرم و رکن و حرم علی است
قرآن به وصف اوست که تکمیل می شود
جز او چه کس معلم جبریل می شود
روز نخست ارض و سما گفت یا علی
روح الامین به وقت دعا گفت یا علی
آدم به موج درد و بلا گفت یا علی
در جنگ ها رسول خدا گفت یا علی
در ذوالفقار زمزمه لافتی علی است
بر روی هر که می نگرم نقش یاعلی است
بی مهر تو قبول صلوه و صیام نیست
تکبیر و حمد و نیت و رکن و قیام نیست
تبلیغ دین احمد مرسل تمام نیست
مارا به جز تو بعد پیمبر امام نیست
این مذهب و عقیده و ایمان «همیشم» است
حتی بهشت گرتو نباشی جهنم است

استاد غلامرضا سازگار



۱۵ رجب

وفات عقيله بنی هاشم
حضرت زینب (س)

ترویج دین اگر چه به قتل حسین
شده / تکمیل آن به موی پریشان
زینب است

در بحر المصائب گوید حضرت زینب سلام الله علیها بعد از واقعه کربلا و
رنج شام و محنت ایام چندان بگریست که قامتش خمیده و گیسوانش
سفید گردید، ایشان دائم الحزن زیست تا آنکه به سرای دیگر رخت
کشید

و نیز گوید که چون علیا مخدره حضرت م کلثوم بعد از چهار
ماه از ورود اهل بیت علیهم السلام به مدینه طیبه از این
سرای پر ملال به رحمت خداوند لایزال پیوست و چون هشتاد
روز از وفات ام کلثوم گذشت حضرت زینب شبی در خواب
مادرش فاطمه سلام الله علیها را دید که زمانی که از این خواب
بیدار شد بسیار گریست و بر سر و صورت مبارک خود زد تا از
هوش رفت؛ که چون اطرافیان آمدند و ایشان را حرکت دادند
دیدند روح مقدس او به شاخسار جنان پرواز کرده است؛ که در
این زمان گویند آل رسول و ذریه بتول در ماتم آن بزرگ بانوی
اسلام زاری کردند چنانکه انگار روز عاشورا و آشوب نشور برپا
شده است. ریاحین الشیعه، ج ۳، ص ۲۰۷



۱۷ رجب - ۲۷ اردیبهشت ارتحال آیت الله بهجت - آغاز عملیات بیت المقدس

چند جمله از حضرت آیت الله بهجت (ره):
* خدا کند از خود راضی نباشیم اگر از خود راضی باشیم هرگز نمی توانیم حق ربوبیت را در عبودیت و بندگی ادا کنیم با اینکه هیچیم خود را همه چیز می دانیم.
* احساس حضور خدا در همه حال همه مسائل را حل می کند.

* عالم غفلت، عالم مهیا شدن برای شیاطین انس و جن است.
* اگر بخواهیم محیط خانه گرم و باصف و صمیمی باشد، فقط باید صبر و استقامت و گذشت و چشم پوشی و رأفت را پیشه خود کنیم تا محیط خانه گرم و نورانی باشد.
* به هر اندازه از بیانات اهل بیت (علیهم السلام) دور باشیم، از خود ایشان دوریم.
* مادر دریای زندگی در معرض غرق شدن هستیم، دستگیری ولی خدا لازم است تا سالم به مقصد برسیم باید به ولیعصر (عجل الله تعالی شریف) استفاده کنیم تا مسیر را روشن سازد و ما را تا مقصد همراه خود ببرد.



۲۲ رجب شهادت محمد بروجرودی فرمانده قرارگاه سیدالشهدا

در وصف خصایل اخلاقی «محمد»، همین بس که عموم مردم کردستان لقب «مسیح کردستان» را به او پیشکش کرده اند. محمد، علی رغم موقعیت درخشان و برجسته ای که در بین فرماندهان عالی رتبه نیروهای مسلح انقلاب اعم از ارتش و سپاه داشت، چنان کف نفس و تواضعی از خود بروز میداد که در بین تمامی رزم آوران جبهه های غرب و جنوب، اخلاص او زبانزد خاص و عام شده بود. با توجه به اینکه فرماندهی عالی جنگ در جبهه های شمال غرب و غرب کشور را بر عهده داشت، بارها مخبرین جراید و اکیپهای گزارشی رادیو و برای مصاحبه به سراغش می رفتند اما هر بار دست خالی بر گشتند. چرا که «مسیح کردستان»، همواره از دوربینهای تلویزیونی و میکروفونها گریزان بود. یکی از دوستانش در این باره میگوید:
«سعی داشت گمنام باشد. سعی میکرد وجودش در جامعه مطرح نشود. معتقد بود که تمام اجر یک کار، در گمنامی عامل آن است. سخت اصرار داشت بر این گمنامی. یک بار که اکیپ فیلمبرداری تلویزیون غافلگیرانه از او فیلمبرداری کرد، مصرانه مانع از ادامه کارشان شد. می گفت: از من فیلمبرداری می کنید؟ بروید استغفار کنید... شما باید بروید از این بچه رزمنده ها که دارند می جنگند فیلم بگیرید...»
سردار سرتیپ قاسمی نیز از عشق و ارادت عمیق محمد به فرزندان معنوی حضرت امام، اینگونه یاد می کند:

عشق و ارادت، سرسوزنی دچار عجب و غرور نشد.
از دیگر مسائلی که «محمد» به شدت نسبت به آن پای بندی نشان می داد، رسیدگی و ملاقات با خانواده های شهدا و جانبازان بود. محبت و علاقه اش به یتیمان شهدا و حد حصری نداشت. بارها با لحنی موکد گفته بود:

«خدا ما را به واسطه همین شهید داده ها امتحان می کند. مبادا با غفلت از آنها، سختی و عذاب خدا را برای خودمان بخریم!»
با گسترش دامنه فعالیت قرارگاه حمزه سیدالشهدا (ع) در غرب، «محمد» ضرورت تشکیل یک یگان رزمی ویژه، جهت جنگ های غرب کشور را احساس نمود. بر حسب همین ضرورت نیز، او سازمان دهی، آموزش و کادر بندی «تیپ ویژه شهدا» را در دستور کار خود قرار داد. مسئولیت فرماندهی این تیپ را نیز به سردار شهید «ناصر کاظمی» محول کرد.

حضور مستقیم او در تمامی مراحل نبرد تا به آن حد ملموس بود که به گفته سردار شهید «حاج همت»:

«در جریان پاکسازی محور «بانه - سردشت»؛ بعضی از برادران ما، به شهید کاظمی گفته بودند شما به بروجرودی بگویید اینقدر جلو نیاید. احتیاجی به آمدن ایشان نیست. ما خودمان می رویم. شهید کاظمی، چندین بار در خواست بچه ها را با بروجرودی مطرح کرد. اما هر بار، ایشان چیزی نمی گفت. نهایتاً در برابر اصرار ما که شهید کاظمی گفته بود: اگر بنا بر ولایت است، من بر شما ولایت دارم، اینقدر از حد خودتان خارج نشوید!»

سرتیپ شهید آشناسان که خود در چندین نبرد دوشادوش «محمد» جنگیده بود، درباره روحیه معنوی او در میادین رزم گفته بود:
«در عملیات دائم زیر لب با خودش زمزمه می کرد و نام خدا را بر زبان می آورد. چه در موقع سختی ها، و چه در حین پیروزی، زبانش جز به شکر به درگاه خداوند نچرخید. واقعا ایشان مظهر توکل بودند.»

تاریخ اسلام از بعثت نبوی تا حکومت علوی

العرب دارای تمدن و فرهنگ پیشرفته‌ای بوده است و آثار فرهنگی آن قابل توجه است. به نظر وی فرهنگ جزیره العرب دارای آفت و آسیب شده بود و همین سبب ظهور بعثت جدید شد. وی زمینه‌های بعثت پیامبر و سپس مراحل زندگی و هجرت و جنگ‌های حضرت را تا پیشرفت و توسعه جغرافیایی اسلام تحلیل نموده است. او در تحلیل مطالب سعی کرده است عوامل پیشرفت و توسعه فرهنگی و سیاسی اسلام را در قرون اولیه بیان کند. در بخش دوم حوادث بعد از وفات پیامبر، خانه‌نشینی حضرت علی و سکوت به خاطر مصالح اسلام، سیاست‌های خلفای سه‌گانه همراه سیره حکومت حضرت علی و اصلاحات سیاسی واجتماعی و فرهنگی و اقتصادی حضرت تحلیل شده است.

پدیدآورنده: محمد ابراهیمی وریانی (۱۳۲۳-)
ناشر: دفتر نشر معارف {ایران-قم}
سال نشر: ۱۳۹۲
نوبت چاپ: ۱۰
تعداد صفحه: ۴۰۰
شمارگان: ۳۰۰۰
موضوع: اسلام - تاریخ - پیامبر اسلام (ص) - سرگذشتنامه - خلفای اسلامی - تاریخ
چکیده

یک دوره تاریخ تحلیلی اسلام تا حکومت حضرت علی (ع) است. نویسندگان در دو بخش کلی و مباحث فرعی فراوان، نخست به بررسی اوضاع جغرافیایی فرهنگ و عقاید جزیره العرب پرداخته است. به عقیده نویسندگان، بر خلاف آنچه مشهور است، جزیره



بررسی دین پیامبر اعظم پیش از بعثت

کلامی، سعی در پاسخ دادن به این پرسش دارد که پیامبر قبل از بعثت به چه دینی اعتقاد داشت و تابع کدام شریعت بود؟ در این کتاب اقبوال مختلف مطرح در این باب آورده شده و دلایل مطرح درباره هر یک مورد بررسی قرار گرفته است. مولف بعد از تحلیل معنای نبوت و رسالت، تبعیت، افضلیت و تحقیق در معنای دین حنیف پیامبر اسلام از قبل از بعثت موید به روح القدس و از رذایل اخلاقی مبرا بوده و از فطرت الهی پیروی می‌کرده است. از نظر احکام و شریعت، نویسندگان به توجه به نبود دلیل معتبر، قائل به توقف حکم است.

پدیدآورنده: محسن تنها (۱۳۵۴-)
ناشر: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی {ایران-قم}
سال نشر: ۱۳۹۲
نوبت چاپ: ۴
تعداد صفحه: ۱۷۶
شمارگان: ۱۰۰۰
موضوع: دین - پیامبر اکرم (ص) - تعریف دین
چکیده

پژوهشی درباره اعتقاد دینی پیامبر اسلام قبل از بعثت است. نویسندگان در این اثر با استفاده از روش تاریخی و



و یا گمنام، نقل شده و از همین طریق، وقایعی مهم و تاریخی، ثبت شده و سینه به سینه توسط نیاکان ملت‌ها، به نسل کنونی رسیده است. در حقیقت قالب داستانی، قالبی است همه‌فهم که در لایه‌های مختلف اجتماعی انسانی، قابلیت رسوخ داشته و باعث ماندگار شدن حقایق و وقایع می‌شود؛ زبانی است عام که با قوای ثابت نوع انسان، یعنی تخیل و وهم، ارتباط برقرار می‌کند و از این راه واقعیات را جلوی چشم مخاطب می‌آورد. طبقاً داستان و زمان، می‌تواند محمل مناسبی برای انتقال و ماندگاری مبارزات عمومی ملت ایران در راه آزادی و استقلال و به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی باشد. اثر پیش رو، داستان چندی از همین پیامبرها و استقامت‌ها در درون شکنجه‌گاه‌های حکومت پهلوی است که به شیوه‌ای مناسب، به تصویر کشیده شده است.

سالار

تألیف: محمدعلی گودینی
ناشر: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
تاریخ انتشار: اسفند ۱۳۹۲
تعداد صفحات: ۲۰۰
قیمت: ۵۵,۰۰۰ ریال
شمارگان: ۲۰۰۰
چکیده

یکی از بهترین قالب‌های ادبی برای انتقال مفاهیم بلند و ترسیم مناسبات اجتماعی انسان‌ها، قالب داستان و رمان است. در دوران گذشته نیز مفاهیم بسیاری از این دست از جمله تاریخ مبارزات سیاسی، مسیر رشد و بالندگی ملت‌ها و یا تغییرات شگرف اجتماعی، در قالب داستان و رمان، توسط نویسندگانی بزرگ



زندگانی امام هادی (ع)

تألیف: محمدباقر شریف القریشی
ترجمه: غلامحسین انصاری
ناشر: شرکت چاپ و نشر بین الملل
تاریخ انتشار: ۱۳۹۲
تعداد صفحات: ۲۸۰
قیمت: ۶۰,۰۰۰ ریال
شمارگان: ۲۰۰۰



چکیده

روشن است که این پژوهش همه رفتارهای شکوهمند و ابعاد گوناگون وجود حضرت هادی (ع) را دربر نمی گیرد و فقط پرتوهایی بر بخشی از ویژگی های شخصیت امام بزرگوار است. همان شخصیتی که امتداد وجود و حیات پدران و الامام خویشت بود که هر کدام در فضیلت و کرامت، یگانه روزگار خویشت شمرده می شدند. با این حال نویسنده تلاش نموده است در حد بضاعت خود تصویری مناسب از زندگی، شخصیت و دوران امام هادی (ع) ارائه نماید.

امام خمینی و مهار فتنه‌ی بنی صدر و منافقین

تألیف: فاطمه نظری کهره
تاریخ انتشار: بهمن ۱۳۹۲
تعداد صفحات: ۳۲۰
قیمت: ۱۰۰,۰۰۰ ریال
شمارگان: ۲۰۰۰
معرفی کتاب:

امام خمینی (ره) بزرگمرد عصر حاضر، علاوه بر اینکه تئوری «انقلاب اسلامی» را تبیین نمود، برای اولین بار پس از حکومت پیامبر اسلام (ص) و امام علی (ع) حکومتی اسلامی با تکیه بر آرای مردم مسلمان ایجاد کرد. تدبیر، رهبری و هدایت امام خمینی علاوه بر مرحله ی انقلاب و فروپاشی رژیم پیشین، در مرحله ی ایجاد یک نظام جدید سیاسی نیز بسیار فوق العاده ظاهر گردید.



مدیریت ایشان پس از استقرار نظام سیاسی اسلامی نیز مخصوصاً در مهار فتنه‌ها و بحران های متعدد سیاسی و امنیتی و نظامی به سان یک رهبر طراز اول و بسیار مجرب به اثبات رسید و همه ی فتنه گران را ناکام گذاشت. یکی از مدیریت های مثال زدنی امام خمینی، نحوه ی برخورد او با فتنه ی نفاق و بنی صدر است. سرگذشت اولین ریاست جمهوری اسلامی ایران یکی از نکته های عبرت آموز تاریخ معاصر است. زندگی سیاسی بنی صدر از آن روزی که به عنوان معتمد مردم مسلمان ایران در چهره های منافقانه در اوج قدرت قرار گرفت تا آنجایی که به عنوان چهره های مطرود از کشور گریخت، می تواند درس های فراوانی دربر داشته باشد.

نرم افزار گنجینه آموزشی مداحی

نوع محصول: مالتی مدیا DVD
تولید کننده: موسسه آوای مهر کوثر ایمان
نوع و تعداد حامل ها: DVD ۱
توضیحات نرم افزار:

آموزش گام به گام: شروع مداحی، صداسازی، چگونه بخوانیم، روش های اجرا، مجلس عزاداری، معنویت و آمادگی، فنون مداحی.
آموزش دستگاه ها: آموزش دستگاه های آواز شور، شهناز، سه گاه، افشاری، همایون، بیات و دشتی.
بانک اشعار: مجموعه کامل از اشعار در مدح و مرثیه اهل بیت (ع) (بیش از ۱۶۰۰ قطعه)



مداحی مناسبی: مجموعه نوحه ها و ویژه مناسبت های مختلف بانوای مداحان مشهور (۳۱۴ قطعه)
شعر و سبک: مجموعه بهترین سبک ها از مداحان مشهور به همراه متن اشعار با قابلیت پرینت (بیش از ۱۴۰ قطعه).
سبک های عربی و ترکی: مجموعه سبک ها از مداحان مشهور عرب و آذری.
آموزش سبک سازی: سبک سازی و اصول مداحی توسط حاج محمود کریمی.
آموزش ها: آموزش مداحی و دستگاه ها توسط حاج اکبر کریمی، آموزش گام به گام مداحی توسط حاج مهدی منصور.
امکانات نرم افزار: جستجوی پیشرفته در متون با قابلیت پرینت، ذخیره سازی و ویرایش متون.



مسئول هیأت رزمندگان اسلام شهرستان هندیجان

مداحی‌ها از سبک تاثیرگذار دوران دفاع مقدس خارج شده است

می‌توان از آن نام برد محوریت امام جمعه محترم در حرکت خود و ارتباط بسیار صمیمی و هماهنگ با سپاه و فرماندار و سایر مسئولین است بطوریکه از مسئول هیأت بعنوان یک نهاد تاثیر گذار در عمده جلسات و شوراها شهرستان همچون: شورای اداری، شورای آموزش و پرورش، شورای فرهنگ عمومی و سایر جلسات دعوت بعمل می‌آید و صاحب نظر و رای بوده و در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌های شهرستان دخالت و مشارکت دارد.

هیأت به نظر شما آسیب‌هایی که امروزه برای هیأت‌ها وجود دارد چیست؟ و چه راهکارهایی پیشنهاد می‌کنید؟

به نظر بنده مهمترین آسیب به هیأت‌ها: اولاً مراقبت هیأت‌ها از آرمانها و اهدافی که مقام عظمای ولایت برای آنها ترسیم فرموده و ثانیاً نحوه‌ی مداحی و سبک و روش آن است. متأسفانه مداحی‌ها از سبک جزاب و تاثیر

هنديجان بيان كنيد؟

در آذر ماه سال ۸۱ هیأت رزمندگان اسلام شهرستان هندیجان تاسیس و فعالیت خود را آغاز کرد، از آن تاریخ تاکنون هیأت در همه عرصه‌ها بخصوص عرصه‌های فرهنگی شهرستان بسیار تاثیر گذار حضور و مشارکت داشته و علاوه بر برگزاری مراسمات متداول خود برگزاری اکثریت مراسمات ملی و مذهبی در سطح شهرستان نیز بعهده این هیأت واگذار شده است. همچنین با یاری خداوند متعال تاکنون توانسته‌ایم از عمده مداحان و سخنرانان و اساتید کشوری نیز استفاده کرده و برنامه‌ها و مراسمات با شکوهی برگزار نماییم.

هیأت آیا تاکنون برنامه‌های نوآوری در هیأت داشته‌اید؟ و به نظر شما چند درصد از اهداف شما در این برنامه‌ها اجرا گردیده است؟

مهمترین برنامه‌های هیأت‌ها بعنوان نوآوری

هیأت در ابتدا بیوگرافی از خود و شروع فعالیت در هیأت رزمندگان اسلام را بفرمائید؟

با سلام و صلوات به پیشگاه مقدس ولی عصر (عج) و درود و سلام به ارواح پاک و طیبه شهیدان و امام شهدا و درود و تهیت محضر مبارک رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت امام خامنه‌ای (مد ظله العالی)، سید محمد تقی تقوی فرزند سید عبدالله متولد سال ۱۳۳۴ در شهر هندیجان هستم و در حال حاضر علاوه بر مسئولیت هیأت بعنوان مسئول دفتر امام جمعه انجام وظیفه می‌نمایم، در سال ۱۳۸۱ همزمان با تاسیس هیأت در هندیجان طی نظر سنجی که در جمع رزمندگان بعمل آمده بر عهده من گذاشتند و بعنوان خادم خودشان مسئولیت هیأت را به من سپردند و تاکنون در خدمت نظام مقدس تحت ولایت ولی امر مسلمین حضرت امام خامنه‌ای (مد ظله) به‌ادای وظیفه مشغولم.

هیأت تاریخچه‌ای از هیأت رزمندگان



گذار دوران دفاع مقدس خارج و به سبک جاز و موسیقی فرنگی در آمده است. اجرای تند و رقص گونه مداحی‌ها توسط برخی مداحان آسیب جدی به روند و اعتبار هیأت‌ها خواهد زد. بنظر ما مداحی باید به سبک اصیل خود برگردد. و از شور به شعور تبدیل گشته و محتوای اشعار نیز همانگونه که مقام عظمای ولایت فرموده اند بر بار و پویا و تاثیر گذار باشد.

هیأت تاکنون چه برنامه‌هایی برای گرایش جوانان و نوجوانان به هیأت پیاده نموده‌اید و چه پیشنهادی برای دیگر مدیران در هیأت دارید؟

برگزاری اردوهای زیارتی و سیاحتی می‌تواند در جذب جوانان و نوجوانان بسیار موثر باشد. خوشبختانه واحد نوجوانان ما در این مقوله خیلی خوب عمل کرده و تعداد کثیری از جوانان و نوجوانان را جذب هیأت نموده است لکن بواسطه محرومیت منطقه تامين اعتبار یک‌ار دو بسیار سخت است که نیاز به مساعدت هیأت مرکزی و استان است که امیدواریم به مناطق محروم توجه بیشتر کرده و میان مناطق محروم و برخوردار تفاوت اساسی قائل شوند.

هیأت آیا شما دارای مکان، سخنران و مداح ثابتی می‌باشید؟

در حال حاضر پایگاه اصلی فعالیت هیأت و نیز نوجوانان عاشورائی در مسجد جامع و پیروان عترة در محل فاطمیه هنديجان است و مداحان ثابتی هم داریم که در عمده مراسمات از آنها استفاده می‌کنیم و معمولاً در بسیاری از مراسمات از وجود حجت الاسلام بنی سعید امام جمعه موقت و نیز امام جمعه محترم جهت وعظ و سخنرانی بهره مند می‌شویم.

هیأت به نظر شما هیأت رزمندگان اسلام تاکنون چند درصد از اهداف پیش‌بینی شده را پیاده نموده است؟ علت انجام نشدن برخی از اهداف چه چیزی می‌تواند باشد؟

به نظر من هیأت در سراسر کشور در ایفای رسالت خود که همان نشر و تبیین فرهنگ ایثار و شهادت و ترسیم خط سعادت بخش ولایت

است تا حد قابل قبولی موفق بوده است و در برخی نقاط اگر کاستی هست شاید به واسطه عدم آشنایی مسئولین آن هیأت از شیوه جذب مخاطبان است که می‌توان با جلسات و همایش‌های بیشتر و تبادل تجربیات و افکار آنرا مرتفع نمود.

هیأت شما در انجام کارهای هیأت بیشتر با چه کسانی مشورت و کمک می‌گیرید؟

طرف مشورت ما بیشتر امام جمعه و روحانیت معزز و برادران سپاه و نیز جمعی از رزمندگان و یادگاران دفاع مقدس است که بعنوان اطاق فکر از نظرات و پیشنهادات آنان بهره برداری می‌نمائیم.

هیأت انتظارات خود را از مسئولین ستاد مرکزی بفرمائید؟

انتظار ما از مسئولین ستاد مرکزی همانطور که قبلاً عرض کردم توجه و عنایت بیشتر به مناطق محرومی چون هنديجان است، گرچه آن بزرگواران نیز محدودیت‌هایی دارند و گرنه به خوبی از مشکلات و نیازمندیهای مناطق محروم واقف

هستند.

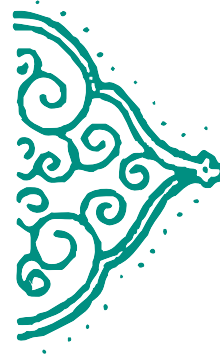
هیأت در پایان اگر صحبتی دارید بفرمائید؟

در پایان ضمن دعا برای سلامتی و طول عمر با برکت برای مقام عظمای ولایت و ف موفقیت همه خدمتگزاران به اسلام و مسلمین بخصوص تمامی دست اندر کاران هیأت‌ها در سراسر کشور را از خداوند توانا خواستارم و از عزیزان هیأت مرکزی و بزرگواران هیأت استان خوزستان و امام جمعه محترم شهرستان و روحانیت معزز و رزمندگان و یادگاران دفاع مقدس و فرماندهی و پرسنل ناحیه مقاومت بسیج سپاه هنديجان و مسئولین محترم و هیأت امنای هیأت و واحدهای پیروان عترة و نوجوانان عاشورائی تشکر و قدردانی می‌نمایم و تشکر ویژه ای نیز از همه دست اندر کاران ماهنامه هیأت دارم که با مطالب بسیار ارزنده و روشنگرانه و هدایتگرانه و راهگشای خود نقش اساسی در رشد و تعالی هیأت ایفا می‌نمایند.



به نظر من هیأت در سراسر کشور در ایفای رسالت خود که همان نشر و تبیین فرهنگ ایثار و شهادت و ترسیم خط سعادت بخش ولایت است تا حد قابل قبولی موفق بوده است





سخنران هیأت رزمندگان اسلام شهرستان هندیجان

واعظ همواره در پیشبرد برنامه‌های فرهنگی هیأت نقش اساسی و تعیین کننده دارد

هیأت نقش و عاظم را در برنامه‌های هیأت رزمندگان اسلام که پیش رو داریم را بفرمائید؟
واعظ همواره در پیشبرد برنامه‌های فرهنگی هیأت نقش اساسی و تعیین کننده داشته و خواهند داشت. البته هر چه واعظ بار علمی بیشتری داشته باشد و قدرت تحلیل و بیان مطالب را بهتر داشته باشند تاثیر گزاری آنها نیز بیشتر خواهد بود.

هیأت در هیأت رزمندگان اسلام هندیجان پیش‌تر با چه اشخاصی مشورت می‌کنید؟
مشورت ما بیشتر با امام جمعه محترم و روحانیت منطقه و برادران دست اندر کار هیأت می‌باشد

هیأت در پایان اگر سخن خاصی دارید بفرمائید؟
در خاتمه ضمن تشکر و قدردانی از همه دست اندرکاران هیأتها که با مجاهدت در اعتلای فرهنگ ولایتی و شهادت و ایثار تلاش می‌نمایند و نیز مسئولان ماهنامه هیأت که با مطالب پر بار و مفید خود رسالت تبلیغ را بخوبی ایفا می‌کنند، از عزیزان هیأت مرکزی و استان می‌خواهم که به مناطق محروم توجه و عنایت بیشتری مبذول دارند.

بیشتر جوانان بهره‌مند ساخت؟
اگر هیأت دارای برنامه و روش باشد و این برنامه‌ها کارشناسی شده و مطابق با نیاز جوانان و نوجوانان تدوین گردد و به اصطلاح برنامه‌ها جوان پسند و متنوع باشد قطعاً جوانان و نوجوانان را شیفته هیأت کرده و حضور بیشتری خواهند داشت.

هیأت چگونه واعظ جوانان را به سمت خودشناسی و بالندگی مذهبی و روحیه نو پیش ببرند؟
لازمه خودشناسی، خداشناسی است. اگر بتوانیم با بیان آیات و روایات بطور شفاف و قابل فهم و درک جوانان همراه بانو آوری و استفاده از ابزارهای جدید و علم روز با آنها ارتباط صمیمی برقرار کنیم و زمینه رشد فکری آنان را فراهم سازیم بدون شک جوانان مومن ما آمادگی درک حقایق و رسیدن به تعالی فکری را داشته و به خودشناسی و بالندگی دینی و مذهبی خواهند رسید.

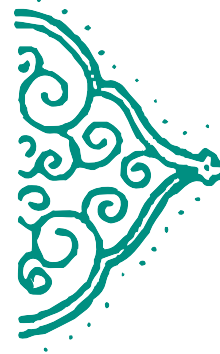
هیأت چه توصیه‌ای برای واعظ دارید؟
واعظ و سخنرانان از عنوان مطالب گنگ و بدون سند و ثقیل خوداری کرده و مطالب را روشن و شفاف و روان بدون اغراق و گزافه گوئی مطرح نمایند و سعی کنند که مطالب آنها دارای بار علمی و پویا و تحول ساز باشد.

هیأت در ابتدا خودتان را معرفی کنید، و بفرمائید چه مدت با هیأت رزمندگان اسلام هندیجان همکاری دارید؟
اینجانب جعفر بنی سعید، متولد ۱۳۵۶ دارای سطح دو حوزوی هستم. و مدت ۵ سال است که در شهرستان ولایتمدار هندیجان با هیأت رزمندگان این شهرستان همکاری می‌کنم.

هیأت از نظر شما یک منبر خوب چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟
بیان شفاف باشد، مطالب منبر به روز باشد، مخاطب خود را بشناسد و در حد اندازه آن جمع سخن بگوید، صبور و با حوصله باشد، تحمل آراء مخالف را داشته باشد و از نقد و انتقاد نهراسد و بار علمی قابل قبول در حد پاسخگوئی به نیاز مخاطبان داشته باشد.

هیأت از نظر شما اخلاق یک واعظ چگونه باید باشد؟
یکی از مهمترین ابزار جذب مخاطب اخلاق نیکو و برخورد متین و مناسب با مخاطب و خوشروئی و تواضع و فروتنی در مقابل مردم است که بدون شک عاملی برای پیشبرد کار تبلیغ و اثر بخشی وعظ و سخنرانی و موعظه را به همراه خواهد داشت.

هیأت چگونه می‌توان یک هیأت را از حضور



مستول واحد پيروان عترت هیأت رزمندگان اسلام شهرستان هندیجان

آینده مملکت را زنان تعیین می کنند

**هیأت در ابتدا خودتان را معرفی بفرمائید؟
و از چه زمانی با هیأت رزمندگان اسلام
همکاری دارید؟**

اینجانبه سیده وجیهه تقوی هستم و در حال حاضر در حوزه علمیه الزهراء هندیجان مشغول به تدریس علوم دینی می باشم و مدت شش سال است که با هیأت رزمندگان اسلام هندیجان همکاری دارم.

**هیأت واحد خواهران شهرستان
هندیجان چگونه و بر اساس چه نیازهایی
شروع به کار کرد؟**

با توجه به اینکه زنان تیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند هر نیاز فرهنگی که برای مردان متصور است چند برابر آن نیز نیاز جامعه زنان خواهد بود، لذا ما بر اساس همین ضرورت اقدام به تاسیس و راه اندازی واحد پيروان عترت نمودیم

**هیأت شما بعنوان یک فعال مذهبی چه
نیازهایی برای بانوان می بینید که بر روند
اهداف هیأت مسئله مهمی می باشد؟**

همانطور که می دانید آینده مملکت را زنان تعیین می کنند، مادران پاک دامن فرزندان صالح تربیت خواهند کرد، بفرموده امام رحل (ره) از دامن زن مرد به معراج می رود. از اینرو به نظر من نیاز اصلی زنان ما بویژه در دوران

حساس کنونی و تهاجم همه جانبه دشمنان، ارتقای سطح بینش و آگاهی و تعهد دینی آنهاست و در این راستا هر چه تلاش کنیم باز هم کم است.

**هیأت آیا شما در هیأت دارای اهداف بلند
مدت نیز هستید؟ اگر دارید توضیح دهید؟**

دور نمایی کار فرهنگی ما تلاش برای تربیت مادرانی عقیف و پاکدامن با اتمرار کار فرهنگی گسترده خواهد بود، لذا با همکاری بسیج خواهران- حوزه علمیه خواهران و سایر نهادهای فرهنگی شهرستان و تشکیل اطلاق فکر و استفاده از نظرات و اندیشه های کارشناسان علم و تربیت و مشاوران برجسته سعی در رسیدن به این هدف مقدس داریم

**هیأت در حال حاضر برای رسیدن به
اهدافتان چه مشکلاتی را پیش رو دارید؟**

همچنان که میدانید کار فرهنگی هزینه بر است و ما در منطقه ای واقع شده ایم که از لحاظ اقتصادی محروم و لذا برای رسیدن به مقصود و حرکت مطلوب با مشکلات زیاد مالی و حمایتی مواجه هستیم که عنایت ویژه مسئولین مرکزی و استانی را می طلبد

**هیأت پيروان عترت در توسعه
فرهنگ فاطمی چگونه می تواند نقش**

مهمی ایفا کند؟

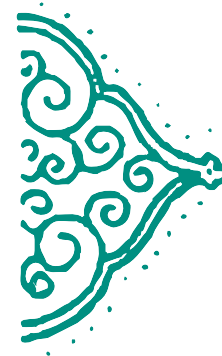
چند سالی است که ایام فاطمیه در این واحد به شکل با شکوهی برگزار و جمع کثیری از بانوان در این مراسمات شرکت کرده و با سیره و روش و ابعاد مختلف حضرت فاطمه (س) آشنا شده و قطعاً در زندگی شخصی و اجتماعی آنها تاثیر به سزایی خواهد داشت.

**هیأت برنامه هایی که برای واحد خواهران
دارید چیست؟**

ما به طور مستمر در سال در هفته دو روز (دوشنبه و سه شنبه) برنامه داریم و علاوه بر آن در تمامی مناسبتهای ملی و مذهبی چه برنامه هائی که از طرف هیأت به شکل سراسری ابلاغ شده و چه برنامه ها را به شکل مفصل اجرا می کنیم و انشا... این روند با شتاب بیشتری ادامه خواهد یافت.

**هیأت در پایان سخن ناگفته ای دارید
بفرمائید؟**

ضمن تشکر از همکاریها و حمایتهای برادران هیأت رزمندگان شهرستان، از ماهنامه هیأت نیز بخاطر مطالب خوب و آموزنده آن سپاسگزاری می کنم و همچنین از معاونت محترم امور شهرستانهای هیأت رزمندگان استان خوزستان بخاطر مساعدتها و ارشاداتشان قدردانی می نمایم.



مداح هیأت رزمندگان اسلام شهرستان هند یجان

مداحان سعی وافر در ادای تکلیف دارند

مولودی و مداحی یک فرم است و هیچ گونه تفاوتی با هم ندارند؟

این موضوع بر می گردد به مسئولین و خردمندان عرصه مداحی که باید در فکر چاره اندیشی باشند، به نظر من اصل کلام را امام راحل بزرگوار (ره) عنوان کرد که فرمود (هر منطقه ای به سبک همان منطقه عزاداری و اجرای برنامه نماید) متأسفانه امروز چند نفر در تهران بواسطه داشتن امکانات نشر و گسترش ساخته های خود و حمایت از آنها، آن سبک ها را به سایر نقاط الغا می کنند و سایر مناطق که از این امکانات محرومند از معرفی سبک ها و روشهای خود بی نصیب می مانند و لذا سبک های تکراری و یک فرم به جامعه عرضه می گردد.

هیأت در پایان اگر سخن خاصی دارید بفرمائید؟

ضمن تشکر از همه مروجان سیره اهل البیت (ع) بالخص هیأت رزمندگان اسلام و تقدیر از ماهنامه هیأت بخاطر درج مطالب بسیار مفید و راهگشا بویژه برای مداحان، این نکته را به عرض می رسانم که مداحانی در شهرستان ها هستند که با احیای سبک های زیبا و دلنشین و غنی سنتی مناطق خود توانسته اند طیف عظیمی از جوانان و نوجوانان را جذب کرده و مسیر زندگی آنها را تغییر دهند که این سبک ها باید مورد توجه قرار گیرد و هیأت رزمندگان و صدا و سیما نباید تنها به سبک های شور و تند که توسط عده قلیل مطرح شده و کمترین طرفداران را در بین جوانان دارند توجه و عنایت داشته باشند، سبک های سنتی را احیا کنید، نتایج پر بار آنرا مشاهده خواهید کرد.

نشست های داخلی بحمداله مداحان مادر حد قابل قبولی می باشند.

هیأت آیا شما توانسته اید به رسالت خود که در زمینه مداحی می باشد را خوب ادا کنید؟

همه مداحان سعی وافر در ادای تکلیف دارند و در مورد بنده مردم باید قضاوت کنند، لکن تا کنون تمام وجودم را در خدمت اهل بیت (ع) قرار داده ام و امیدوارم مورد قبول خداوند متعال و رضایت بقیه الله الاعظم امام زمان (عج) قرار گیرم.

هیأت آیا یک مداح باید آداب و اخلاق خاصی داشته باشد؟

مداح باید ویژگی های منحصر به فرد داشته باشد به گونه ای که جامعه او را از هر حیث بعنوان الگوی رفتاری بپذیرد و مردم مخصوصاً جوانان و نوجوانان علاوه بر صدای دلنشین بیشتر شیفته مرام و عمل صالحش گردند.

هیأت سبک هایی که در مداحی و یا مولودی انتخاب می کنید آیا تقلیدی است و یا اینکه خودتان در این زمینه خلاقیت به خرج می دهید؟

با توجه گسترده گی و تنوع سبک های سنتی در این مناطق و استقبال که عمده مردم بویژه جوانان به این سبک ها دارند بنده نیز بیشتر در این سبک ها کار می کنم و در برخی مواقع نوآوری و تغییراتی در برخی اجراها بعمل می آورم.

هیأت چرا در بیشتر مواقع سبک های

هیأت در ابتدا خودتان را معرفی نمائید؟ و بفرمائید چند سال است که با هیأت رزمندگان اسلام اسد آباد همکاری دارید؟

اینجانب بهمن دادفر متولد سال ۱۳۶۰ هستم و بیش از ۵ سال است که افتخار همکاری با هیأت رزمندگان اسلام شهرستان هند یجان را دارم.

هیأت جایگاه مداح را در هیأت رزمندگان اسلام چگونه می بینید؟

مداح بعنوان یک شخصیت نافذ جایگاه رفیع و ممتازی در بین مخاطبان هیأت دارد و با توجه به الگو پذیری جوانان و نوجوانان از مداح، همواره باید مراتب رفتار و کردار خود در جامعه باشد و طوری عمل کند که این تاثیر گذاری مستمر و مفید باشد.

هیأت یک مداح چگونه می تواند در کار خود رشد کند؟

برای رسیدن به رشد و کمال علاوه بر تکیه به الطاف الهی، برنامه ریزی صحیح و مدون، مطالعه و بالابردن سطح آگاهی، شرکت در همایش ها و دوره ها و استفاده از دانش دیگران، و رفتار متین و متواضعانه می تواند در رشد و تکامل یک مداح موثر باشد.

هیأت مداحان شهرتان از نظر شما در چه سطحی قرار دارند؟

با توجه به دوری شهرستان ما از مرکز استان و نیز محرومیت منطقه امکان برگزاری دوره ها و اعزام مداحان به کلاس های آموزشی کم است ولی در عین حال با تهیه سی دی های آموزشی و نیز ماهنامه هیأت توسط هیأت رزمندگان و برگزاری

ساری

مراسم ولادت حضرت زینب (س) به همت واحد خواهران - پیروان عترت هیأت رزمندگان اسلام مرکز مازندران در حسینیه عاشقان کربلای ساری برگزار شد. در این مراسم دکتر سلیمی محقق و استاد دانشگاه، طی سخنانی با اشاره به شخصیت والای حضرت زینب کبری (س) گفت: وجود شخصیت های زنان بزرگ و تاثیر گذار در اسلام همچون حضرت زینب (س) بیانگر حقایق متعددی است که باید با ظرافت و ژرف نگری به آنها نگریست. وی افزود: از جمله حقایقی که به برکت وجود زنان اهل بیت عصمت و طهارت (ع) برای جوامع اسلامی و حتی جهان بشری آشکار می شود، تاکید بر هویت انسانی و شخصیت متعالی زن در اسلام است. شخصیت برجسته حضرت زینب کبری (س) ثابت می کند که اسلام بخوبی توانسته در ادوار گوناگون، مساله زن در حیات بشر را در عالی ترین وجه ارائه و حل کند. دکتر سلیمی با اشاره به سبک زندگی از منظر مقام معظم رهبری (دامت برکاته) گفت: ایشان سبک زندگی را بخش حقیقی پیشرفت و تمدن سازی نوین اسلامی می دانند و تاکید دارند که پیشرفت در علم، صنعت، اقتصاد و سیاست که بعد ابزاری تمدن اسلامی را شکل می دهند، وسیله ای برای دست یابی به سبک و فرهنگ صحیح زندگی و رسیدن به آرامش، امنیت، تعالی و پیشرفت حقیقی است. وی افزود: رهبر معظم انقلاب اسلامی، اصلاحات اقتصادی را از یک موضوع دانشگاهی و نخبگی، وارد فاز مردمی و به عنوان یک وظیفه عمومی ترسیم کردند. اقتصاد مقاومتی راه برون رفت از معضلات کشور ما بشمار میرود و اقتصادی دینی ست که می تواند راه گشای بحران های کنونی در نظام اقتصادی جهانی باشد. گفتنی است در پایان این مراسم از شکیبایی و ایثار شماری از همسران جانبازان قطع نخاعی استان مازندران تجلیل بعمل آمد.

هرمزگان

همایش سالانه هیأت رزمندگان اسلام استان هرمزگان با شرکت مسئولین هیأت شهرستانهای: (میناب، رودان، قشم، هرمز، لنگه، حاجی آباد، پارسیان، چارک، ابوموسی، سیریک، خمیر و بخش رودخانه) در صبح روز پنج شنبه ۱۵/۱۲/۹۲ ساعت ۸:۳۰ دقیقه در سالن اجتماعات مخابرات برگزار شد.

در این همایش حجت الاسلام والمسلمین سعادت نژاد و سرکار خانم ساکت از اعضای هیأت امناء ستاد مرکزی هیأت و همچنین اعضای هیأت امناء استان حضور پیدا کردند. این برنامه پس از تلاوت آیاتی از کلام الله مجید و سرود جمهوری اسلامی ایران، سردار مارانی یکی از اعضای هیأت امناء استان ضمن عرض خیر مقدم به حاضرین، هیأت را یکی از تاثیر گزارترین نهاد های غیر رسمی در مسائل فرهنگی دانستند. ایشان با تأکید بر اینکه انتساب هیأت به رزمندگان یعنی اینکه از پشتوانه و عقبه ی شهدا، رزمندگان و مجاهدین فی سبیل الله برخوردار است و با تأسی به اهل بیت (س) فضای معنوی را به جامعه ایجاد می کنند که تأثیر معنوی برنامه های آن در مدت بیش از ده سال در استان پر برکت بوده است. در ادامه حجت الاسلام والمسلمین سعادت نژاد از هیأت مرکز، هیأت های رزمندگان را محملی برای نشر و گسترش فرهنگ ایثار و شهادت و بیان سیره ائمه در مناسبت های شهادت و مولید اهل بیت بیان کردند در این همایش اعضای هیأت امنای طی جلسه ای به پرسش های حاضرین پاسخ دادند سپس کلیه شرکت کنندگان با حضور در حرم امامزاده سید مظفر پس از اقامه نماز جماعت، حجت الاسلام والمسلمین هاشمی مدیر کل اوقاف و امور خیریه استان با اشاره به خاطرات رزمندگان و شهدا را در دوران دفاع مقدس یاد و خاطرات ایثارگران، شهداء و رزمندگان در یک فضای معنوی و روحانی بیان کردند. در پایان ۳ هیأت نمونه و برگزیده با بیان گزارش ها و برنامه های اجرایی لوح تقدیر و هدیه ای به رسم یادبود از دست اعضای هیأت امناء دریافت کردند.

این همایش پس از صرف ناهار و استراحت در بخش بعدی آن به برگزاری کمیسیون های تخصصی نوجوانان عاشورایی، مدیران هیأت و پیروان عترت واحد خواهران پرداختند که هر کدام از شرکت کنندگان نقطه نظرات خود پیرامون محتوای برنامه های سال ۹۳ و انسجام و همگرایی با دیگر هیأت، نوآوری و بصیرت افزایی در برنامه ها و نحوه تعامل هیأت ها با اوقاف و امور خیریه و چگونگی حمایت های مادی و معنوی اداره اوقاف در استان و شهرستان ها با توجه به برگزاری مراسم های مذهبی در بقاع متبرکه به بحث و بررسی نشستند. در پایان ۳ هیأت نمونه و برگزیده با بیان گزارش ها و برنامه های اجرایی لوح تقدیر و هدیه ای به رسم یادبود از دست اعضای هیأت امناء دریافت کردند.

همدان

مراسم ولادت حضرت زینب (س) عقیله بنی هاشم به همت واحد خواهران پیروان عترت هیأت رزمندگان همدان در محل حسینیه شهید مدنی برگزار گردید.

این برنامه با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید توسط خواهر شعبانی آغاز شد و سپس حجه الاسلام والمسلمین طالبی در رابطه با شناخت جنبه های مختلف سیره عملی حضرت زینب (س) و چگونه الگو قرار دادن ایشان در زندگی به ایراد سخن پرداختند. وی در قسمتی از سخنان خود گفت: بعضی افراد وقتی نام حضرت زینب (س) را می شنوند یاد غم و غربت و اسیری و تنهایی می افتند، حال آنکه ابعاد دیگر شخصیت آن بانوی بزرگوار کمتر بازگو گردیده است. این بانو زینت پدر بود، در بلاغت چون علی (ع)، در فصاحت چون حسن (ع)، در شجاعت چون حسین (ع) و در حیا چون مادرش زهرا (س) مرضیه (س) است.

این مراسم با مدیحه سرایی خواهران مداح، سرکار خانم حیدری و ورکانه ادامه یافت. در پایان برنامه از همسران جانباز و ایثارگر و پرستاران خادم در هیأت که پیش تر از ایشان دعوت به عمل آمده بود، تجلیل و به خواهرانی که نامشان زینب بود، هدایایی تقدیم گردید.

باغین شهر

با همت هیأت رزمندگان اسلام شهر باغین مجالس روضه خوانی و سوگواری بی بی دو عالم ام ابیها حضرت فاطمه الزهراء (س) از پنجشنبه هفتم فروردین به مدت ۷ شب و از ساعت ۸ شب در محل دارالشفاء حسینیہ ارشاد برگزار گردید. سخنران مراسم حجت الاسلام کامیل پهلوان زاده با پرداختن به شخصیت حضرت فاطمه (س) آن حضرت را بعنوان یک الگوی برتر برای بانوان جهان اسلام دانست. در این هفت شب مداحان اهل بیت عصمت و طهارت (ع) عادل رضائی، محمد شجاعی، محسن محبان، کربلانی حمید عسکری، ابوذر شجاعی، یدالله شجاعی و علی اصغر شجاعی به مداحی پرداختند. همچنین مراسم نمادین تشیع حضرت فاطمه الزهراء (س) در شب شهادت آن حضرت برگزار گردید.

خان ببین

به مناسبت شهادت حضرت فاطمه زهرا (س) هیأت رزمندگان اسلام شهر خان ببین و بخش فندرسک مراسم سوگواری را در مصلی این شهر برگزار نمود. در این مراسم حجة الاسلام والمسلمین باقری امام جمعه سابق شهر خان ببین به سخنرانی در وصف آن حضرت پرداخت. این مراسم که در سه شب از ۱۲ تا ۱۴ فروردین بعد از نماز مغرب و عشاء برگزار گردید با استقبال پر شور مردم ولایتمدار این شهر روبرو شد. همچنین در این سه شب ذاکرین اهلبیت بانوای خود عزاداران فاطمی را به فیض رساندند.

دزفول

به مناسبت میلاد حضرت زینب (س) جشنواره «یاس های سفید» با حضور زینب های ۱۱ تا ۱۳ ساله به همت واحد خواهران پیروان عترت شهرستان دزفول برگزار گردید. خانم نوری زاده مسئول هیأت پیروان عترت دزفول هدف از برگزاری این جشنواره را تقویت ظرفیت های دینی و فرهنگی، ایجاد همبستگی و همدلی میان دانش آموزان و اهل بیت (ع)، افتخار نمودن دانش آموزان و والدین آنها به نام فرزندانشان که همانا اهل بیت (ع) هستند، دانست.

یزد

همایش استانی هیأت های رزمندگان اسلام یزد؛ با حضور نماینده ولی فقیه و امام جمعه یزد، فرمانده سپاه الغدیر و نماینده ولی فقیه در سپاه الغدیر همایش استانی هیأت رزمندگان اسلام یزد در سالن سپاه الغدیر برگزار شد. در این همایش سردار فتوحی فرمانده سپاه الغدیر، حجه الاسلام سبحانین نماینده ولی فقیه در سپاه، آیت الله ناصری امام جمعه محترم یزد، عباس دهقان مسئول هیأت امناء و سید محمود حسینی مسئول اجرایی هیأت رزمندگان اسلام یزد به ایراد سخنرانی پرداختند و نکاتی را پیرامون هیأت متذکر شدند. این همایش از ساعت ۳۰/۸ صبح الی ۱۲ روز پنجشنبه ۱۵/۱۲/۹۲ با حضور فرماندهان و نمایندگان ولی فقیه سپاه شهرستان ها و مسئولین هیأت امناء، مسئولین اجرایی، مسئولین جوانان و مسئولین خادمین و خواهران شهرستانهای استان یزد برپا شد.

شهر کرد

جشن میلاد حضرت زینب کبری سلام الله علیها در شهر کرد برگزار شد.

همزمان با میلاد با سعادت اسوه صبر و ایثار حضرت زینب کبری سلام الله علیها مراسم جشن میلاد در مهدیه مصلی بزرگ حضرت امام خمینی (ره) شهر کرد برگزار شد. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی هیأت رزمندگان اسلام استان چهارمحال و بختیاری؛ این مراسم باشکوه به همت هیأت پیروان عترت رزمندگان اسلام شهر کرد ۱۶ اسفندماه از ساعت ۹ تا ۱۱ صبح ویژه خواهران برگزار شد.

تلاوت آیات نورانی قرآن مجید، مولودی خوانی و سخنرانی رییس حوزه علمیه خواهران شهر کرد از دیگر برنامه های این مراسم باشکوه بود.

بافق

جشن میلاد الگوی صبر و استقامت، فاطمه ثانی، پیام رسان کربلا و عاشورا حضرت زینب کبری (س) به همت واحد خواهران پیروان عترت شهرستان بافق؛ برگزار گردید. سخنرانی این مراسم پیرامون شناخت جنبه هایی از شخصیت حضرت زینب کبری (س) و تفسیر آیاتی از سوره ی مبارکه ی مریم و نیز توضیحاتی درباره ی حروف مقطعه ی «کهیعص» به سرکار خانم دست افشان مدیر محترم حوزه ی علمیه خواهران حضرت فاطمه الزهرا (س) اختصاص داشت.

مراسم با مدیحه سرایی مداح برگزیده ی کشوری محمدرضا ناظم و قرائت اشعاری از سرکار خانم حبیبیان در مدح حضرت زینب کبری (س) ادامه یافت و در پایان به برخی از بانوان که هم نام آن حضرت بودند جوایزی اهدا گردید.

به مناسبت ایام فاطمیه و ایام ولادت حضرت صدیقه کبری (س) مراسم باشکوهی در حسینیه شهدای بسیج به همت هیأت رزمندگان اسلام برگزار گردید. در این مراسم آقایان حجج اسلام مؤمنی و حیدری کاشانی و ستایشگر اهل بیت (ع) حاج سعید حدادیان و حاج محمود تازی به ایراد سخنرانی و مداحی پرداختند.





قال رسول الله صلى الله عليه وآله: **ذكر علي عباده.**
ياد کردن از علی (علیه السلام) عبادت است.

مناقب الخوارزمی / ۲۶۱

